

# مسائل بین المللی

مجله تئوریک و اطلاعاتی

شماره ۵ (۷۱)

---

آذر - دی سال ۱۳۵۳

## فهرست مقالات این شماره :

<u>صفحه</u>	<u>مؤلف</u>	<u>عنوان</u>
۱۳ - ۳	<u>اریش هونکسر</u> دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان	۱ - در راه انقلاب سوسیالیستی
۲۰ - ۱۴	<u>لوبومیرا اتروگال</u> عضو هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی و رئیس دولت جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی	۲ - اهمیت بین المللی موفقیت های اقتصادی سوسیالیسم
۳۰ - ۲۱	کنفرانس علمی - تئوریک	۳ - اتحاد سوسیالیسم جهانی و جنبش آزادیبخش ملی
۳۹ - ۳۱	<u>استفان اوشوسکی</u> عضو شورای سیاسی حزب کارگری متحد لهستان و وزیر امور خارجه جمهوری توده ای لهستان	۴ - مبانی صلح و امنیت خلقها
۵۰ - ۴۰	<u>فدور کولاکف</u> عضو شورای سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی	۵ - سیاست ارضی لنین و تحقق آن در اتحاد شوروی
۵۶ - ۵۱	<u>لوتی بایو</u> عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه	۶ - فرهنگ، روشنفکران و طبقه کارگر
۶۲ - ۵۷	بان پراژسکی	۷ - دیالکتیک کا هئی تشنج بین المللی

# در راه انقلاب سوسیالیستی

اریتر هونکر

د بیرون کمیته مرکزی حزب سوسیالیست  
متحد آلمان

هفتم اکتبر سال ۱۹۲۴، ۲۵ سال از تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان گذشت. رویدادهای این ربع قرن بیانگر آنستکه تاریخ خلق مارا نوینی را می‌پدید که با گذشتۀ تفاوت بنیادی دارد. زحمتکشان کشور ما در جریان انجام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم تحت رهبری لایحه متحد کارگر و حزب مارکسیستی - لنینیستی آن در گرونیها بسیار عمیق در زندگی اجتماعی خود بوجود آوردند.

جمهوری دموکراتیک آلمان بمنزله کشوری استوار و نیرومند که از سیاست صلح و همبستگی ضد امپریالیستی پیگیری می‌کند به حال گرد بنیاد گذارن خود گام می‌نهد. دولت کارگری - دهقانی ما با اتحاد ناگسستی با اتحاد جماهیر شوروی و در حالیکه جزئی جدانشدنی است در جامعه کشورهای سوسیالیستی است به‌تایید همگانی بین الطلیس برسمیت شناخته شد. در کشور ما نیز، در برتری نیروی خلاق طبقه کارگر و کارافتخار آمیز و فرمانانۀ خلقی که از استثمار سرمایه دارن رهائی یافته، برتری و روحان سوسیالیسم بر سرمایه دارن هرچه روشن تر آشکار میگردد.

هریک از مراحل راه تکامل بیست و پنجساله ما با کار بسیار و مبارزه بی‌خفتی بی‌امان برعلیه امپریالیسم و میائتاریسم مشخص میگردد. طی این سالها آن نیروهای ارتجاعی جمهوری فئدرال آلمان که میکوشیدند با تمام وسایل نخستین کشور کارگری - دهقانی آلمان را از زمین بپزند یا شکست قطعی مواجه گردیند. بنیانگذاری جمهوری دموکراتیک آلمان و پیشرفت آن سهم مهم وارزنده‌های در امر تغییر بیشتر تناسب نیروها در جهان بسود سوسیالیسم بود و امپریالیسم متجاوز آلمان را که در جنگ خانمانسور جهانی بیاگرده بود بیشتر تضعیف نمود.

فخر و مباحثاتی که ما از موفقیت‌های که بدست آوردیم در خود احساس میکنیم در ابتکارهای متعددی زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان بمنظور تحقق پیگیری قرارهای کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان که اینک وظایف ساختمان جامعه پیشرفته سوسیالیست را در برابر خود دارد، نمودار میشود.

سالروز مهم جمهوری دموکراتیک آلمان در شرایطی و محیطی تدارن میشود که بهترین راه را برای مبارزه در راه تحقق برنامه اقتصاد ملی سال ۱۹۲۴ و عملی ساختن آن در فمندان بیشتر از میزان پیش بینی شده و همچنین تهیه برنامه سال آینده با احساس مسئولیت کامل توصیف میکنند. اهتسالی جمهوری دموکراتیک آلمان با انعقاد به درسهای مبارزه ۲۵ ساله در راه صلح، دموکراسی و سوسیالیسم با در نظر گرفتن هدفهای خود و خوش بینی در راهی که کنگره هشتم حزب نشان داده پیش میروند.

پیدا ایش و پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان با پیروزی جهانی و تاریخی مردم اتحاد شوروی بر فاشیسم هیتلری ارتباط ناگسستگی دارد . در واقع ارتش شوروی در نبرد قهرمانانه که با قربانی های بیشمار توأم بود ، خلق هائی را که در قید ظلم و اسارت امپریالیسم آلمان بودند آزاد کرد و باین ترتیب امکانات تازه ای برای پیشرفت اجتماعی جهان بوجود آورد . در سرزمین های آزاد شده که از مداخلات امپریالیستی در امان بودند شرایط مساعدی برای درگونیهای تعیین انقلابی که زمان انجام آنها فرارسیده بود و ضرورت عینی داشتند پدید آمد . در جمهوری دموکراتیک آلمان و یکسلسله از کشورهای دیگر این امکان بوجود آمد که از نیروهای انقلابی که در نتیجه سرکوب فاشیسم آلمان آزاد شده بودند استفاده شود . باین ترتیب پیروزی اتحاد شوروی در جنگ کبیر میهنی و اعتلای پرتوان تمام جنبشها و انقلابی پس از جنگ دوم جهانی پیروسه انقلاب جهانی را بدرجه نویی بالتری ارتقاء داد . جمهوری دموکراتیک آلمان از همان آغاز یکی از اجزاء استوار و از شرکت کنندگان فعال این پیشرفت انقلابی جهانی بود .

برقراری حکومت کارگران و کشاورزان در کشور ما و یکسلسله از کشورهای دیگر از همان آغاز با مقاومت شدید نیروهای طبقاتی میهنده ، انحصار داران ، زمینداران بزرگ و فاشیست ها و میلیتاریست های فعال روبرو گردید . این حکومت با جبهه واحد ارتجاعی ترین نیروهای امپریالیسم جهانی که با تمام حواس میکوشیدند مانع پیشروی سوسیالیسم در مرکز اروپا شوند نیز مواجه شد .

در جریان چنین مبارزه طبقاتی موجودیت و پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان تنها از طریق تحکیم پیگیر حکومت کارگران و کشاورزان و اتحاد خلدنایدیر با نخستین کشور سوسیالیستی و حزب لنینی میتوانست تامین گردد . بنیان گذاری و پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان نقطه عطفی در تاریخ خلق ما و واقعه ای پراهمیت در مقیاس جهانی بود ، زیرا جمهوری ما که از طرف بقفکارگر و حزب انقلابی آن رهبری میشد نخستین دولت آلمانی بود که سیاست ارتجاعی و ضد ملی دشمنی و تنفر نسبت به اتحاد شوروی را ریشه کن ساخته بود . این حکومت از همان ابتدای استن انقلابی دوستی آلمان و شوروی را پایه و اساس سیاست دولتی خویش قرار داد . رفیق ویلهلم پیک نخستین رئیس جمهوری آلمان دموکراتیک اظهار داشت که : " حزب سوسیالیست متحد آلمان بر این عقیده است که مردم آلمان باید مناسبات نوین دوستی با اتحاد شوروی برقرار نمایند و دیگر هیچوقت در آلمان تبلیغات افترا آمیز بر علیه اتحاد شوروی نباید راه داده شود " ( ۱ ) . روشن کردن چگونگی مناسبات ما با اتحاد شوروی برای حزب ما همواره مسئله بسیار مهمی بود . زیرا این مسئله برای پیشرفت و استواری و نیرومندی سوسیالیسم در خاک آلمان در درجه اول اهمیت قرار دارد .

این درس تاریخی که دوستی خلدنایدیر با اتحاد شوروی و مبارزه بر علیه آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم با مصالح تمام خلقها عمیقاً موافقت دارد تجارب ما را در این زمینه تأیید میکند . سیاست وایدنولوی آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم همیشه و همه جا سیاست وایدنولوی طبقه بوده است که تاریخ آنرا محکوم بزوان کرده و عبارت دیگر سیاست وایدنولوی تنزل و عقب ماندگی اجتماعی بوده است .

بیست و پنجمین سالگرد جمهوری دموکراتیک آلمان در واقع تاریخ ربع قرن همکاری و همبستگی برادرانه با اتحاد شوروی و تمام خانواده سوسیالیستی خلقها میباشد . تمام دستاوردهای مهم ما شمر اتحاد برادرانه استوار میان زحمتکشان جمهوری دموکراتیک آلمان و خلقهای اتحاد شوروی و مناسبات گسترده دوستی میان حزب سوسیالیست متحد آلمان و حزب کمونیست اتحاد شوروی و انترناسیونالیسم پرولتری است . پیوستن به پیمان ورشو و شورای تعاون اقتصادی و همچنین انعقاد

قرارداد های ودانیه دوستی ، همکاری و کمک متقابل مراحل عمده پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان در جامعه کشورهای سوسیالیستی است . نزدیکی هرچه بیشتر میان جمهوری دموکراتیک آلمان و اتحاد شوروی در تمام رشته ها تا بر فعالیت های حزبی و دولتی و زندگی اقتصادی و فرهنگی اینک جهات اصلی پیشرفت مناسبات میان هر دو کشور را تشکیل میدهد . با این ترتیب اتحاد آزمون شد میان جمهوری دموکراتیک آلمان و اتحاد شوروی هرچه بیشتر گسترش می یابد . با این طریق هدفهایی که لئونید برژنف د بزرگ کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مشخص کرد بواقعیت مبدل میشوند . او گفت : " ما میخواهیم سیستم جهانی سوسیالیسم خانواده دوستی خلقی را ایجاد کنیم که مشترکاً جامعه نوی میسازند و از آن دفاع میکنند و متقابلاً کنجینه تجارت و دانش های خویش را غنی تر مینمایند ، خانواده متحد و استواری باشد که مردم روی زمین در سیمای آن نمونه جامعه مشترک جهانی خلقهای آزاد آینده را ببینند " ( ۱ ) .

برای رسیدن به این چرخش قاطع در تاریخ خلق مالا زمی آمد که استعداد رهبری این جریان تاریخی در طبقه کارگر پرورش داده شود . این امر در رجه اول نیازمند غلبه بر انشعابی بود که اپورتونیسم در جنبش کارگری بوجود آورده بود . با اتکا به این سخنان لینن که در مارکسیسم - لنینیسم مهمتر از هر چیز اثبات رسالت جهانی - تاریخی طبقه کارگر است کمونیستهایی که از زندانهای فاشیسم بیرون آمده و با ازمواجرت بازگشته بودند وحدت طبقه کارگر را هدف اصلی فعالیت های خویش قرار دادند .

هدف و راه مبارزه انقلابی را کمیته مرکزی حزب کمونیست آلمان در بیانیه ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ نشان داد . در بیانیه نزدیکترین هدف تشکیل جمهوری ضد فاشیست و دموکراتیک با تمام حقوق و آزادی های رنجبران تعیین شده بود تا بدینوسیله راه برای رفتن بسوی سوسیالیسم هموار گردد . این سند مهم عملاً به کار پایه ( پلاتفورم ) اقدامات واحد طبقه کارگر و اتحاد حبه واحد تمام احزاب ضد فاشیست و دموکرات مداف گردید . رهبری مرکزی حزب سوسیال دموکرات آلمان طی بیانیه ۵ ژوئن ۱۹۴۵ خود از بیانیه حزب کمونیست آلمان بطور جدی پشتیبانی کرد . نهضت سندنگانی که پس از ۱۲ سال اختناق زندگی را از سر گرفته بود در بر توهمکاری کمونیست ها و سوسیال دموکرات ها بر اساس اتحاد سندنگا های مختلف بزمان واحدی تبدیل شد .

وحدت عمل کمونیست ها و سوسیال دموکرات ها از طریق تشریح متقابل مسائل نظری - سیاسی در مبارزه مشترک برای ایجاد یک نظام ضد فاشیستی دموکراتیک گسترش یافته و استوار گردید . این وحدت بحلقه اصلی وحدت تمام نیروهای ضد فاشیست و دموکرات مبدل شد . بهمین دلیل مرتجعین و لیبرال های سوسیال دموکرات های راست تمام کوشش خود را در راه تضعیف وحدتی که تازه بوجود آمده بود متمرکز ساختند . در اواخر سال ۱۹۴۵ و اوایل سال ۱۹۴۶ مسئله باین شکل مطرح بود : یا وحدت عمل در سطح عالیتر و وحدت کمونیست ها و سوسیال دموکرات ها در یک حزب واحد انقلابی مارکسیستی یا فقدان وحدت عمل و از هم پاشیدگی .

در چنین اوضاع و احوالی حزب کمونیست آلمان مبتکر وحدت کمونیست ها و سوسیال دموکراتها در حزب سوسیالیست متحد آلمان گردید . این وحدت در آوریل سال ۱۹۴۶ بر پایه برنامه یکجمله مارکسیستی جامده عمل پوشید . هدف نخستین خواستهای این برنامه که از بیانیه های حزب کمونیست آلمان ( ۱۱ ژوئن ۱۹۴۵ ) و حزب سوسیال دموکرات آلمان ( ۱۵ ژوئن ۱۹۴۵ ) مایه میگرفت ایجاد جمهوری ضد امپریالیستی و دموکراتیک بدون انحصار در آران و مانگان بود . هدف دوم



باین ترتیب کشاورزان ، نمایندگان روشنفکران ، پیشه وران و بقیه زحمتکشان در جریان ساختمان جامعه نوین توانستند قریحه و استعداد خود را بنفع تمام مردم بروز دهند .

حزب سوسیالیست متحد آلمان با تطبیق خلاق اصول لنینی سیاست اتحاد ها همکاری حزب طبقه کارگر را با احزاب دموکراتی نظیر حزب دموکرات مسیحی ، حزب لیبرال دموکرات آلمان ، حزب ناسیونال دموکرات آلمان و حزب دموکرات دهقانی آلمان که پیرامین سال ۱۹۴۵ پدید آمدند گسترش داد . این همکاری که در جریان ایجاد دگرگونیهای عمیق ضد فاشیستی و دموکراتیک بسر حد کمال رسید در دوران ساختمان سوسیالیسم نیز ادامه یافت و دامنه آن وسیع تر گردید .

تسریع در پیشرفت های علمی و فنی ، تطبیق فزاینده اسلوب های صنعتی در کشاورزی ، سیستم واحد آموخته و پرورش سوسیالیستی در شهر و ده و یکسلسله عوامل دیگر اختلاف اساسی میان کارجمعی و کارفکری و میان شهروند را بتدریج کاهش میدهند . این پروسه ها در عین حال وجوه مشترک میان طبقه کارگر ، کشاورزان عضو تعاونی ها و روشنفکران سوسیالیستی را عمیق تر میکنند . باین ترتیب ادامه ساختمان سوسیالیسم با پیشرفت مناسبات اتحاد طبقاتی همراه خواهد بود . طبقات و قشرهای جامعه مادرزمینه جهان بینی انقلابی طبقه کارگر بتدریج بیکدیگر نزدیک میشوند . وحدت سیاسی معنوی مردم هر چه بیشتر استحکام می یابد . در اینچنینیز این واقعیت که سوسیالیسم و کمونیسم در مرحله یک صورت بندی ( فرماسیون ) اجتماعی - اقتصادی هستند که نمیتوان میان آنها دیوار کشید ، با ثبات میرسد .

پیشرفت و تکامل جمهوری دموکراتیک آلمان این واقعیت را تأیید میکند که حزب طبقه کارگر فقط در صورتی قادر خواهد بود زحمتکشان را بدستی رهبری نماید که فواین عام انقلاب سوسیالیستی و ساختمان سوسیالیسم را راهنمای خود قرار دهد . در واقع همین موضوع است که تطبیق خلاق مارکسیسم - لنینیسم را با شرایط مشخص مبارزه و همچنین استفاده کامل از تجارب غنی جنبش جهانی کمونیستی و پیش از هر چیز تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی را ضروری سازد . زیرا هر انقلابی در اوضاع و احوال مشخص بوقوع می پیوندد و بنا بر این ویژگیها و اشکال خاص خود را خواهد داشت . هیچ انقلابی تکرار دقیق انقلاب دیگری نیست . در اینجا درک عمیق مضمون اصلی هر یک از مراحل روند انقلابی بران تهیه استراتژی و تاکتیک علمی اهمیت فراوان دارد . تجربه حزب کمونیست اتحاد شوروی نه فقط در مستگیری اصولی حزب ما ، بلکه در یافتن بهترین راه حل برای بسیاری از مسائل پراتیک هم بجا کمک و یاری کرد .

حزب ما با پیروی از تعالیم مارکس ، انگلس و لنین همواره مسئله حکومت را اساسی ترین مسئله انقلاب بشمار آورده است . پیشرفت جمهوری دموکراتیک آلمان بمثابه یک دولت سوسیالیستی کارگران و کشاورزان نیز اهمیت بین المللی تئوری لنینی انقلاب را تأیید مینماید . در کشور ما نیز دوره گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم پروسه انقلابی واحدی را تشکیل میدهد . حزب ما برهبری طبقه کارگر موفق شد مبارزه در راه دگرگونیهای عمیق ضد فاشیستی و دموکراتیک را با مبارزه بخاطر سوسیالیسم ارتباط دهد . با توجه مستمر به آنچه بدست آورده ایم و تجزیه و تحلیل دقیق سطح آگاهی توده ها ما گام بگام گذار از نخستین مرحله انقلاب به دومین مرحله آنرا تحقق می بخشیم .

تجربه ما این مطلب را تأیید میکند که سرکوب دستگاه دولتی کهنه بورژوازی در مرحله مبارزه ضد امپریالیستی و انقلابی دموکراتیک شرط تعیین کننده انتقال انقلاب به مرحله سوسیالیستی آنست . برقراری سلطه سیاسی طبقه کارگر یک اقدام آتی و کوتاه مدت نیست . این امر در کشور ما در طول یک پروسه طولانی دگرگونیهای انقلابی جامعه عمل پوشید . این پروسه نه با صلح و مسالمت بلکه در شرایط مبارزات شدید طبقاتی که لازمه آن سطح عالی آگاهی طبقه کارگر و تشکل هر چه بیشتر دستگاه دولتی



جدید بود جریان یافت .

تاسیس جمهوری دموکراتیک آلمان در اکتبر سال ۱۹۴۹ به ایجاد حاکمیت دولتی که موقوفیت شروع به انجام وظائف دیکتاتوری پرولتاریا کرده بود منتج گردید . امپریالیست های خارجی ونیرو های ضد انقلابی داخلی با وجود خرابکاری وجاسوسی وتداریک "فراز جمهوری" و کوشش های مستقیم برای انحلال حاکمیت کارگری - دهقانی ماموف نشدند پروسه گذار از دگرگونیهای ضد امپریالیستی ودموکراتیک به انقلاب سوسیالیستی را متوقف سازند .

باین ترتیب در کشور ما هم عوامل فوق العاده مساعد وهم یکسلسله شرایط بفرنج وناساعد از مختصات دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم بود . اعتلای روند انقلابی جهانی در نتیجه پیروزی ارتش شوروی برفاشیسم هیتلری ، حضور نیروهای مسلح اتحاد شوروی در جمهوری دموکراتیک آلمان وهمچنین کمک برادرانه نخستین کشور سوسیالیستی ودیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی شرایط مساعدی برای پیشرفت انقلاب سوسیالیستی بوجود آوردند . در عین حال ماناچار بودیم سوسیالیسم را در کشوری بسازیم که نیروهای امپریالیستی آنرا در محاصره دیپلماتیک وتاحدی هم محاصره اقتصادی قرار دادند . بورژوازی انحصاری در جمهوری فدرال آلمان با اتکا به نیروها اشغالگرایمپریالیستی مناسبات کهن حاکمیت ومالکیت را احیا میکرد . نیروهای امپریالیستی جمهوری فدرال آلمان با پیوستن این کشور به پیمان آتلانتیک شمالی در درجه اول هدف از زمین بردن دستاوردهای سوسیالیسم در جمهوری دموکراتیک آلمان را دنبال میکردند . ساختن جامعه مفوی در جمهوری دموکراتیک آلمان که سالهای متعددی با وجود مرزهای آزاد با جمهوری فدرال آلمان امپریالیستی انجام میشد سعی و کوشش فراوان برای حفظ صلح در بخش بسیار مهمی از صحنه مبارزه میان سوسیالیسم وامپریالیسم لازم داشت .

مطابق یادداشت مارکسیستی - لنینیستی ملت ومسئله ملی که کمونیست ها هیچوقت آنها را جدا از مسئله انقلاب سوسیالیستی در نظر نگرفته ایم ، ضرورت فاصله گرفتن پیگیر جمهوری دموکراتیک آلمان سوسیالیستی از جمهوری فدرال آلمان امپریالیستی پدید آمد . روز سیزدهم اوت سال ۱۹۶۱ ما با اتحاد با کشورهای عضو پیمان ورشو امنیت مرزهای کشور کارگری - دهقانی خود را بطوری اطمینان بخش تامین کردیم . پس از این جریان آن بخش از نیروهای امپریالیستی که بکمک "جنگ سرد" تهنیت های نظامی و خرابکاری اقتصادی میخواستند جمهوری دموکراتیک آلمان را خفه کنند ، مجبور شدند با هشباری با دُراف خود بنگرند و واقعیت را بپذیرند .

باین ترتیب از طریق استحکام سوسیالیسم ودفاع پیگیران ماموف شدید سهم مهمی در امر تداوم صلح در اروپا بدست آوریم . پیشرفت وتکامل جمهوری دموکراتیک آلمان باریکترین پیش بینی لنین رانیز تائید کرد که ملت های جداگانه هر یک بشکلی به سوسیالیسم میرسند . ولی برقراری حاکمیت سیاسی طبقه کارگر برای هر یک از آنها باید شرط تغییر ناپذیر ساختن و پیشرفت سوسیالیسم دانست وجوه مشخصه دیکتاتوری پرولتاریا و وظائف اساسی آن که مارکس وانگلس ولنین معلوم ومدلل ساخته اند وتجربه اتحاد شوروی نیز آنها را تائید نموده برای تمام آنها ضروری واجباری خواهد بود . در جمهوری دموکراتیک آلمان نیز وظائف عمده دیکتاتوری پرولتاریا عبارت بود از ایجاد جامعه سوسیالیستی وسوق دادن متحدین طبقه کارگر ، ملی این جریان ، باشکاف سوسیالیستی تولید وزندگی ، پیشرفت دموکراسی سوسیالیستی ، درهم کوبیدن مقاومت طبقات استعمارگروازگون شده وتامین دفاع نظام جدید در برابر دشمنان خارجی .

پس از پیروزی مناسبات تولیدی سوسیالیستی هم تحکیم حاکمیت کارگران ودهقانان بمنزله وظیفه درجه اول مابقی میماند . کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان با بخش کردن تلاش



کلیه سوسیال دموکرات های راست و تجدید نظر طلبان که میخواستند بکمک نظریات ضد سوسیالیستی تیشه برپیشه دولت سوسیالیستی ما بزنند با نیروی قدرت بیشتری این موضوع را تایید کرد .

کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان همچنین به تکمیل اصول و قواعد حقوقی و دولتی و پیشرفت هرچه بیشتر دموکراسی سوسیالیستی نیروی محرکه تازه و پرتوانی بخشید . از ۱۲ میلیون افرادی که حق شرکت در انتخابات را دارند اینک ۲۰۰ هزار نفر به نمایندگی خلق در مجامع و سازمانهای مختلف انتخاب میشوند و بیشتر از ۵۰۰ هزار نفر اعضای کمیسیون های ثابت و گروههای فعال وابسته به نمایندگی های خلق اند . بیش از ۳۰۰ هزار تن از اتباع کشور و وظائف مختلفی در دادگستری سوسیالیستی برپایه کار اجتماعی انجام میدهند . تعداد بیشتری از زحمتکشان و وظائف اجتماعی در احزاب ، سازمانهای توده ای ، کمیته های جبهه ملی ، کمیته های والدین در مدارس و ربا زری های کارگری - دهقانی بعهده دارند . همه اینها منظره گسترده و گوناگون و زنده ای از دموکراسی سوسیالیستی بدست میدهند . زحمتکشان در تمام این ارگانها و سازمانها بطور فعال و با داری بودن تخصص انجام وظیفه مینمایند و عبارت دیگر چرخهای واقعی حاکمیت را بگردش در میآورند . انتخابات سازمانهای خدمات ماهه سال جاری و فعالیت های خلاق مردم به مناسبت تدارک جشن بیست و پنجمین سالروز تأسیس جمهوری دموکراتیک آلمان نشان میدهند که این واقعیت است که کشور سوسیالیستی پیش از هر چیز بسبب فعال بودن حزب و شرکت آگاهانه اتباع آن در انجام امور دولتی ، اقتصادی و اجتماعی نیرومند است .

ما بطور پیگیر از اصل لنینی مرکزیت دموکراتیک پیروی میکنیم . در جریان این عمل افزایش کیفیت رهبری متمرکز دولتی و برنامه ریزی اهمیت قاطع دارد . ارگانهای مرکزی دولتی و زحله شورای وزیران جمهوری دموکراتیک آلمان ، پس از کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان ، برپایه یک سلسله قوانین و تدابیر دیگر امکان یافتند بطورزی موثرتر مسئولیت خود را اعمال کنند . هر گاه گسترش دموکراسی سوسیالیستی بهنگام ساختمان و پیشرفت جامعه سوسیالیستی ضرورتی عینی است ، افزایش نقش دولت سوسیالیستی که بیانگر اراده طبقه کارگر و تمام زحمتکشان است نیز در عین حال ضرورت پیدا میکند . پدیده هایی نظیر بوروکراسی و عدم توجه به نیازمندیهای زحمتکشان را نباید تحمل کرد .

مصلح مردم برای حزب ما معیار قاطع و بالاترین وظائف در تمام کارها است . در گرونیهای انقلابی از همان سالهای نخستین دستاوردهای مهمی برای زحمتکشان در برداشت ، تمام موسسات مردم تعلق گرفت . زمین از آن کسانی شد که روی آن کار میکنند . حق کار و تحصیل و اشتغال به مرحله عمل درآمد . برابری حقوق زنان و جوانان با مردان به حقیقت پیوست . زحمتکشان در همان دوران گذار از سرمایه داری به سوسیالیسم آزادی ، حق تعیین سرنوشت و امکان پرورش و استفاده خلاق از نیروهای خود را تا حدی که تصور آنهم در شرایط سلطه سرمایه انحصاری از محالات است بدست آوردند .

اما باید دانست که جامعه سوسیالیستی هم چیزی را برایگان نمیدهند . برآورده شدن نیازمند بیهای مادی و معنوی و فرهنگی فزاینده زحمتکشان در درجه اول به زیربنای مادی و فنی سوسیالیسم و سطح بازده کار ، فراگرفتن دستاوردهای انقلاب علمی و فنی و بکارگرفتن تمام ذوق و تریخه خلاق ، ابتکارها و آگاهی مردم وابسته است .

صنایع عظیم سوسیالیستی که پایه و شالوده قاطع اقتصادی سوسیالیسم است در بر تعلق یافتن تمام موسسات به مردم و تکثیر و پیشرفت مداوم آنها ایجاد گردیده است . در روستاها و در نتیجه ایجاد تعاونی های تولیدی کشاورزی که در سال ۱۹۶۰ به پایان رسید ، مناسبات تولیدی سوسیالیستی برقرار گردید . در این ضمن ارزش و اهمیت جهانی برنامه کسب و کار آلمان یعنی افکندن تولید ساده

کالا در شهروده در مسیر تولید اشتراکی بر پایه مالکیت اشتراکی سوسیالیستی ، با کمال وضوح نمودار گردید . - باین ترتیب شالوده استوار اقتصادی اتحاد خلل ناپذیر میان طبقه کارگر و طبقه کشاورزان تعاونی پی ریزی گردید .

کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان با ارزیابی واقع بینانه موفقیت های ماهد فهای جدیدی را که آینده در ورنیازمندیهای تشکل جامعه سوسیالیستی پیشرفته هماغهنگ با آنرا مشخص میکنند معلوم کرد . با پیشرفت روز افزون سوسیالیسم امکانات ما برای قرارداد ان نیازمندیهای مادی و معنوی و فرهنگی زحمتکشان در مرکز نقشه های اقتصاد و آنهاهم با دقت و روشنی بیشتر افزایش می یابد . همین موضوع امکان فراهم می آورد تا شرایط مساعد تری برای پیشرفت همه جانبه شخصیت سوسیالیستی بوجود آورده شود . ارتباط متقابل عینی میان پیشرفت تولید و بر آوردن نیازمندیهای زحمتکشان که بمنزله قانون اصلی سوسیالیسم مشخص گردیده است ، اینک هر چه روشن تر و بلا واسطه نمودار میگردد .

کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان با توجه باین موضوع وظیفه مده اقتصاد را بالا بردن هر چه بیشتر سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم بر پایه پیشرفت هر چه سریعتر تولید سوسیالیستی ، افزایش ثمر بخشی آن ، پیشرفت علمی و فنی و افزایش بازده کار اعلام داشت ( ۱ ) . این وظیفه اصلی که با نتیجه گیریهای بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی و هدف های دیگر احزاب برادر مطابقت دارد ، هسته اصلی سیاست اقتصاد ما را تشکیل میدهد و در همین حال ماهیت بشری و ستانه سوسیالیسم و کمونیسم را نشان میدهد .

هدفهای اجتماعی و زمینه اقتصادی آن در انجام این وظیفه باید یکپارچه و ناگسستنی دارند . موفقیت هایی که در پیشرفت شیوه زندگی سوسیالیستی بدست آمده با افزایش مستمر ثمر بخشی کار نیازمندان است . حزب ما با توجه به گرایشهای کلی پیشرفت و اوضاع و احوال مشخص اقتصاد در جمهوری دموکراتیک آلمان افزایش تولید را با قاطعیت راه اصلی بدست آوردن نتایج عالی تری تشخیص داد .

قدرت اقتصادی جمهوری ما در بر وجود سیستم برنامه ریزی سوسیالیستی اقتصادی طی یک ربع قرن موجودیت آن تا حد چشمگیری رشد و نمو کرد . در حالیکه بر تعداد افراد ی که در تولید مادی اشتغال دارند تقریباً هیچ افزوده نشده ، درآمد ملی کشور از ۳۳۳ میلیارد مارک در سال ۱۹۴۹ به بیش از ۱۲۶ میلیارد مارک در سال ۱۹۷۳ فزونی یافته است . صنایع خلقی در سال ۱۹۷۳ با تولید فراورد های صنعتی بمیزان ۲۰۷۸ میلیارد مارک از حد ۲۰۰ میلیارد مارک هم گذشت و این تقریباً با راز میزان سال ۱۹۴۹ بیشتر است .

پس از هشتین کنگره حزب سوسیالیست متحد آلمان این امکان بوجود آمد که بر پایه موفقیت های پیشین اعتلای پرتوان تازه ای را آغاز کنیم که در جریان آن ثبات و تحریک ارتباط استواری باید یکپارچه گردند . موافقت زحمتکشان با این سیاست موجب پیدایش موج نیرومند فعالیتنویین و پرشوری گردید که تمام کشور را فرا گرفت . هر قدر مردم ضمن دیدار نمونه های بسیار حصول بهبودی در زندگی روزمره باین مطلب اعتقاد بیشتری پیدا کنند که کار از روی حسن نیت و وجدان شمراتی نیکبهار می آورد ، همان قدر این موج فعالیت نیرومند ترمیگردد . حزب ما باین موضوع توجه فراوانی میدول داشت که بکلیک جاذبه های اقتصادی و اخلاقی به گسترش و پیشرفت سیاست مختلف کمک کند . این اقدام در جهت امر و پیش از هر چیز نیاز به در نظر گرفتن دقیق قوانین اقتصادی سوسیالیسم بویژه قانون اصلی

سوسیالیسم و قانون پیشرفت متعادل و متناسب اقتصاد ملی داشت و در عین حال تمام سیاست اقتصادی را بر این شالوده باید استوار میکردیم . ارزیابی آگاهانه امکانات خود ماضی من اطمینان بخش پیشرفت های آینده مادرتمام عرصه های زندگی اجتماعی است .

با اتکا به موفقیت های تولیدی ماضی انجام برنامه پنجساله توانستیم بخش قاطع و اصلی برنامه اجتماعی را که انگزدهشتم بتصویب رسانیده بود عملی سازیم . برنامه تهیه مسکن هسته مرکزی تدابیرسیاسی - اجتماعی را تشکیل میدهد . در این برنامه ساختمان ، تکمیل و نوسازی . . . هزار خانه طی سالهای ۱۹۷۵ - ۱۹۷۱ پیش بینی شده است . این برنامه با موفقیت انجام میشود . طی سه سال اخیروضع مسکن نزدیک به یک میلیون نفررا هالی بهبود یافته است . مادرنگرداریم که تا سال ۱۹۹۰ مسئله مسکن را در جمهوری دموکراتیک آلمان بطورکلی حل کنیم . سطح زندگی زحمتکشان در نتیجه افزایش حقوق یازنشستگی و دستمزدها و دربررتوکمک های فراوان به جوانان و خانواده هایی که چندبچه دارند و در نتیجه تکمیل سیستم بهداشتی و ایجاد امکانات جدید برای استراحت تا حد زیادی بالا رفته است .

پس ازنگزده هشتم مادرچه پارچوب و برپایه قانونمندها تمام ساختمان سوسیالیسم یکسلسله اشکال نوین انتقال به مناسباتتولیدی سوسیالیستی را با موفقیت آزموده و عملی کردیم . بعنوان مثال حزب سوسیالیست متحد آلمان در سال ۱۹۷۲ موقع را بران تکمیل و استحکام مناسبات سوسیالیستی در مالکیت مناسب تشخیص داد و درحدود ۱۱ هزارموسسه که بخش دولتی در آنها سهم بود ، موسسات خصوصی صنعتی و ساختمانی و همچنین تعاونی های صنعتی ارضی - خریداری آنها به مالکیت خلق درآمد . این اقدام انقلابی به تحکیم چشمگیر مناسبات تولیدی سوسیالیستی و رشد تولید و افزایش میزان سود مند آن انجامید .

چنانکه میدانیم یکی از احکام اصلی مارکسیسم - لنینیسم عبارت از این است که زندگی نواحی اجتماعی در سوسیالیسم شعور اجتماعی نوینی بوجود میآورد و این شعور نوین اجتماعی نیزنبویه خود بطور فعال بر زندگی اجتماعی اثر خواهد گذاشت . مادر سالگرد جمهوری دموکراتیک آلمان باشادمانی و مباحثات یادآور میشویم که انقلاب سوسیالیستی در عرصه آیدئولوژی و فرهنگ موجبات پیشرفت همه جانبه استعداد ها و ذوق و قریحه مردم را فراهم ساخت . مابین سبب این موفقیت را بیشتر ارج مینیم که پراز ۱۳ سال موجودیت رژیم فاشیستی نه فقط ترمیم خرابیهای جنگی ضروری و لازم بود بلکه برطرف ساختن احوال و روحیه فاسد و منحل ملیتاریسم ، شوینیسم ، ناسیونالیسم و نژاد پرستی نیز ضرورت داشت . حزب ما بنا بگفته فردریخ انگلس هرچه بیشتر موفق میشود : " استعداد زحمتکشان را برای تطبیق قوانین فعالیت اجتماعی خودشان با آگاهی کامل از روند کارها پیشرفت دهد تا باین ترتیب تاریخ خود را کاملاً آگاهانه خلق کنند " ( ۱ ) .

این پروسه که از لحاظ وسعت میدان عمل بی سابقه است باین دلیل مهم توانست پیشرفت نماید که حزب ما از لحظه پیدایش توجه فراوانی به آیدئولوژی سیستماتیک و همه جانبه آیدئولوژیک اعضا و کارکنان خود مبذول داشته و میدارد .

به تدریج کلاسهای مارکسیسم - لنینیسم پیش بینی کردند غلبه پیگیر بر آیدئولوژی بورژوازی فراگرفتن سنن انقلابی و میراث معنوی بشردوستانه و ترویج آیدئولوژی سوسیالیستی همه از شرایط اولیه تکامل شخصیت افراد و اجتماعات سوسیالیستی است . کمک به رشد آگاهی سوسیالیستی مبارزه با آیدئولوژی امپریالیستی ، بهنگام تشکک جامعه پیشرفته سوسیالیستی از وظایف دائمی

و مستمر بشمار می آید . علاوه بر این پیشرفت های ماد رأینده در اتحاد استوار با اتحاد شوروی و جامعه کشورهای سوسیالیستی . براد در زمینه تشدید مبارزه طبقاتی بقیاس جهانی توجه بیشتری به کار ایدئولوژیک را اجاب مینماید . بهمین سبب این کار همواره هسته مرکزی فعالیت های حزب بوده و خواهد بود .

چنانکه تجارب گرد آمده گواهی میدهد ماهیت انترناسیونالیستی سوسیالیسم در مرحله پیشروی بسوی جامعه سوسیالیستی پیشرفته کیفیت تازه ای کسب میکند . همکاری همه جانبه کشورهای برادر که در اطراف اتحاد شوروی متحد گردیده اند نزدیک تر و تریختر تر میشود . این واقعیت که سوسیالیسم ارگانیکم زند و پیرتحرک در حال پیشرفتی است که بخورمداوم تکامل مینماید و تاثیر خود را در جریان وقایع بین المللی افزایش میدهد هرچه بیشتر روشن میگردد . در این میان زندگی مسائل متعددی مطرح میکند که نیاز به بحث و مشورت جمعی و تعمیم تئوریک دارند به انتظارات و توقعات جامعه از نظر رهبری احزاب مارکسیستی - لنینیستی افزوده میشود . در جریان همکاری خلاق شالوده استوارمشی استراتژیکی که مشترکاتعمین گردیده و صحت آن بطریق علمی باثبات رسیده اتحاد میگردد و بر پایه آن تدابیر سیاسی که به نزدیکی هرچه بیشتر منافع مشترک کشورهای و خلفهای مائیک میکنند اتخاذ میشود . این موضوع در تمام جهات اصلی اقدامات مشترک آنها مانند همپیوندی اقتصادی سوسیالیستی ، سیاست هماهنگ داخلی ، خارجی و دفاع و فعالیت ایدئولوژیک - تئوریک صادق است .

همانطور که تجربه جمهوری دموکراتیک آلمان نیز نشان میدهد تلفیق هماهنگ منافع ملی هر کشور سوسیالیستی با منافع عمومی و بین المللی سوسیالیسم یکی از شرایط اصلی تحکیم هرچه بیشتر جامعه کشورهای سوسیالیستی است و پیشرفت هر یک از کشورهای سوسیالیستی را تسریع میکند . حل مسائلی که در برابر کشورهای سوسیالیستی جداگانه و جامعه کشورهای سوسیالیستی بطور کلی قرار دارند نیاز به برخورد انترناسیونالیستی به تمام آنها داشته و چنین برخوردی را تسهیل میکند . همپیوندی اقتصادی سوسیالیستی بر پایه برنامه همه جانبه که شورای تعاون اقتصادی در سال ۱۹۷۱ بتصویب رساند در این رهگذر بصورت حلقه اصلی تحکیم سوسیالیسم جهانی در می آید . تسریع این پروسه را مایکی از وظایف تعیین کننده دوران معاصر بشمار می آوریم .

در اثر بهم پیوستن اقتصاد ملی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی ذخائر تازه ای مورد استفاده قرار میگیرد و بر نفوذ بین المللی آنان افزوده میگردد . تکمیل هماهنگی برنامه ها ، تهیه طرح های مشترک در ازمدهت پیشرفت رشته های مهم اقتصاد ، گسترش سیستماتیک واحد های اقتصادی بین المللی و افزایش تعداد آنها ، همه گامهای مهمی در راه انجام موفقیت آمیز وظایف اصلی است که احزاب برادر در مقابله خود قرار داده اند . همپیوندی اقتصادی سوسیالیستی امکانات مساعدی برای بهم پیوستن برتریهای سوسیالیسم با انقلاب علمی و فنی بوجود می آورد . مای برای تامین منابع انرژی و مواد خام نیز مساعی خود را با کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در هم می آمیزیم . جمهوری دموکراتیک آلمان باین منظور را در سرمایه گذاری در کشورهای برادر روپیش از همه در اتحاد جماهیر شوروی شرکت میکند .

کار مشترک زمینتشدگی مناسبات همه جانبه با کیفیت توفیق را میان زحمتکشان کشورهای ما فراهم می آورد . آگاهی اتحاد انترناسیونالیستی و درک این موضوع که این اقدامات مشترک هم قدرت جامعه کشورهای سوسیالیستی و هم امکانات هر یک از کشورهای سوسیالیستی را بسطح خیلی بالاتری ارتقا میدهد افزایش مینماید . کنگره هشتم حزب سوسیالیست متحد آلمان به مسئله تربیت انترناسیونالیستی اهالی جمهوری دموکراتیک آلمان توجه فراوانی مبذول داشت . حزب ما نتایج جلسه مشورتی

د بیران کمیته‌ها مرکزیه حزب برادررا که در دسامبر سال ۱۹۲۳ د روسکو قرارهای مهمی در مسائل مربوط به تمعین همکاری در عرصه ایدئولوژیک بتصویب رسانید ، بادقت بررسی میکند . مبارزه باتمام انواع آنتی سویتسم و آنتی کمونیسم خواه طریقہ امپریالیستی ، خواه مائونیستی آن همواره یکی از وظائف بسیار مهم سیاست حزب ما است .

مابعد ویرایجاد شرایط مساعد خارجی برای ساختمان سوسیالیسم وبخاطر پیشروی تمام نیروهای انقلابی در سراسر جهان کوششهای فراوان خود را در راه تأمین صلح باد یگرکشورهای برادر رشوام کردیم . هماهنگی در سیاست خارجی وتحقق مشترک آن رامبمنزله پیروزی مهمی که عاید خانواده کشورهای سوسیالیستی گردیده بشمار میآوریم . هدف قدراول جمهوری دموکراتیک آلمان اینست که بهتحقق کامل برنامه صلحی که در بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی اعلام گردید کمک نماید . جمهوری دموکراتیک آلمان باتوجه باین مطالب و برای آنکه مردم جهان بتوانند زندگی حال وآینده خود را بدون جنگهای امپریالیستی سروسامان دهند در این مبارزه سهم سازنده وفعالی دارا میباشند .

جمهوری دموکراتیک آلمان همواره از نیروی عظیم کمکهای انترناسیونالیستی برخوردار بوده و خود نیز همبستگی انترناسیونالیستی نشان داده است . اینکه ما موفق به درهم شکستن محاصره دیپلماتیک امپریالیستی که ده سال بطول انجامید ، گردیدیم ، وانگرم جمهوری دموکراتیک آلمان اینک با ۱۱۱ کشور جهان مناسبات دیپلماتیک برقرار کرده وبمنزله عضو برابر حقوق در کار سازمان ملل متحد شرکت میورزد ، همه پیش از هر چیز نتیجه کمک و همبستگی است که اتحاد شوروی ، دیگر کشورهای سوسیالیستی وتامنیروهای مترقی ابراز داشته اند .

ما با خرسندی میتوانیم تأیید کنیم که جامعه کشورهای سوسیالیستی در مبارزه در راه کاهش تشنج بین المللی وتأمین صلح استوار به نتایج بسیار مهمی رسیده است . در نتیجه ابتکارهای اتحاد شوروی در اروپا زمینه بسیار مساعدی برای ادامه دراز مدت این مرحله صلح ایجاد گردیده است . تثبیت بین المللی وحقوقی غیر قابل تغییر بودن مرزهایی که در نتیجه جنگ دوم جهانی پدید آمده طی قراردادها وموافقنامه های فیما بین کشورهای باسیستم های اجتماعی گوناگون ( از جمله میان جمهوری دموکراتیک آلمان و جمهوری فدرال آلمان ) اساس امنیت وهمکاری در قاره ما را باین ریزش کرد و در عین حال استقلال جمهوری دموکراتیک آلمان را تحکیم نمود .

حزب سوسیالیست متحد آلمان بمنزله پیشاهنگ طبقه کارگر جمهوری دموکراتیک آلمان جزء جدائی ناپذیر جنبش جهانی کمونیستی است و از تمام گامهایی که بمنظور تحکیم هر چه بیشتر وحدت و همبستگی سیاسی و ایدئولوژیک آن برداشته میشود ، حمایت میکند . حزب ما ، مانند گذشته همواره طرفدار خلقهایی است که بر علیه تجا و زوات امپریالیستی ، استثمار واستعمار نومبارزه میکنند . حزب ما در آیند نیز باتمام نیرو و وظائف انترناسیونالیستی خویش را انجام خواهد داد .

# اهمیت بین المللی موفقیت های اقتصادی سوسیالیسم

## لئوپولد اشتروگال

عضو هیئت رئیسه کمیته مرکزی حزب  
کمونیست چکوسلواکی و رئیس دولت  
جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی

ساختن سوسیالیسم و کمونیسم برای يك سوم از مردم جهان یواقعیّت روزمره مبدل شده است . تجربه نخستین کشور سوسیالیستی جهان آشکارا نشان داد که سوسیالیسم برای زحمتکشان شرایط زندگی تازه ای بوجود میآورد ، موجبات رشد سریع تولید مادی ، سطح زندگی و دانش و فرهنگ را فراهم میکند و محترم شناختن شخصیت افراد را تضمین مینماید . این دگرگونیهای عمیق که با نقض قاطعی که اتحاد شوروی در پیروزی بر فاشیسم ایفا کرد ، بر اهمیتشان افزوده میگردد ، نمونه الهام بخشی برای زحمتکشان دیگر کشورها است . طبقه کارگر تحت رهبری حزب کمونیست خود ، حکومت بورژوازی را در برخی از این کشورها و از گون کرد و ساختن سوسیالیسم را آغاز نمود . عامل انقلابی با کیفیت تازه ای که سیستم جهانی سوسیالیسم است ، در عرصه تاریخ جهان بوجود آمده . کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در زمانی نسبتا کوتاه ، یعنی در ربع قرن اخیر ، قدرت اقتصادی خود را چند برابر کردند و میزان زیادی برون سیاسی - اقتصادی خویش را افزودند و اینک در پیشرفت زندگی اجتماعی در سطح جهانی هر چه بیشتر تاثیر میکنند . رشد توان اقتصادی و علمی و فنی ، بالا رفتن سطح دانش و آگاهی اجتماعی و سیاسی زحمتکشان تکیه گاه استوار قدرت دفاعی جامعه کشورهای سوسیالیستی ، مهارکننده نیروهای امپریالیسم جهانی است . تنها بیکم این عامل است که جامعه بشری از درگیری جدیدی بمقیاس جهانی رهائی یافت . همانطور که جلسه مشورتی احزاب کمونیست و کارگری سال ۱۹۶۹ مسکو نشان داد ، سیستم جهانی سوسیالیسم در جریان کوششی که برای حفظ صلح و استواری آن بعمل میآید ، در مبارزه ضد امپریالیستی و در رهیکار طبقه کارگر و سایر زحمتکشان در راه آزادی ، دموکراسی و نظام نوین اجتماعی بمعامل قاطعی مبدل گردیده است . کیفیت نوین تاثیر سوسیالیسم که تنها در مرحله صغیر از پیشرفت آن میتوانست در حد کمال آشکار شود ، در این عرصه نمودار میگردد . عدّه کثیری از کسانی هم که با اندیشه مارکسیسم انقلابی توافق ندارند ، ولی واقعیّت را همانطور که هستی بینند ، بموقعیّت های آشکار سوسیالیسم بدید احترام مینگرند .

مارکس و انگلس در "مانیفست حزب کمونیست" نوشتند : "شبهی برفراز اروپا درگشت وگذاز است ، شبه کمونیسم" (۱) - پرازی پیروزی انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر ، آنچه "شبه" بحما میآید به آرمان و یگانه راه رهائی استثمارشوندگان و ستکشان سراسر کره زمین مبدل گردید .



اقتصاد رشته سرنوشت سازی است که در آن مسابقه و مبارزه میان دو سیستم جهانی جریان دارد.  
موفقیت های اقتصادی کشورهای جداگانه سوسیالیستی و جامعه کشورهای سوسیالیستی در مجموع یکی از اساسی ترین منابعی است که در ذهن و شعور توده های زحمتکش و در پیشرفت اجتماعی در جهان تاثیر میکند . نئین بموقع خود اهمیت ایجاد زیربنای مادی و فنی جامعه نوی را کمربندهای تولیدی سرمایه داری برتری داشته باشد تصریح کرده است : " ما این مسئله را حل خواهیم کرد - و آنوقت بمقایس برین المثللی بط و رقطع و برای همیشه برنده ایم " ( ۱ ) .

فاکت ها بر این گواهی میدهند که سیستم جهانی سوسیالیسم و پیش از همه بخش اصلی آن ، یعنی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی ، در جریان انجام این وظیفه بموفقیت های غیر قابل انکاری نایل آمده اند . کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی که اغلب کشوری کشاورزی یا کشاورزی - صنعتی بوده اند ، بمقایس تاریخ در زمان کوتاهی ، به مجتمعی بابرتری بخش صنعتی و بازدهی اعلا ی کار مبدل گردیده اند . میزان تولیدات صنعتی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصاد با مقایسه بسا سال ۱۹۵۰ ، ۱۹۴۰ برابر شده است . جامعه کشورهای سوسیالیستی طی ۲۵ سال موجودیت شورای تعاون اقتصادی از لحاظ سرعت رشد صنایع سه بار بر کشورهای پیشرفته سرمایه داری پیشی گرفته است . شورای تعاون اقتصادی بمناطقه صنعتی سهمی از جهان بدل گردیده که سال بسال به نیرومندی و اهمیت آن افزوده میشود .

شالوده علمی و پژوهشی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی بیشتر از یک سوم قدرت علمی و پژوهشی جهان را بخود اختصاص داده است . در موسسات ماشین سازی آن تقریباً ۱۸ میلیون نفر بیشتر از تمام کشورهای اروپای غربی و ۲ بار بیشتر از ایالات متحده امریکا مشغول بکار اند . صنایع شیمیائی که تقریباً سه میلیون نفر در آن کار میکنند ، با سرعت فزاینده گسترش مییابد و حجم تولیدات آن از سال ۱۹۵۰ تا کنون ۱۵ برابر شده است . کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی به عامل مهم ترقی علم و تکنیک جهانی که در هدایت انقلاب علمی و فنی در رشته های واجد اهمیت و همچنین در پیشرفت علوم اجتماعی تاثیر هر چه بیشتری میکنند مبدل شده اند .

در کشاورزی نیز تغییرات بنیادی بوجود آمده است . در رپرتو تکامل سیستماتیک اشکال تولید گسترده و بکار بردن پیگیر ستاورد های دانش بازدهی کار و رشد تولید سال بسال افزایش مییابد . بط ورمثال ، تولید غلات با مقایسه با سال ۱۹۶۰ ، ۲۰٪ افزایش یافته است . این رانیز باید یاد آور شویم که نه در هم این افزایش بحساب از یاد برداشت محصول از هر هکتار بوده است . تولید گوشت هم بیشتر از یک برابر و نیم بالا رفته است . کشاورزی و طیفه اصلی خود را که عبارت از افزایش تولید مواد غذایی تا حد اکثر ممکن است با موفقیت انجام میدهد .

در رپرتو رشد سریع تولیدات صنعتی و کشاورزی و همچنین رشته های دیگر شالوده مادی استوار پیشرفت بعدی اقتصاد ، بویژه از لحاظ کیفی ، رشد مداوم بازدهی کار و تکمیل سیستماتیک ساختار اقتصاد بوجود آورده شده است .

در رتکامل و پیشرفت سیستم جهانی سوسیالیسم نقش قاطع با اتحاد شوروی است . این کشور بزرگترین کشور جامعه کشورهای سوسیالیستی است و بیش از نصف توان اقتصادی تمام سیستم جهانی سوسیالیسم و تقریباً سه چهارم قدرت اقتصادی شورای تعاون اقتصادی بوی تعلق دارد . اتحاد شوروی مهمترین و مشخص ترین بخش شالوده علمی و پژوهشی جامعه کشورهای سوسیالیستی را در اختیار دارد و در ساختمان سوسیالیسم غنی ترین تجربه را اندوخته است . بط و رپیکر از اصول



انترناسیونالیسم سوسیالیستی پیروی میکند . همکاری اقتصادی اتحاد شوروی با دیگر کشورهای سوسیالیستی موید این واقعیت است . یکی از دلایل بیشمار اثبات این موضوع بطور مثال این است که اتحاد شوروی ثروتهاى طبیعی خود را در اختیار دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی قرار میدهد . اتحاد شوروی عامل تثبیت کننده تمام سیستم جهانی سوسیالیسم و تکیه گاه همکاری کشورهای سوسیالیستی و چنان شریک و همکار است که کشورهای سوسیالیستی حتی در سخت ترین شرایط میتوانند بیاری آن مطمئن باشند .

اقتصاد کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادى با خصوصیات برجسته و آشکاری از اقتصاد کشورهای سرمایه داری متمایز میگردد . این خصوصیات ، صرف نظر از ساختار ویژه اجتماعی و اقتصادی ، از جمله عبارتند از پیشرفت بسوی هدف معین و طبق نقشه و یاد و برنامه مشخص که همه با هم ضامن رشد مداوم و سریع اجتماعی و اقتصادی این کشورها هستند . این خصوصیات برای سابقه دو سیستم اجتماعی - اقتصادی اهمیت اصولی دارند . رشد متوسط تولیدات صنعتی کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در سالهای ۱۹۷۲ - ۱۹۶۶ ، ۸ درصد بود ، در صورتیکه این رشد در گروه کشورهای پیشرفته سرمایه داری ۴۷ درصد و در بزرگترین آنها ، یعنی ایالات متحده امریکا فقط ۳٫۸ درصد بود . مست . ماد بخش کشاورزی فزاینده سریع تری نسبت به کشورهای سرمایه داری بدست آورده ایم .

همپیوندی ( انتگراسیون ) سوسیالیستی عالی ترین شکل همکاری کشورهای برادر است . این اقدام با افزایش روابط متقابل اقتصادی ، به تسریع نزدیکی تدریجی و برابری سطح پیشرفت اقتصادی کشورهای ، دست یافتن به همگونی هرچه بیشتر آنها و ایجاد شرایط مسابقه دو سیستم جهانی با کیفیتی نوین کمک خواهد کرد . گرایش " ایجاد اقتصاد جهانی واحدی که با برنامه مشترک از طرف پرولتاریای تمام ملل گیتی تنظیم میگردد . . . " ( ۱ ) ولنین آنرا خاطر نشان ساخته بخصوص از طریق همپیوندی تحقق می یابد .

روند همپیوندی اقتصادی سوسیالیستی معاصر ، افزایش نقش هماهنگی متقابل برنامه ها و علاوه بر این ، برنامه ریزی مشترک در چهارچوب تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی را لازم دارد . به همین دلیل در بیست و هشتمین اجلاس شورای تعاون اقتصادی ( سال ۱۹۷۴ ) قرار تکمیل هماهنگی ساختن برنامه های پنج سال آینده به تصویب رسید . اجلاسیه مقرر داشت تا برنامه مشترک پنجساله اقدامات چند جانبه همپیوندی یاد و برنامه دراز مدت برای رشته های مهم تولیدی تهیه شود . از برنامه ریزی مشترک و پیش بینی وضع آینده برای تامین نیازمندیهای مشترک به انرژی ، مواد خام و سوخت بقدر کفایت و برای مدتی طولانی و تکمیل ساختارهای ( استروکتور ) کشاورزی و تکمیل مجتمع های علمی - تولیدی بین المللی استفاده میشود .

اداره اقتصاد سوسیالیستی با برنامه و هدف معین بایستی ثباتی ها و تشنگات عمیق و فزاینده و خود بخودی در اقتصاد سرمایه داری که نظام سرمایه داری بطور عینی از کنترل آنها اجزای تضادى شده دارد . سود متقابل ، کمک دوستانه و برابری واقعی طرفین معامله از ویژگیهای همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی است . در حالیکه رقابت بیرحمانه ، " کمک " مشروط به تعهدات میاسیسی در فضیلت با کشورهای در حال رشد و مبادله نامتعادل و استعمار از مشخصات نمونه وارد سیستم سرمایه داری است .

همکاری سوسیالیستی ، استفاده از تجارب کشورهای پیشرفته تر را برای بقیه کشورهای میسر میسازد و پیشرفت اقتصادی و اجتماعی با ثبات تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی را تضمین مینماید . بهترینهای

همکاری اقتصاد سوسیالیستی در دوران اخیر در جریان بحرانهای انرژی ، مواد خام و ارز در جهان سرمایه داری بطور وضوح نمایان گردید .

سبب اصلی تاثیر موفقیت های اقتصادی سوسیالیسم در بقول و قلوب میلیونها انسان در سراسر جهان چیست ؟ پیش از هر چیز این واقعیت است که در کشورهای سوسیالیستی دستاورد های زندگی اقتصادی و اجتماعی بلا واسطه و طبق برنامه معین برای رفاه و سود انسانها مورد استفاده قرار میگیرد . در کدام نقطه دیگر جهان میتوان چنین سرعت بالا رفتن سطح زندگی ، چنین سیستم بهداشت و بیمه های اجتماعی و آموزش و پرورش و این حد اعتماد بکار روزنگی و اطمینان اجتماعی که در کشورهای سوسیالیستی وجود دارد سراغ گرفت . مفهوم و مقصود تمام فعالیت ها در این کشورها زندگی مرفه و سعادت مند انسان زحمتکش ، تکامل همه جانبه شخصیت وی و ایجاد محیط گسترده برای بسوز استعداد های خلاق و مصالح اوست ، نه سود و منفعت عده ای انگشت شمار . همین امر نیز روشنگر برخورد آگاهانه وی بکار و شرکت فعال او در اداره امور اجتماعی است .

اهمیت تاریخی موفقیت های اقتصادی سوسیالیسم و تاثیر و اعتبار بین المللی آنها را فقط میتوان با تجسم آنها در زمینه وسیع تر اوضاع و احوال و مناسبات در جهان کنونی و از دیدگاه مسابقه و پیکار سوسیالیسم با سرمایه داری بدرستی ارزیابی نمود . وضع موجود تنها لحظه ای از پیشرفت مداومی است که در جریان آن تناسب نیروها در جهان بتدریج ولی بدون وقفه تغییر میکند . برارزش و اعتبار سوسیالیسم و میزان تاثیر آن در روند پیشرفت جهانی افزود میگردد .

اگر سوسیالیسم در نخستین مرحله موجودیت واقعی خود در انسانها پیش از هر چیز با اندیشه های بتعام معنی انسانی خود تاثیر میگذرد ، حالاً بدلیل در اختیار داشتن شالوده مادی و فنی نیرومند که امکان میدهد در گرونیهای کیفی بیسابقه بوجود آورده و زندگی اقتصادی را در تمام رشته ها بسطح بالاتری ارتقا داد موشروع میگردد و توده ها و انبوه زحمتکشان تمام قاره ها را هر چه بیشتر با موفقیت های مشخص خود مجذوب میکند . این کیفیت نوین اثر بخشی سوسیالیسم تمام و کمال ، فقط در مرحله معینی از پیشرفت آن میتوانست نمایان گردد .

جنبش های ضد امپریالیستی و انقلابی معاصر ، با هر هدفی که در امر کراتیک و یا آزاد بیختر مئی ، به این یا آن اندازه از اکثر کمپروپیکارهای ظفر نمون طبقه کارگر و احزاب انقلابی آن در دیگر کشورهای که حاکمیت بورژوازی سرنگون گردیده الهام ، نیرو و امید میگیرند ، علاوه بر این ، تمام کشورهای سیستم جهانی سوسیالیسم و اتحاد شوروی که نیرومندترین آنها است ، با توان عظیم اقتصادی خویش تکیه گاه مادی جنبش انقلابی جهانی هستند .

نقش جامعه کشورهای سوسیالیستی در مبارزات دوران معاصر بخاطر صلح نیز بی نظیر است . چند سال است که در مناسبات بین المللی پیرویه در گرونیهای مثبتی که نتیجه کوششهای خستگی ناپذیر و هماهنگ اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای براد راست بوقوع می پیوندد . صلح و سوسیالیسم از یکدیگر جدا نشدنی ناپسند براند سیاست خارجی اتحاد شوروی و کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی دلائل بیشماری در اثبات این امر بدست میدهد . اما تنها اوضاع و احوال جدیدی که پیش از هر چیز در برپرتو افزایش نفوذ جامعه کشورهای سوسیالیستی پدید آمده است ، امکان میدهد تا از اهل لغیضی همزیستی مسالمت آمیز ، بمثابه اصل اساسی و داعی مناسبات میان کشورهای و خلقها ، با موفقیت پیروی شود . تحقق برنامه صلحی که بیست و ششمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی مطرح ساخت و به برنامه امید بخش برای صد ها میلیون مردم صلح دوست سراسر جهان مبدل گردیده نیز این رابه ثبوت میرساند . هدف چنین سیاستی که پشتیبانی وسیع تمام کسانی را که در راه ترقی اجتماعی مبارزه میکنند بخود جلب کرده ، از بین بردن کامل و خاتم بین المللی و برقراری مناسبات تفاهم

متقابل بین خلقهاست .

این امریک سلسله وقایع جدی در بر دارد که محدودیت بازهم بیشتر امکانات تجا و زکارترین نیروهای امریکالسم و تسریع شرقی فزاینده در تمام جهات از نشانه های گس آنهاست . سخن بر سر این است که برای همیشه انسانها را از خطر جنگ رهائی بخشیده ، راه همکاری خلقها را بسود تمام انسانها بدون درنگ گرفتن اختلافات نژادی و ملی هموار ساخته و برای کوشش مشترک کشورها و خلقها در راه حل معضلات حاد اجتماعی ، اقتصادی و غیره جامعه بشری شرایطی تازه موساها ایجاد کرد .

اقتصاد ، یکی از عرصه هائی است که برای چنین همکاری در آن امکانات هر چه بیشتری فراهم میگردد . در این رشته نیز کشورهای جامعه کوشورهای سوسیالیستی راهنمای دیگر کشورها هستند . چنانکه رفیق برژنف ، دبیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در نامه خود بمناسبت بیست و پنجمین سالروز تاسیس شورای تعاون اقتصادی تاکید نمود میتوان تردید نداشته که " نمونه روابط اقتصادی سوسیالیستی بین المللی تاثیر هر چه عمیقتری در مناسبات اقتصادی جهانی خواهد داشت و به پایان بخشیدن به تبعیض ، نابرابری ، مبادله نامتعادل که زائیده سیاست امپریالیستی و استعمار است کمک خواهد کرد " ( ۱ ) .

ما هم اکنون نیز شاهد این تاثیر هستیم . حقایق مربوط به مناسبات اقتصادی خارجی کشورها برادر با کشورهای غیر سوسیالیستی و علاقائی که از طرف کشورهای پیشرفته سرمایه داری به گسترش مناسبات اقتصادی با کشورهای جامعه کوشورهای سوسیالیستی و از جمله با اتحاد جماهیر شوروی نشا داد میشود ، همه گواه بر این مدعا است . در جریان دیدار رهبران احزاب کمونیست و کارگری در ژوئیه سال گذشته در کریمه ، نقشی که همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری در پیشرفت مناسبات بین المللی میتواند ایفا کند تصریح شده است .

ما همانطوریکه نظریات خود را نسبت به سرشت سرمایه داری و آینده آن تغییر نمیدهیم ، در مورد موضع طبقاتی نمایندگان سرمایه بین المللی نسبت به سوسیالیسم نیز در چار تصورات واهی نمیشویم . ما خوب میدانیم که امپریالیسم فقط هنگامیکه امکان واقعی برای استفاده از راهها و وسایل دیگر در مناسبات خود با کشورهای سوسیالیستی نداشته باشد و بشرطیکه مناسبات مسالمت آمیز منافع مادی هاید بوزروازی کند حاضر بقبول روابط صلح آمیز میگردد . ولی ، این واقعیت هیچ تغییری در این اصل مسلم نمیدهد که همکاری بخودی خود شرایط مساعدی برای استواری هر چه بیشتر صلح فراهم میآورد سرمایه داران بعلمت تغییرات معین اقتصادی و پیدا ایش وضع خاصی در جهان غیر سوسیالیستی مجبور به پذیرش برقراری مناسبات اقتصادی هادی با کشورهای سوسیالیستی شده اند . کشورهای سوسیالیستی ضامن استوار و معتبری برای برقراری مناسبات پابرجا ، منظم و دراز مدت میباشد . کشورهای سوسیالیستی همواره این نیت خود را صراحتا اعلام کرده اند که پشتیبان چنان مناسباتی هستند که بران هر دو طرف سود مند باشد . آنها امروز نیز بر سر این حرف خود ایستاده اند . کشورهای سوسیالیستی که نسبت به پیشرفته های علمی و فنی توجه خاصی میدول میدارند ، هم طرفدار روابط بازرگانی معمولی هستند و هم از گسترش همکاری و تبادل اسناد اختراعات و جواز ورود و صد و رکالاهای جانیداری میکنند .

همکاری اقتصادی کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری میتواند پایه و اساس مادی معتبر همزیستی مسالمت آمیز باشد . البته ، تنها باین شرط که از چنان اشکال و شیوه های روابط متقابل

استفاده شود که با اصول همزیستی مسالمت‌آمیز کاملاً مطابقت نماید .  
موفقیت های اقتصادی کشورهای سوسیالیستی در تمام جوانب زندگی اجتماعی در جهان تاثیر مثبت باقی میگذارد . تاثیر این موفقیتها در طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری که وزن ترین عامل متشکل و انقلابی پیشرفت اجتماعی در جهان سرمایه داری معاصر است و نقض اجتماعی آن در آینده نیز افزایش خواهد یافت ، در درجه اول اهمیت قرار دارد .

موجودیت جامعه کشورهای سوسیالیستی که از رشد و پیشرفت پرتحرک برخوردار است ، برای طبقه کارگر در سراسر جهان ، در مبارزه با سرمایه داری دولتی - انحصاری بمنزله پشتیبانی واقعی است . اندیشه های انقلابی و تجارب کشورهای سوسیالیستی و دستاوردهای اجتماعی آنها در مبارزات اجتماعی طبقه کارگر و سایر قشرهای زحمتکشان کشورهای سرمایه داری که هر چه بیشتر با خواستهای سیاسی و دموکراتیک توأم میگردد بازتاب خود را خواهند یافت . سرمایه داران هم مجبورند این واقعیت را بحساب آورند . بهمین دلیل سوسیالیسم واقعا موجود نیز نقش خود را در تمام پیروزیهای طبقه کارگر کشورهای سرمایه داری در مبارزه در راه حقوق خویش طی نیم قرن گذشته بدست آورده ، ایفا کرده است .

ارتجاع جهانی ، به سردمداری محافل تجار و کارامیرالیستی میکوشد تا با انواع وسائل مانع پیشرفتهای اجتماعی گردد و یا حداقل آنها متوقف سازد . اقدامات این محافل متوجه جنبش آزادی بخش ملی که دامنه گسترده آن ، پراز جنگ جهانی دوم ، موجب از هم پاشیدگی کامل سیستم استعمارن امپریالیستی گردیده ، نیز میباشد . پدیدایش در همپاکشور مستقل " جهان سوم " ، که کشورهای سوسیالیستی را مدافع و تکیه گاه طبیعی خود بشمار میآورند ، از نتایج پیشرفت روند انقلابی جهانی و از اجزاء متشکله آنست ، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی برادرانه فقط از مبارزات عادلانه آنها در آزادی ملی بطور دیرینه پشتیبانی کردند ، بلکه پراز دست آوردن استقلال سیاسی نیز بآنها کمک همهجانبه و فزاینده میدول میدارند . کشورهای سوسیالیستی همکاری سوسیالیستی و اقتصاد با کشورهای در حال رشد و کمکم بآنها را وظیفه انترناسیونالیستی خود بشمار میآورند . این پشتیبانی از طرف جامعه کشورهای سوسیالیستی بدون قید و شرطی که حق حاکمیت آنها را محسوس کند انجام میگردد و در آن سوء نیتی بمنظور استفاده از مشکلات اقتصادی کشورهای در حال رشد و بهره برداری بمتنفع خود وجود ندارد .

کشورهای سوسیالیستی در پرتورشدهای اقتصادی مداوم و پرتحرک خویش امکان دارند دامنه این کمک را گسترش داده و عمیق تر سازند . تجربه فراوانی که کشورهای سوسیالیستی گرد آورده اند برای آن گروه از کشورهای آزاد شده که راه غیر سرمایه داری را برگزیده اند اهمیت زیادی دارد .

در همان حال که در جامعه کشورهای سوسیالیستی ایجاد برابری سطح پیشرفت اقتصادی کشورها های جداگانه با موفقیت تحقق می یابد ، در جهان سرمایه داری شکاف میان پیشرفته ترین کشورها و اکثریت کشورهای دیگر عمیق تر میشود . شکاف عمیق سطح رشد اقتصادی و سرعت آن میان کشورهای پیشرفته سرمایه داری و کشورهای در حال رشد هر چه بیشتر افزایش می یابد . از این نقطه نظر نیز برتری شیوه سوسیالیستی تولید روز بروز آشکارتر میگردد .

برجانبه سوسیالیسم بمنزله نمونه ای برای حل مضامین زندگی زحمتکشان سراسر جهان هر ساله افزوده میشود . از همپاکشکارتر و قانع کننده تر تاثیر رشد و تکامل همهجانبه نخستین و نیرومند ترین کشور سوسیالیستی - اتحاد شوروی است . اگر بخاطر آورییم که روسیه تزاری در وجه وضع عقب مانده آن بسر میبرد ، هرگاه بیاد آوریم که مردم شوروی بارها فاجا شدند سلاح در دست از انقلاب موجودیت کشور خویش دفاع کنند و پس از آن نیز در شرایط دشوار غیر قابل تصویری به ترمیم خرابیها

بهره‌آورد، آنوقت عظمت کاری که مردم شوروی تحت رهبری حزب کمونیست انجام داده اند روشن‌تر می‌گردد. در این موفقیت‌ها کار آزاد که وضع و موقعیت طبقه کارگر و پیروز حمتکشان را بطور بنیادی تغییر داد، اراده آگاهانه و خواست مردمی که خود اداره امور کشور خویش را در دست دارند و آینده خود را بی‌رهزی میکنند متجلی گردیده است.

جامعه کشورهای سوسیالیستی برخلاف دنیای سرمایه داری که در آن بی‌شایستگی اجتماعی شدت می‌یابد، دستاوردهای تمدن منحصر به اقلیت ناچیزی است، گروه کوچکی افراد قدرتمند بسیاری اکثریت مردم حق زندگی قائل نیستند، یعنی برخلاف دنیایی که لبریز از تضادهای آشتی ناپذیر است، جامعه بشری دورنمای زندگی خوشبختی را می‌نماید. این دورنما حاکی از اعتماد فزاینده زحمتکشان به حیات خود و زندگی اجتماعی، امکانات روزافزون تکامل شخصیت انسانها و بروز کامل استعدادها، اخلاق نوین و روحیه ای است که از خود بیگانگی و فرد پرستی را ریشه کن ساخته و چنان مناسبات اجتماعی بوجود می‌آورد که در آن هر انسانی احساس میکند که تنها و منفرد نیست و عضو مفیدی در جامعه انسانهای با حقوق برابر می‌باشد.

نقش الهام بخش سوسیالیسم در این واقعیت‌دیز جلوه گرمی‌شود که زندگی انسانها و پیشرفت اجتماعی در سیماره ماحقانیت اندیشه های انسانی سوسیالیسم را با قاطعیت هر چه بیشتری تایید میکند و اینک از فراز ساختمان بلند مرتبه سوسیالیسم معاصر دورنمای آینده هر چه روشن تر چشم می‌خورد.

سوسیالیسم در تمام عرصه‌های زندگی بر نیروی جاذبه و نفوذ خود می‌افزاید. این امر تصادفی نیست. افزایش و رشد نیرو و نفوذ سوسیالیسم و برتری آن بر سرمایه داری پدیده ای همینی است و از توانین بنیادی تکامل جامعه بشری سرچشمه می‌گیرد. در همان حال که شیوه تولید سرمایه داری دیگر مدت‌هاست نقش عامل پیشرفت تکامل بشری را از دست داده، سوسیالیسم نمایشگر مقتضیات عینی آنست. ما از تمام دلائل لازم برای خوشبین بودن و با اعتماد به آینده نگریستن برخورداریم، زیرا زمان حاضر بطور مقتضی این اصل را تایید میکند که کمونیسم آغاز دوران جوانی جهان است.

## اتحاد سوسیالیسم جهانی و جنبش آزادیبخش ملی

همانطور که اطلاع داده شده بود در بغداد کنفرانس تئوریک و علمی تحت عنوان: "اتحاد سوسیالیسم جهانی و جنبش آزاد بیختر ملی" که مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" با اشتراک جبهه مترقی ملی و میهنی عراق تشکیل داده بود برگزار شد. در کارکنفرانس هیئت های نمایندگی مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" و جبهه مترقی ملی و میهنی عراق، نمایندگان احزاب کشورهای سوسیالیستی و نمایندگان احزاب کمونیست و کارگری و احزاب و سازمانهای چپ مترقی و میهن پرست کشورهای آسیا و آفریقا و برخی از کشورهای امریکا لاتین شرکت داشتند. ما در این شماره مجله "مسائل بین المللی" سخنرانی رفیق زارودوف، سردبیر مجله "مسائل صلح و سوسیالیسم" را که در این کنفرانس ایراد گردید، درج میکنیم.

در سخنرانی زارودوف گفت میشد مسائل که برای مذاکره مطرح شده است نه در خلوت اطاق کاربلکه در کوره جنگهای انقلابی برضد امپریالیسم و در راه برقراری جامعه نوپدید میآیند. اتحاد کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و جنبش آزاد بیختر ملی در این جنگها ایجاد شده و قوام می باید. همه شرکت کنندگان پیگیر و فعال مبارزات ضد امپریالیستی خوب میدانند که موفقیت های سیاسی مشخص و سرنوشت پیشرفت سراسر کیتی تا حد زیادی با استحکام این اتحاد وابسته است. طبیعی است که این موضوع را دشمنان ما نیز درک میکنند. دشمنان سیاسی سرمایه جهانی با تمام وسائل میکوشند مانع از این شوند که کشورهای که از جنگ اسارت استعمار رها شده یافته اند به پیشرفت خود در راه مبارزات ضد امپریالیستی که بطور عینی به مبارزه بر علیه تمام اشکال استعمار مبدل میشود ادامه دهند. ایدئولوگ ها و سیاستمداران امپریالیسم بر آنند که از کشورهای در حال رشد بمنزله منبع "خون تازه" برای ارگانیم فرسوده سرمایه داری استفاده کنند و برای عقب انداختن نابودی حتمی سرمایه داری باین پدیده امید فراوان بسته اند. آنان برای ایجاد تزلزل در اتحاد کشورهای سوسیالیستی با جنبش آزاد بیختر ملی که از پخته آزمایش زمان برون آمده و تحکیم یافته سعی وافری میکنند.

شدت جری بحث های مختلف در اطراف مسئله اتحاد کشورهای سوسیالیستی و جنبش آزاد بیختر ملی در مجمع بین المللی و در مطبوعات و دیگر نشریات وحاد بودن تئوریک و سیاسی این مسئله نیز از همینجانش میگرد.

مخواستم توجه شما را تنها به برخی از مسائلی که به این معضل بسیار بزرگ و مهم بستگی دارد جلب کنم.

پیش از هر چیز سختی چند در باره درک علمی ماهیت اتحاد کشورهای سوسیالیستی و نیروهای



آزاد بیخشم ملی باید گفت .

هنگامیکه مادر باره وجود چنین اتحادی و یاد باره تکامل و پیشرفت آن صحبت میکنیم چه چیزی را در نظر داریم ؟ آیا این یک سیستم قرارداد های بین دول مختلف نیست ؟ آیا سخن بر سر موافقتنامه که دقیقاً با توافق و طررفی که در اقدامات مشترک در عرصه بین المللی ذینفع اند تنظیم گردیده نمیشد ؟ البته تمام اینها نوعی بیان اتحاد نیروهای سوسیالیسم و آزاد بیخشم ملی است که لازمه آن مراعات تعهداتی است که طرفین بعهده گرفته اند . ولی برخورد علمی باین مسئله چنان تجزیه و تحلیلی را ضرور میسازد که با در نظر گرفتن این اشکال تجلی اتحاد در اصل در جهت تشریح عمق مطلب و ماهیت آن باشد .

هنگام بررسی اتحاد کشورهای سوسیالیستی و نیروهای آزاد بیخشم از این مواضع بنظر ما صحیح تر بود این نکته تصریح شود که مضمون اصلی و شالوده آن را تاثیر متقابل هر سه جزء متشکله پیرویه واحد انقلاب جهانی که بطور عینی و طبق قانون پدید آمده تشکیل میدهد .

فاکت های تاریخی در مورد یک سو و این حکم تئوریک گواهی میدهد . بطور مثال حوادث اخیر پرتغال را در نظر بگیریم . نیروهای مترقی این کشور به یک کودتای دموکراتیک دست زدند . مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر پرتغال ، زحمتکشان و تمام مخالفان دیکتاتوری فاشیستی زمینه موفقیت آنها فراهم آورده بود . این نکته نیز روشن است که پیوستن ارتش پرتغال به صفوف مردم یعنی واقعه ای که کار رژیم فاشیستی را یکسره کرد ، در اثر شکست های سختی که این رژیم در جنگهای متعدد بر علیه مردم آفریقا متحمل شده بود قبلاً فراهم گردیده بود . باین ترتیب مبارزه مشترک در وجه جبهه بر علیه دیکتاتوری فاشیستی استعماری به سرنگونی آن انجامید . این حادثه در خود کشور استعمارگر و پیش از آنکه به شکست قطعی خویش در مستعمرات اعتراف کند روی داد . در ضمن باین ارزیابی عینی نقش برجسته مبارزات آزاد بیخشم ملی خلقهای مستعمرات پرتغال نمیتوان سهمی را که کمکهای سیاسی ، اقتصادی و نظامی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در این مبارزه داشته بحساب نیاورد .

چنین است یک نمونه تازه و زنده ی تاثیر متقابل نیروهای انقلابی که اولیاً جغرافیائی متفاوت اند ولی بدلیل داشتن هدفهای مشترک و منافع مشترک در مبارزه بر علیه امپریالیسم ، ارتجاع وستم استعماری بطور عینی متحد گردیده اند .

این واقعه بار دیگر ثابت نمودند که از مدتها پیش و بشکلی بارز در مهمترین رویدادهائی که تاریخ دوران ما را تشکیل میدهند و مباحث تحکیم نیروهای سوسیالیسم و آزادی ملی اند جلوه گر شده بود .

انقلاب سوسیالیستی در روسیه در اکتبر سال ۱۹۱۷ به سیستم فرمانروائی استعماری ضربه وارد ساخت و به تدریج شدن قطعی توده های زحمتکش کشورهای مستعمره به عامل فعال تاریخ جهان و نیروئی که پایه های امپریالیسم را متزلزل ساخت کمک نمود . این عامل نمیتوانست به تثبیت پیروزی انقلاب و ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی یاری نکند .

شکست فاحش فاشیسم آلمان و میلیتاریسم ژاپن در جنگ دوم جهانی که سوسیالیسم در سیمای اتحاد شوروی در آن نقش قاطعی ایفا کرد ، موجب شد که تعداد کثیری از کشورهای ازاد ایره نفوذ سیستم سرمایه داری خارج شوند و مواضع امپریالیسم در سراسر جهان بشدت تضعیف گردد . در نتیجه باین شرایط برای موفقیت انقلابهای آزاد بیخشم ملی در یک سلسله از کشورهای مستعمره آماده گردید . این نیز بنوبه خود امکانات تازه ای برای تشدید فشار نیروهای سوسیالیسم بر سرمایه فراهم میآورد . پیدایش و تحکیم سیستم جهانی سوسیالیسم ، این نیروی عمده ضد امپریالیستی ، اوضاع جهان



را از بیخ و بن تغییر داد و اتحاد بسیار زیادی فروریختن امپراطوریهای استعماری را در زیر ضربات نیرومند انقلابیهای آزاد بیختر ملی تسهیل کرد . این هم بنوبه خود برای تحکیم نیروهای سوسیالیسم در پیکار بر علیه قوای امپریالیسم اهمیت بسیار داشت .

بنابراین چنین نتیجه بدست میآید که در سدهای تاریخ گذشته و معاصر وجود تاثیر متقابل سوسیالیسم و جنبش آزاد بیختر ملی و عینیت اشتراک منافع آنان را تایید میکند .

ما مارکسیست - لنینیست ها در تجزیه و تحلیل تئوریک این معضلات به ندرت ریه ای که ادامه دهنده ی نابغه ی کار مارکس و انگلس ، یعنی لنین پیش راند و آنرا بطور همه جانبه مدلل ساخت تکیه میکنیم . عذمت کارستریگ لنین در این است که او در آغاز قرن اخیر یعنی پیش از نخستین انقلاب ظفر نمون سوسیالیستی ، هنگامیکه استعمارگران با قدرت تمام در مستعمرات خویش فرمانروائی میکردند و از حاکمیت مطلق برد و سوم از سکنه روی زمین برخوردار نبودند اجتنابناپذیر این اعتلای مبارزات آزادی بخش ملی و ضرورت درهم آمیختن آن با جنبش انقلابی پرولتاریا را به اثبات رساند .

لنین با تکمیل اندیشه های بنیادین مارکسیسم در انطباق آنها با اوضاع و احوال تاریخی که در نتیجه تجدین سرمایه داری به امپریالیسم پدید آمده بود یکسلسله از مسائل را که برای سرنوشت انقلاب جهانی و مجموعه پیشرفت های اجتماعی اهمیت اصولی داشتند ، بشکل تازه ای مطرح ساخت . این مسائل کدامند ؟

لنین جنبش آزاد بیختر خلقهای مستعمرات و کشورهای نیمه مستعمره را چنان نیروی اجتماعی سیاسی ارزیابی کرد که یوروژوازی جهانی در آخرین تحلیل نمیتواند در مبارزه طبقاتی با پرولتاریا بدان تکیه کند .

لنین این مسئله را با اثبات رساند که جنبش آزاد بیختر ملی با وجود ترکیب اجتماعی متفاوت خود و دارای بودن تضاد های درونی معینی از قدرت انقلابی عظیمی برخوردار است و در مبارزه انقلابی جهانی نیروی فعال مستقلی است ، به همین سبب هم مناسبات پرولتاریا و نیروهای سوسیالیسم نسبت بدان تنها برشالوده تاثیر متقابل و اتحاد نمیتواند استوار گردد .

لنین نشان داد که مبارزه خلقهای بر راه آزادی از یوغ امپریالیسم نه فقط دارای مضمون ملی است نمیتواند با انگیزه دموکراسی بظواهر اضم توأم است بلکه انگیزه بر علیه سرمایه داری و امپریالیسم معطوف میگردد \* ( ۱ ) .

لنین بقرینه علمی با اثبات رساند که در اوضاع و احوال تاریخی نوین این امکان پدید آمده است که خلقهایی که از یوغ استعماررهای یافته اند بدون گذراندن مرحله پیشرفت سرمایه داری بلا واسطه بسوسیالیسم میتوانند گام نهند .

لنین تصریح نمود که هنگام برخورد ب مسئله ملی - مستعمراتی اعتراف ساده به محقق ملل در تعیین سرنوشت خویش و قناعت بدین اصل برای مارکسیست ها کافی نیست . همچنین لازم است که در عمل ویا قطعیت کامل خواه از لحاظ اخلاقی و معنوی و خواه از لحاظ مادی از عناصر انقلابی جنبشها آزاد بیختر ملی پشتیبانی کرد ( ۲ ) .

ما عمیقاً اعتقاد داریم که این یگانه برخورد علمی هم برای درک مسئله ملی - مستعمراتی و هم خصلت انقلاب سوسیالیستی جهانی که لنین برای نخستین بار جنبش آزاد بیختر ملی را نیز از نیروهای محرکه آن بشمار آورده بوده و هست .

( ۱ ) - لنین ، مجموعه کامل آثار ( بزبان روسی ) جلد ۴۴ ، ص ۳۸ .

( ۲ ) - بمجموعه کامل آثار لنین ، جلد ۲۷ ، ص ۲۶۱ رجوع کنید .

اندیشه‌های لنین در برنامه روشن مبارزه را بیرونی خلق‌های که در راه آزادی ملی و اجتماعی مبارزه میکنند بشود و شالوده اطمینان بخش علمی - تئوریک و سیاسی برای استحکام اتحاد پرولتاریای کشورهای سرمایه داری با نیروهای آزادی بخش ملی در مرحله نخست و طبقه کارگر حاکم کشورها سوسیالیستی با خلق‌های کشورهای در حال رشد، و در درجه اول با زحمتکشان این کشورها را، در مرحله بعدی بدست داد.

ایده اصلی این اتحاد جزئی از استراتژی لنینی اتحاد‌های گسترده پرولتاریا یعنی نیروی که در صف مقدم انقلاب جهانی قرار دارد با تمام نیروهای ضد امپریالیست است و این یعنی استراتژی که در چهارچوب ملی و دولتی محدود نمیشود بلکه دامنه آن تمام پروسه انقلاب جهانی را شامل میگردد.

جلسه مشاوره بین المللی احزاب کمونیست و کارگری سال ۱۹۶۹ با توجه به اندیشه‌های عمیق لنین تصریح نمود که: "تحکیم اتحاد میان سیستم سوسیالیستی، کارگران و جنبش‌های آزادی بخش ملی برآیند مبارزه ضد امپریالیستی در درجه اول اهمیت قرار دارد" (۱)  
این مطالب برهه معلوم است که بسیاری از لیدرهای سرشناس جنبش‌های آزادی بخش ملی نیز با قاطعیت تمام در رفتار تحکیم اتحاد با سوسیالیسم بوده و هستند. مواضع تئوریک آنها اغلب با مواضع مائارکسیست‌ها فرق دارد ولی نظریات آنان در باره اتحاد با و رعینی همانند یک میشود، زیرا این نظریات را کوشش برای درک عمیق ماهیت دوران تاریخی که مادر آن زندگی میکنیم، ارزیابی آگاهانه تناسب نیروها در عرصه جهان، نقش سیستم سوسیالیستی در مبارزه ضد امپریالیستی و تنها بر پایه تجزیه و تحلیل این عوامل جهانی یافتن بهترین شیوه‌ها و راه‌های مبارزه با خطر منافع ملی کشور خود متعادل میسازد. چنین موضعی در مبارزه برای آزادی ملی نتایج مثبتی داشته و خواهند داشت.

در عین حال - مانع توانیم این نکته را خاطر نشان نسازیم که در برخی از محافل سیاسی با نفوذ کشورهای در حال رشد اغلب گرایش به پندار و کردار نوع دیگری بچشم میخورد که عبارتست از گرفتن تصمیم نه بر اساس تجزیه و تحلیل عینی پروسه‌ها بلکه بر پایه انگیزه‌های تصادفی. طبیعتاً در این حالت خطرات فراوانی بران اتحاد بین المللی نیروهای انقلابی نهفته است. اما در صورتیکه مبارزان ملی تحت تاثیر جنبش‌های جهانی بی پایه سیاسی و نظری قرار بگیرند، خطا بزرگی خودشان را تهدید خواهد کرد زیرا چنین پدیده‌ای ناگزیر به ازدست دادن مواضع در مقابل سرمایه داری بین المللی و امپریالیسم می انجامد. حال باید دید برای تعمیق درک علمی ماهیت این اتحاد چه پدیده‌ها و تازه دوران معاصر را در تجزیه و تحلیل تئوریک آن باید در نظر گرفت.

بنابرنا مهم‌ترین آنها تغییرات جدید در تناسب نیروها در جهان و نوسازی سیستم مناسب بین المللی به معیار جهانی، افزایش هر چه بیشتر مضمون اجتماعی انقلاب‌های آزادی بخش ملی و پیدایش برخی تغییرات در استراتژی امپریالیسم و استعمار نو بر حسب شرایط معاصر است.  
اتحاد کشورهای سوسیالیستی و نیروهای آزادی بخش ملی در محیط معین بین المللی موجود است. این اتحاد در عین آنکه روی آن محیط تاثیر میکند، خود نیز تحت تاثیر متقابل آن واقع میشود. جامعه کشورهای سوسیالیستی طی دهه پانزده سال اخیر موفقیت‌های عظیم اقتصادی دست

(۱) - "جلسه مشاوره احزاب کمونیست و کارگری، مسکو، سال ۱۹۶۹" پراگ، ادارات نشریات

"صلح و سوسیالیسم"، ۱۹۶۹، ص ۳۲.

یافته است . همکاری اقتصادی کشورهای شرکت کننده در آن گسترش یافت و وحدت سیاسی آنها تحکیم پذیرفت . قدرت دفاعی و نظامی موسیالیسم نیز افزایش یافت . تمام این عوامل موقعیت بین المللی کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی را مستحکم نمود و اعتبار و نفوذ سیاسی آنها را بی اندازه افزایش داد .

میتوانند بگویند که امپریالیسم هم طی این مدت بر قدرت اقتصادی و نظامی خود افزوده است . این درست است ، ولی با وجود این موازنه کلی نیروها بسود سوسیالیسم و تمام نیروهای انقلابی تغییر پیدا کرده است . امپریالیسم دیگر قادر نیست مانند گذشته نیت تجاوزکارانه خویش را بدون مکافات عملی سازد و به موفقیت در ماجراهای جنگی دل ببندد . پیروزی خلق قهرمان ویتنام و ضربات نیرومند اعراب بر نیروی نظامی اسرائیل و نقشه های امپریالیسم در خاور نزدیک و شواهد بسیار دیگر گواه صحت این مدعا است .

اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در اوضاع و احوالی که متناسب نیروها در جهان بدین شکل تغییر یافته به فعالیت بی نظیر سیاسی دست زدند که اینک به وروسیهی بنام تعرض صلح سوسیالیسم از آن نام میبرند . تغییراتی که در سیاست جهانی در نتیجه این تعرض حاصل شده به هیچ وجه به ورا کامل با مفهوم " کاهرتشخ " مطابقت نمیکنند . بنا بر ما بسیار صحیحتر میبود ، تصریح شود که سخن بر سر آغاز نوسازی بنیادی سیستم مناسبات بین المللی است . در واقع نیز مگر این فعالیت ها فقط موجب کاهش در کبیرهای نظامی - سیاسی در اروپا ویا پیدا یتر نر مشر در مناسبات شوروی و امریکا شده است ؟ خیر ، زیرا جامعه کشورهای سوسیالیستی مسائل را هم از لحاظ دورنمای آینده و هم از نظر مقیاس وسیع تر مطرح میکنند . اینک در این جهت کوشش بعمل میآید که کاهرتشخ سیاسی با کاهرت و خامت نظامی تکمیل گردد ، باین معنی که تدابیر حقیقی بمنظور متوقف ساختن مسابقه تسلیحاتی اتحاد نشود ، مبارزه در راه ایجاد سیستم اطمینان بخش امنیت جمعی تنها به اروپا محدود نگردد بلکه به آسیا و بعد های سراسر جهان گسترش داده شود ، جریانانها در سالم در سیاست جهانی با تکامل همکاریهای اقتصادی بین المللی استحکام پذیرند و بنا بر این تمام عناصر نابرابری مثل تحمیل قیمت ها و تبعیض در سیستم تعرفه و قرضه از مناسبات اقتصادی میان دولت ها حذف شود . لئونید برژنف در سخنرانی خود در کنفرانس جهانی نیروهای غیر فدا صلح تصریح کرد که : " خارج از سیستم مناسبات اجتماعی مبتنی بر همزیستی مسالمت آمیز نه بطور جدی میتوان معضلات آینده جامعه بشری را حل کرد و نه بسیاری از وظایف بر سر دوران معاصر را با موفقیت انجام داد " ( ۱ ) .

طبیعی است که هر قدر سیاست سالم کردن مناسبات بین المللی با پشتیبانی فعال تری از طرف جنبش آزاد بیختر ملی کشورهای در حال رشد روی برگردد موفقیت های حاصله از آن سریعتر و شریختر خواهد بود .

معضلات جدید و جدی نیز درست بمناسبت همین موضوع پدید میآیند . یکی از آنها بدین قرار است . میدانیم که امپریالیست ها ما بلند بهمزیستی مسالمت آمیز چنان مضمون و مفهوم بد دهند که از جمله راه را بر اقدامات انقلابی رهائی بخش خلقها ببندد . سیاست خارجی سوسیالیسم که در عین حال صلح دوست و اوقات است ، بعکس و طبقه خود را در این می بیند که تمتها پیشرفت تضاد های بین المللی را از مسیر خطرناک مقابله نظامی خارج سازد ، بلکه با متوقف ساختن نیرو های امپریالیستی تجاوزکار شرایط مساعدی برای مبارزه حقیقی زحمتکشان و انقلابیهای آزاد بیختر

فراهم آورد . مبارزه در راه دموکراسی و صلح عادلانه و مخاطراید آلهای انقلابی یکدیگر را نفی نمیکنند ، بلکه برعکس آنها را و طرف تعرض واحدی در سراسر جهان بر امپریالیسم اند که یکدیگر را تکمیل میکنند .

کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در شرایط کاهش تشنج نیز مانند گذشته عزم قاطع دارند از مبارزه خلقهای آفریقا و آسیا بر ضد امپریالیسم و ارتجاع ، یعنی مبارزه ای که ، همانطور که میدانیم میتواند اشکال بسیار حاد و از جمله اشکال نظامی بخود گیرد ، پشتیبانی کنند . کنگره اتحاد شوروی به خلقهای کشورهای عربی که از طرف اسرائیل و همدستان امپریالیستش مورد تجاوز قرار گرفته اند ، یکی از نمونههای چنین پشتیبانی است . از طرف دیگر با استحکام مواضع بین المللی کشورهای آسیا و آفریقا نقش و مسئولیت آنان در مبارزه در راه تحکیم و تعمیق کاهش تشنج سیاسی بین المللی افزایش مییابد . ادامه مبارزه ضد امپریالیستی ضرورت دارد ، ولی این مبارزه را باید چنان ادامه داد که از طرفی نه فقط لطمه ای به پروسه کاهش تشنج وارد نیاید ، بلکه بسود تمام خلقها برزوفای آن افزوده گردد و از طرف دیگر به امپریالیسم امکان داده نشود تا با استفاده از موقعیت مواضع متزلزل خود را تثبیت کند .

مشخصه مهم دیگر در آن معاصر عبارتست از عمیق تر شدن انقلاب های ملی و گذار آنها به مرحله ای که در آن بسیاری از جنبش های اجتماعی در کشورهای در حال رشد بدون اینکه سنگبری خود امپریالیستی خود را از دست دهند ، بیشتر از پیش خصلت آشکارا طبقاتی بخود میگیرند . در خارج و در عمق تر شدن مضمون انقلاب های ملی ، جریان قطب بندی اجتماعی نیز در داخل کشورهای در حال رشد انجام میگیرد و در بسیاری از این کشورها تضاد های طبقاتی شدت مییابد . مبارزه رهاشی بخش بخصوص در کشورهای که در تکامل خود سنگبری سوسیالیستی دارند ، هر چه بیشتر علیه مناسبات مینتی بر استثمار ، اعم از استثمار فئودالی و سرمایه داری ، متوجه میگردد . بدیهی است که این کار فقط در آنجائی انجام میگیرد که راه رشد غیر سرمایه داری نه فقط در حرف اعلام میگردد ، بلکه عمل نیز اجرا میگردد .

یکی از گرایش های ناشی از این پروسه ای که در واقع جنبه عام بخود گرفته ، و به سرنوشت اتحاد نیروهای سوسیالیسم و جنبش آزاد بیختر نیز مربوط است ، اینست که اشتراک هدفهای سوسیالیسم و جنبش آزاد بیختر ملی در مبارزه با امپریالیسم با منافع اجتماعی و طبقاتی آنها نیز تکمیل میگردد . در کشورهای که تحت رهبری دموکراسی انقلابی تحولات عمیق ضد امپریالیستی انجام میگیرد و تکامل اجتماعی آنها در جهت سوسیالیسم بوده و بخصوص آنچه که مهم است در آنها جنبه واحد مترقی ملی تشکیل شده است - پایه ها ، اجتماعی و سیاسی وسیعتری برای گسترش روابط با کشورهای سوسیالیستی بوجود میآید ، گسترش روز افزون همکاریهای اقتصادی این کشورها با جامعه کشورهای سوسیالیستی ، ایجاد روابط دولتی نزدیکتر و توسعه روابط حزبی میان آنها انعکاسی از این واقعیت است .

ولی در عین حال نباید گرایش نوع دیگر را از نظر ردوداشت . در میان کشورهای در حال رشد تعداد کشورهای که تسلط اقتصادی و سیاسی بورژوازی در آنها تحکیمی یابد ، کم نیست . آیا این بدان معناست که اتحاد این کشورها با سوسیالیسم در مبارزه علیه سیاست امپریالیستی بطور ناگزیر باید تضعیف شود و از میان برود ؟

چنین بنظر میرسد که حل صحیح این مسئله فقط در صورتی میسر است که این موضوع را در نظر بگیریم که مسئله انتخاب راه آتی تکامل اجتماعی در بسیاری از مستعمرات و نیمه مستعمرات سابق هنوز حل نشده است . برای حل این مسئله مبارزه طبقاتی و سیاسی حاد در جریان است که محور تمام

حیات اجتماعی کشورهای در حال رشد را تشکیل می دهد . ولی این مبارزه در شرایطی گسترش می یابد که هنوز وظایف تحکیم استقلال ملی ، سیاسی و اقتصادی در برابر این کشورها قرار دارد . طبقات مختلف و نیروهای سیاسی نمایندۀ آنها بر آن انجام این وظایف راه حل های مختلفی ارائه می دهند . ولی بهر حال تمام آنها راهی از رسته های وابستگی را نخستین هدف خود میدانند . بدیگر سخن ، حتی طبقاتی که تضاد آشتی ناپذیر با هم دارند ، در مقابلۀ با امپریالیسم دارای منافع مشترک هستند . بدینجهت است که محاف بورژوازی کشورهای در حال رشد نیز در اتحاد با بزرگترین نیروی ضد امپریالیستی دوران معاصر ، یعنی سوسیالیسم زینفعند .

واقعیت ها حاکی است که تعداد روزافزونی از کشورهای در حال رشدی که بورژوازی در رأس آنها قرار دارد ، یا اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی روابط همه جانبه برقرار میکنند . آیا این بدان معناست که بورژوازی محلی ششم طبقاتی خود را از دست داده است ؟ نه . آنها با هشیاری حین حساب میکنند که ایجاد چنین روابطی با کشورهای سوسیالیستی با نهاد رتامین استقلال اقتصادی خود کمت میکند . بعلاوه بختر قابل ملاحظه آن از بورژوازی ملی میدانند که فقط با اتکاء به اتحاد با کشورهای سوسیالیستی میتوان در تامين تكامل سرمایه داری مستقل از امپریالیسم جهانی موفقیت بدست آورد . در اینجا میتوان چنین سئوالی مطرح شود : آیا اتحاد کشورهای سوسیالیستی با این قبیل کشورهای در حال رشد به باز تولید مناسبات سرمایه داری توسعه دامنه عمل و نفوذ نظام سرمایه داری کمت نمیکند ؟ بدیهی است که بدون درنۀ زگرتن ویژگیها و دورتمای مبارزه سوسیالیسم با امپریالیسم که تعیین کنندۀ سیر عمومی تکامل جهانی است و نیز بدون درنۀ زگرتن امکانات ضد امپریالیستی برخی محاف بورژوازی کشورهای افریقا و آسیا نمیتوان باین سئوال پاسخ صحیح داد .

اگر ما مجموعه مسائلی را که کشورهای در حال رشد چه در هر سه بین المللی وجه در زندگی داخلی خود امروزه با آن مواجه هستند ، درنۀ زگیریم ، عادلانه تر آن خواهد بود که بگوئیم مسئله مبارزه بخاطر انتخاب راه تکامل اجتماعی محور مناسبات این کشورها را با امپریالیسم تشکیل میدهد . چنین نتیجه ای از ایندانیز حاصل میشود که انقلابیان ملی محتوی اجتماعی بیش از پیش عمیقتری کسب میکنند و نیز استراتژی امپریالیسم در مورد کشورهای در حال رشد در این اوخرد ستخوش دگرگونی است .

دورانی که امپریالیسم میتواند استروکتوراقتصادی کشورهای عقبمانده را بمیل خود تعیین کند و از رشد اقتصاد آنها جلوگیرد ، برای همیشه سپری شده است . اکنون امپریالیست ها به علت وجود تناسب جدید نیروها جهانی ناگزیرند تعامیل پر شور خلیقها را آزاد شده لایران پیشرفت اقتصاد ملی خود درنۀ زگیرند و خود را با آن مسازنکنند . از آن گذشته منافع خاص انحصارات جهانی نیز به علت بالا رفتن سطح تکنیک تولید آنها را و امیدارد دستگاه اقتصادی کشورهای را که این انحصارها میکوشند همچنان آنها را بصورت بازار فروشر و عرضه سرمایه گذار خود نگاهدارند ، در حدود معینی مدرنیزه کنند . و نیز کاملاً روشن است که صد و سرمایه خواه از جاری د ولتی و خواه از محاری خصوصی فراهم ساختن سرمایه معینی را برای عملکرد سرمایه در این کشورها ايجاب میکند . اینهاست برخی از عواملی که امپریالیسم را امروزه از ارمیماز تا به کشورهای در حال رشد اعتبار بدهند و کمت های فنی با آنها برسانند .

هدف امپریالیست ها از این کمت ها مالی وقتی همان حفظ کشورهای در حال رشد در مدار سرمایه داری جهانی است . مشی اساسی سیاست امپریالیسم در قبال کشورهای در حال رشد عبارتست از حفظ سرمایه داری در هر جا که ریشه دوانده و تقویت آن در هر جا که هنوز ضعیف است .

خلاصه اینکه استراتژی است. مارنوبارتست از گوشه برای محروم ساختن ملل مستعمرات سابق  
 از آزادی انتخاب راه رشد اجتماعی ، کهنه مسئله در زمین است ، زیرا ملل کشورهای در حال رشد  
 پس از احراز استقلال سیاسی اکنون درست برای نیل به آزادی در انتخاب راه رشد اجتماعی  
 خود مبارزه میکنند .

از نظر نگاه مارکسیسم - لنینیسم آزادی واقعی اجتماعی بدون آزادی کار از قید ستم سرمایه  
 وجود ندارد و نمیتواند وجود داشته باشد . بهمین جهت مارکسیست - لنینیست ها ایمان راسخ  
 دارند که فقط سوسیالیسم پاسخگوی منافع حیاتی بوده ۱۵۰ مردم کشورهای در حال رشد است .  
 ولی کشورهای سوسیالیستی جدا بر این عقیده اند که هر خلقی خود باید راه رشد اجتماعی خود را  
 برگزیند . اما شرط بسیار مهم تأمین آزادی واقعی این انتخاب آنستکه امکان ارتجاع خا رجسی  
 یعنی امپریالیسم برای مداخله در امور این کشورها بعد اعلی محدود شود و سرانجام یکی از میان  
 برود . بنابراین استقلال ملی کشورهای در حال رشد باید ر تمام جهات تحکیم یابد و از جمله  
 استقلال اقتصادی آنان نیز تثبیت گردد .

گسترش دامنه همکاری اقتصادی و فنی میان کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد  
 به تحقق این هدف کمک میکند . اگر مجموعه موسسات و کارخانه های که با کمک مالی و فنی اتحاد  
 شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی در این کشورها ساخته شده یا در دست ساختن است ، در  
 نظر گرفته شود ، در مورد اشرافی این موسسات بران شالوده ریزی اقتصاد مستقل دارای رشد  
 همه جانبه جان تردید برای هیچکس باقی نخواهد ماند . بخیر اساسی اعتبارات مالی و کمک های  
 فنی کشورهای سوسیالیستی به رشته های تولید و وسائل تولید که بدرستی ستون فقرات استقلال  
 آنها نامیده میشود ، اختصاص دارد .

چنان سوسیالیسم ضمن گسترش دامنه این قبیل همکاریها بر آنستکه هر گونه کمک و جریان  
 اتزایی بیکی یگر ، کمک بکجا نبینست بلکه کمک متقابل است که مواضع مشترک آنها را تحکیم ی بخشند  
 و بنابراین تناسب نیروها را در یکار تاریخی علیه امپریالیسم بسود هر دو آنها تغییر مید ۵۰  
 دستگاه ، تبلیغات بورژوازی بر این اعتبار جلوه دادن این همکاری دائمیاتر آمیکند کمیزان  
 این همکاری در قیاس با روابط اقتصادی کشورهای سرمایه دارن پیشرفته با بسیار از کشورهای  
 در حال رشد خیلی کمتر است . آری ، اگر فقط ارقام ملان دآوری قرار گیرند ، این دعوی نیز صحیح  
 از کار در میآید ولی وقتی از جریانهای بفرنج حیات اقتصادی بین المللی سخن در میان است ، پیش  
 از هر چیز باید به جنبه کیفی مطالب توجه داشت ، نه به جنبه کمی آن ، یعنی اینکه باید به اسلوب  
 علم اقتصاد که ارقام را تجزیه و تحلیل میکند توجه داشت نه به شیوه ها ن حسابداری . ماضن بررسی  
 این مسئله از نظر گاه علمی باید بتوانیم در پشت در رقم واقعیت منافع طبقاتی و تضاد های اجتماعی -  
 اقتصادان را در عرصه های ملی و بین المللی تشخیص دهیم .

این واقعیات گویای آنند که اتحاد نیروهای سوسیالیسم و نیروهای جنبش آزاد بیخشم ملی هم در  
 عرصه اقتصادی و هم در عرصه های دیگر بر پایه برابری حقوق و پشتیبانی مشترک و رعایت صرفه طرفین  
 استوار است . این اتحاد از دیده های چون غارتگری استعمارن که چون لکننگی در تاریخی  
 مناسبات میان امپریالیسم و خلقها ن آسیا ، افریقا و امریکا لاتین برجاست ، فارغ است . ایسن  
 اتحاد هیچگونه وجه مشترکی با استعمارن دارد و حال آنکه انحصارات و مانکنها امپریالیستی هم اکنون  
 نیز مبالغ هنگفتی بصورت سود و بهره اعتبارتی که از طریق دولتی بکشورهای در حال رشد مید هند ، از  
 این کشورها بیرون میبرند . نکته عمده ای که باید بدان توجه داشت آنست که امپریالیسم میکوشد  
 وضعی پدید آورد که خلق های کشورهای در حال رشد در آینده نتوانند از این سیستم استعمار



بین المللی خارج شوند و حال آنکه هدف تمام سیاست سوسیالیسم عبارتست از فراهم ساختن شرایط برای این کشورها که با استفاده از آن بتوانند از قید هرگونه ستمی آزاد شوند .

گروه دبیرمسائل به موانع و دشواریهای اختصاصی دارد که تحکیم اتحاد نیروهای سوسیالیسم و جنبش آزاد بیخشم ملی و پیشرفت آن بجز با موانع زیاد منوط به برانداختن آنهاست . به همین جهت باید تمام موانعی که امپریالیسم در راه این اتحاد پدید میآورد ، مورد توجه قرار گیرد . این قبیل موانع را باید با قاطعیت تمام فاش ساخت و برانداخت . در این زمینه هیچگونه اختلاف نظری نمیتواند وجود داشته باشد . در این زمینه باید به مطلب دیگری هم توجه داشت و آن شامل اختلاف نظر ها ، چه اساسی و تفاهاتی است که در درون و جریان انقلابی پدید میآید و برانداختن آنها مستلزم آنست که از جانب ماکوششهای لازم بکار برده شود . این مسائل به ورمده خصلت ذهنی دارند .

نخستین مسئله ای که در این زمینه پدید میآید عبارتست از ضرورت برخورد طبقاتی به اتحاد . چنین برخوردی بیشتر از هر چیز تکیه بر هدفهای بنیادی و عام مبارزه اجتماعی یعنی هدفهای کسبه تحقق آنها زمینه عینی برای اتحاد نیروهای سوسیالیسم و جنبش آزاد بیخشم ملی فراهم میسازند ، ایجاد میکند . باید از مطلق ساختن اختلافات فرعی پرهیز جست . ناسیونالیسم تنگ نظر مغرب که اشتراک هدفها را نفی میکند و به اتحاد میان کشورهای سوسیالیستی و جنبش آزاد بیخشم ملی کم بها میدهد ، در ماهیت امر باید نفی شود . عیقا میهن پرستانه نیروهای اصیل ضد امپریالیستی کشورهای در حال رشد نیز مخالف است و بنا بر این بیعت خود به پراگماتیسم بورژوازی گرایش دارد . این ناسیونالیسم برای مانورهای سیاسی ارزش مطلق قائل است و هدفهای استراتژیک انقلاب آزاد بیخشم را بدست فراموشی میسپارد و فقط برای نتایج آنی این مانورها ارزش قائل است . ضمناً بهیچوجه برایش مهم نیست که این نتایج با چه وسائلی بدست میآید و تا چه حد با منافع ملی دراز مدت مطابقت دارد و آیا اصولاً چنین تاکتیکی با اصول مبارزه ضد امپریالیستی هماهنگ هست یا نه ؟

همین ناسیونالیسم است که با عرضه داشت نظریات گوناگون میکوشد کشورهای در حال رشد را گاه بر حسب اطلاعات و گاه بر حسب علامت دیگر در نقطه متقابل جامعه کشورهای سوسیالیستی قرار دهد . برای نمونه تئوری گذاشتن " سه جهان " را که برخی از محافل سیاسی آنرا به سه سطح استراتژی جهانی رسانده اند ، در نظر بگیریم . این تئوری با اصطلاح " جهان دوم " یعنی بزرگ آن دول استعمارگر و روزی امپریالیست ها را متحد " جهان سوم " اعلام میدارد که خلقهای مستعمر سابق را در بر دارد و در عین حال " جهان اول " یعنی بزرگ آن جهانی را هم امریکای امپریالیستی و هم اتحاد شوروی سوسیالیستی - دوست و قادار نیروهای جنبش آزاد بیخشم ملی را در بر میگیرد - دشمن کشورهای در حال رشد اعلام میدارد . بدینسان تئوری مزبور کشورهای را که در دو سوی سنگر طبقاتی قرار دارند ، کنار هم قرار میدهد . و اما چگونگی موضعگیری در قبال خونتان شبلی امروز با وضوح خاص نشان میدهد که چه کسانی در واقعیت امر با امپریالیسم امریکا درین سنگر قرار دارند ، بهرحال این مطلب در مورد اتحاد شوروی بهیچوجه صادق نیست . . .

مهم ترین شرط اتحاد نیروهای سوسیالیسم و جنبش آزاد بیخشم ملی عبارتست از وحدت صفوف کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد . این وحدت در کشورهای سوسیالیستی بصورت ایجاد جامعه کشورهای سوسیالیستی تحقق پذیرفته است . در عین حال من بعنوان یک کمونیست شوروی میگویم که روش رهبران حزب کمونیست چین مایه نهایت تأسف است . رهبران این حزب در راه تحکیم مناسبات دوستانه میان ملت کشورهای سوسیالیستی و کشورهای در حال رشد موانع بزرگ ایجاد میکند .



در همان حالت حکیم صفوف خود جنبش آزاد بیختر نیز حائز اهمیت فراوان است . با وجود تمام بفرنجی ها و ناهمگونی واحدهای مختلف جنبش آزاد بیختر ملی بازنیا بد این نکته را فراموش کرد که انقلابهای آزاد بیختر امروز نیز وظایف دموکراتیک، مشترک یعنی استقلال اقتصادی و تحکیم حاکمیت و نیز دشمن مشترک یعنی امپریالیسم را در برابر خود دارند . تحکیم واحدهای گوناگون جنبش آزاد بیختر ملی چه در درون هر کشور و چه در مقیاس سراسر جنبش ، نیروی انقلابی اتحاد کشورهای سوسیالیستی و جنبش آزاد بیختر ملی را تقویت می بخشد و موجبات تحکیم جنبه واحد ضد امپریالیستی را فراهم میسازد .

زارودوف در پایان سخنرانی خود گفت :

فقط اتحاد استوار سیستم سوسیالیستی ، سابقه کارگر جهان و انقلابهای آزاد بیختر ملی میتواند به هدف جهانی - تاریخی یعنی شکست قطعی امپریالیسم و رهائی اجتماعی سراسر جامعه بشری تحقق بخشد .

# مبانی صلح و امنیت خلقها

## استپان الشوسکی

عضو هیروی سیاسی کمیته مرکزی حزب  
متحد کارگری لهستان و وزیر امور خارجه  
جمهوری توده ای لهستان

همکاری نزدیک تر و تشدید فعالیت کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در زمینه سیاست خارجی یکی از خصائص وضع بین المللی در سالهای اخیر است. جامعه کشورهای سوسیالیستی بطور کلی نیرومند تر گردید و وحدت آن مستحکم تر شد. مناسبات چند جانبه میان تمام کشورهای برادر ملی سالهای اخیر، پیشرفت بیشتری کرد و فعالیت مشترک آنها بمرحله بالاتری ارتقا یافت. نتایج دیدارهای چند جانبه رهبران کشورهای ما در کریمه، جلسات کمیته سیاسی مشورتی کشورهای عضو پیمان ورشو در ورشو و بیست و هشتمین اجلاس هی شورای تعاون اقتصادی در صوفیه و همچنین تماس های متعدد و دیدارهای دو جانبه چندی پیش، همه اینها گواه صحت مدعای ما است. اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی که سیاست لنینی آن ب شکل قاطعی به تاثیر فزاینده جامعه کشورهای سوسیالیستی در سیر وقایع بین المللی و تحکیم صلح و امنیت کمک میکند، در این جریان واقعا خلاق نقش فعال خاصی ایفا نمیکند.

امکان در همین حال ضرورت هماهنگی نزدیک سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی، از بیروی آنها از یک ایدئولوژی مشترک، تطابق هدفهای اصولی پیشرفت اجتماعی و اقتصادی شان و از لزوم وحدت عمل آنها در مبارزه با امپریالیسم، مبارزه در راه صلح و امنیت ناشی میگردد. در قرارداد های دو جانبه دوستی و همکاری و همچنین در پیمان ورشو تعهدات بین المللی - حقوقی وجود دارد که کشورهای سوسیالیستی را موظف بمشورت بایکدیگر و هماهنگی ساختن سیاست خارجی خود میکند.

هماهنگی سیاست خارجی بیاتر و وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی یکی از مهمترین

عوامل تغییر دهنده تناسب نیروها در جهان بسود سوسیالیسم است.

کشور لهستان نیز مانند دیگر کشورهای سوسیالیستی برادر بر این عقیده است که موثر واقع شدن اقدامات آن در عرصه بین المللی تا حد تعیین کننده ای وابسته به تعلق آن به جامعه کشورهای سوسیالیستی و همبستگی آن با اتحاد شوروی، این نیروی اصلی سوسیالیسم و ترقی است. بموجب این طیل اصولی ما به تطابق اقدامات خود در زمینه سیاست خارجی با اتحاد جماهیر شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی زیاد اهمیت میدهم.

اتحاد دوستی و همکاری با اتحاد شوروی و تمام کشورهای برادر عوامل اصلی امنیت ملی لهستان و پیشرفت و تکامل سوسیالیستی آن است. در پرتو افزایش نقش اتحاد شوروی و تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی در جهان ما قادریم سرعت روز افزون ساختمان سوسیالیسم در کشور خود را حفظ کرده و نیز سیاست خارجی فعالی را دنبال نمائیم.

جهت اصلی فعالیت حزب بود و ملت مادر عرضه بین المللی عبارتست از: گسترش و تعمیق اتحاد برادرانه و همکاری نزدیک با حزب کمونیست اتحاد شوروی و خلقهای اتحاد شوروی . ما اعتقاد راسخ داریم که پشتیبانی از سیاست خارجی اتحاد شوروی جوابگوی منافع تمام جامعه کشورهای سوسیالیستی است . جمهوری توده ای لهستان خوشنودی فراوان و پشتیبانی خود را از پروسه همکاری سالمت آمیز میان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا بر ازمیدارد . این پروسه تاثیر نیکویی در مجموع اوضاع بین المللی دارد .

دیدار رفیق برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در سان گدشته از لهستان و مذاکراتی که انجام گرفت ، همچنین گفتگوهایی که در جریان دیدار د بیرا ول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان رفیق بگرنک از مسکو در ۱۶ و ۱۷ فوریه صورت گرفت و هنگام دیدارهای چند جانبه در کریمه و ورشو نیز ادامه یافت و شرکت لئونید برژنف در جشن های پرشکوه سیمن سالگرد بنیاد گذاری جمهوری توده ای لهستان همه در مجموع در تعمیق روابط میان احزاب و کشورهای ماسهم ارزنده ای داشتند . این دیدارها و مذاکرات وجود وحدت نظر کامل در تمام مسائل گرهی سیاسی واید پولوژیک و کوشش در راه همکاری متقابل بر پایه نزدیکی بیشتر را تایید کردند .

در زمینه سیاست خارجی بطور مستمر با رهبران شوروی مشورت بعمل می آید و ملاقاتهای مابا آندره گرومیکو ، عضو پوری سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و وزیر امور خارجه اتحاد شوروی یکی از نمونه های آنست .

اتحاد شوروی که بیش از ۷۰٪ کل فرآورده های صنعتی شوروی تعاون اقتصادی بدان تعلق دارد ، بزرگترین طرف معامله بازرگانی لهستان است . مناسبات مابا اتحاد شوروی شالود ما استراتژی ما را تشکیل میدهد و هدف آن بالا بردن نقش بازرگانی خارجی و تعمیق صنعتی کردن تخصصی کشور به تنزله و عوامل مهم تسریع پیشرفت اقتصادی است . روابط مابا اتحاد شوروی نه تنها در رشته های اقتصاد و سیاست بلکه در سایر رشته ها نیز گسترش مییابد . بطور نمونه همکاری در عرضه اید پولوژی مابا حزب متحد کارگری لهستان و حزب کمونیست اتحاد شوروی پیشرفت میکند . ما از امکاناتی که برای تحصیل کادرهای کشور در اتحاد شوروی وجود دارد ، استفاده میکنیم .

لهستان مناسبات خود را با دیگر کشورهای برادر نیز بطور همه جانبه گسترش میدهد . مابا کمال خوشنودی میتوانیم با آورتما سهای متعدد در سطوح مختلف رشته های گوناگون با جمهوری دموکراتیک آلمان بشویم . کامهای جدی که موجب پیشرفت مناسبات دو جانبه مابا خواهد شد برداشته شده است . ایجاد کارخانه ریسنندگی با مساعی مشترک در زاوتس را میتوان نمونه ای از تعاون و همکاری در رشته صنایع بشمار آورد . ما مسافرت اتباع دو کشور را بدون تشریفات گذرنامه و رواندید در مرزهای دو کشور بطور مثبت ارزیابی میکنیم .

دیدار دوستانه هیئت های نمایندگی حزبی و دولتی برهبری رفقا بگرنک و یاروشویچ از جمهوری دموکراتیک آلمان در سال گذشته به گسترش چشمگیر ابعاد همکاری همه جانبه میان دو کشور کمک کرد . دیدار دوستانه چندی پیش هیئت های نمایندگی حزبی و دولتی جمهوری دموکراتیک آلمان برهبری د بیرا ول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست متحد آلمان رفیق هوتکر ، واقعه پراهمیتسی بود .

همکاری ما با همسایه جنوبی مان ، جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی بطور روز افزونی پیشرفت میکند . دیدار هیئت نمایندگی حزبی و دولتی جمهوری سوسیالیستی چکوسلواکی برهبری دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست چکوسلواکی ، رفیق هوساک در مارس سال جاری گام موثری در تعمیق دوستی سنتی میان احزاب و خلقهای ما و تحکیم روابط اقتصادی ، علمی و فرهنگی بود .

مناسبات برادرانه ما با جمهوری توده ای بلغارستان گسترش مییابد . هنگام دیدار رفیق ژبوکف ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب کمونیست بلغارستان و رئیس شورای دولتی از لهستان موافقت نامه هایی در برپیشرفت آتی همکاری و کشور در تمام رشته ها آماده و باماضی رسید .

علائق دوستی سنتی استواری ما با جمهوری توده ای مجارستان پیوند میدهد . در نتیجه دیدار رهبران کشور ما با رفیق کادار ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان تدابیری که برای تحکیم آن علائق باید اتخاذ گردد مشخص شده اند .

مناسبات ما با جمهوری توده ای رومانی نیز در حال پیشرفت است . این مناسبات عرصه وسیع همکاریهای اقتصادی ، علمی و فرهنگی را در بر میگیرد .

در امر پیشرفت مناسبات میان کشورهای سوسیالیستی موفقیت های بزرگی بدست آمده و تجارب گرانبهائی اندوخته شده است . ولی باید اعتراف کرد که در این عرصه هنوز امکانات فراوانی وجود دارد و در جریان پیشرفت آتی همکاری امکانات تازه ای در راه تعمیق این مناسبات برای ما فراهم خواهد آمد . قدرت روزافزون کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و کامیابی های آنان در راه ساختمان سوسیالیسم ضامن این امر است .

همکاری تحکیم یابنده در تمام رشته های زندگی سیاسی ، اقتصادی و فرهنگی کشور ما با جمهوری سوسیالیستی فدراتیو یوگوسلاوی پیوند در دیدارهای متقابل و ملاقاتهای رهبران کشورهای ما و مساعی مشترک آنان در عرصه بین المللی نیز به این جریان کمک میکند .

ما طرفدار واقعی کردن مناسبات خود با جمهوری توده ای آلبانی هستیم و این مسئله در گزارش که ۲۹ ماه مه سال جاری به پییم داده شد تصریح گردیده است .

لهستان به سیاست خود در ورای قاره اروپا نیز متحرک میبخشد . طی سالهای اخیر ما شاهد تعمیق مناسباتمان با کوبا بودیم که اینک به عضویت شورای تعاون اقتصادی در آمده و دامنه همکاری خود را با تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی گسترش میدهد . ما نمیتوانیم از کامیابیهای مردم کوبا و افزایش اعتبار بین المللی جزیره آزادی ، از جمله در امریکای لاتین و در کشورهای غیر متعهد دیگر قاره ها خرسند نباشیم .

دوستی و همکاری ما با جمهوری توده ای مغولستان با موفقیت پیشرفت میکند . در کشور ما با سیاست اصولی و پرتحرک این کشور بدیده احترام مینگرد .

لهستان از مبارزه خلق برادر ویتنام برضد تجاوز امپریالیستی پشتیبانی میکند . اینک ما در امنیت دوستی ، همبستگی و همکاری با جمهوری دموکراتیک ویتنام را گسترش میدهیم . مساعی مردم ویتنام بخاطر حفظ صلح و ترمیم خرابیهای جنگ احترام عمیق ما را بر میانگیزد . ماهمبستگی خود را با مبارزه مردم ویتنام در راه مراعات کامل قرارداد پاریس و حق تعیین سرنوشت کشور خود ، اعلام میداریم .

پیشرفت مناسبات دوستی و همکاری با جمهوری توده ای دموکراتیک کره موجب خشنودی ما است . لهستان از سیاست جمهوری توده ای دموکراتیک کره در راه حفظ و تحکیم صلح در شبه جزیره کره و کوششهای آن برای وحدت و مسالمت آمیز کره بر پایه اصول دموکراتیک و بدون دخالت از خارج پشتیبانی میکند .

بعقیده ما ، وحدت عملی که با انترناسیونالیسم پرولتری تحکیم پذیرفته و بر پایه تلفیق منافع مجموع سیستم سوسیالیستی با منافع کشورهای جداگانه ای که داخل در آنند ایجاد شده باشد شرط عمد مبارزه موثر با امپریالیسم و در راه صلح و امنیت بین المللی است . ما بر این عقیده ایم که سیاست کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی هر چه بیشتر هماهنگ باشد و وحدت آنها هر چه مستحکمتر ، همانقدر نیروی آنها بیشتر و نفوذ آنها در تثبیت تغییراتی که در عرصه بین المللی پدید آمده

فعال تر خواهد بود . ما کاملاً با اظهارات رفیق برژنف در بیرکل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در اجلاسیه شکوهند سیم جمهوری توده ای لهستان در ۲۱ ژوئیه سال جاری توافق نظر داریم . او گفت : « امروزه دارای اصول و اشکال آزمون شده همکاری چند جانبه میباشیم . ما تجربه اند و ختم و سازمانهای جمعی ما استحکام یافتند . پیمان ورشو به وسیله موثر و مطمئن صلح و سوسیالیسم مبدل گردید . »

اکنون دیگر برهما آشکار شده است که این رسالت تاریخی بعهدده جامعه کشورهای سوسیالیستی نهاده شده است که متکروپیکترین مبارزات مسائل بفرنج بین المللی باشد که خواه در اروپا و خواه در دیگر مناطق کره زمین پدید میآید . کشورهای جامعه سوسیالیستی ما بر این موضوع واقفند که موثرترین وسیله که آنها برای حل این معضلات در اختیار دارند وحدت آنهاست . خط مشی ما در جهت تحکیم این وحدت ضامن مطمئنی است که توپهایی که طی ۳۰ سال اخیر در اروپا در سکوته بسر برده اند در آیند نیز کار صلح آمیز مردم این قاره را مختل نخواهند کرد . خط مشی جامعه کشورهای سوسیالیستی در جهت وحدت در عین حال زمینهمی برای ایجاد سیستم کامل و موکراتیک مناسبات بین المللی است ، و بالاخره تشدید این وحدت در تمام زمینه ها و از جمله در زمینه سیاست خارجی سهم بزرگی در پیشرفت جریانها و گرایشهای مترقی معاصر برپوشه جنبش جهانی کمونیستی خواهد داشت .

رفیق گرگ ، دبیر اول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در جریان برگزاری سیمین سالگرد پیدایش جمهوری توده ای لهستان گفت : « ما افتخار میکنیم که سیمای اجتماعی - سیاسی لهستان توده ای و سیاست خارجی آن ، مردم این کشور را در ردیف نیروهای پیشتاز صلح و ترقی در جهان امروز قرار میدهند . »

سیاست خارجی هر کشور سوسیالیستی با کسب نیرو از وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی هم مسائل کلی و هم مسائل مشخصی را که با آن مولده میگردد در حق و فصل میکند . در ضمن حفظ و حراست و تحکیم صلح برای خلقهای جداگانه و برای تمام جامعه بشری بصورت عمده ترین مسئله بقوت خود باقی است . کشورهای جامعه ما در عین تحکیم وحدت خود در مبارزه بر علیه امپریالیسم و سیاست تجاوزکاری ، با تمام خلقها و نیروهای اجتماعی که از پیشرفت اجتماعی ، استقلال و آزادی دفاع میکنند ، همدوش و هم رزمند . زندگی بطور مقننی نشان میدهد که همکاری نزدیک کشورهای سوسیالیستی در عرصه بین المللی و وحدت مساعی در مبارزه با ظاهردههای مشترکی که از ایدئولوژی سوسیالیسم و کمونیسم سرچشمه میگردد سهم ارزنده ای در امر دفاع از صلح و تحکیم آن داشته و موجبات عدم موفقیت اقدامات تجاوزکارانه محافل نواستعماری و میلیتاریستی و تحکیم اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای با نژادهای گوناگون اجتماعی را فراهم میآورند .

افزایش مداوم مستثمر نیرومندی سیستم جهانی سوسیالیسم عامل قاطعی در مبارزات ضد امپریالیستی و ضد جنگ خلقها و تحکیم صلح همگانی است .

آرایش مساعد نیروها بسود سوسیالیسم و ترقی در جهان از طرفی مشروط به تاثیرات سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی جامعه کشورهای سوسیالیستی و از طرف دیگر مشروط به فعالیت روزافزون توده های انبوه مردمی است که آنان را با انجام کارهای خطیر دیگری بنام صلح فرا میخواند الهام گرفته اند .

کوشش برای حفظ جامعه بشری از جنگ خانمان برانداز جهانی و تحقق رسالت تاریخی آزادی بخش جنبش کمونیستی و کارگری شالوده تعرض صلح کشورهای سوسیالیستی و مبارزه آنان در راه ترقی و پیشرفت اجتماعی است .

نیروی جاذبه چنین سیاست صلحجویانه ای بسیار زیاد است و این نیروی گروه‌های کثیری از مردم سراسر جهان را به اندیشه‌های سوسیالیسم جلب میکند. سیاست همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای به‌مبارزات انقلابی طبقه‌کارگر کشورهای سرمایه داری کمک‌میکند و سد نیرومندی برای جلوگیری از آغاز جنگ هسته‌ای از طرف امپریالیسم بوجود می‌آورد.

اصل لنینی همزیستی مسالمت‌آمیز کشورهای با نظام‌های اجتماعی گوناگون که بابتکار نیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی به تفصیل در برنامه صلح گنجانده شده است، بمعنی امتناع از جنگ‌های تجارانه و زکاراته یعنی به ابزار سیاست، مراعات حق خود مختاری، برابری، استقلال و عدم دخالت در امور داخلی کشورهای دیگر می‌باشد. این اصل، در عین حال برقراری همکاری‌سوزند برای هر دو طرف را در مناسبات کشورهای با نظام‌های گوناگون اجتماعی نیز در نظر می‌گیرد.

ولی همزیستی مسالمت‌آمیز بمعنی اعلام صلح میان طبقات نیست. همزیستی مسالمت‌آمیز نمنه‌ها تضاد های آشتی ناپذیر میان سوسیالیسم و سرمایه داری را از بین نمی‌برد، بلکه در واقع نوعی مبارزه تاریخی و سیستم تضاد است که در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک جریان دارد ولی در عین حال برخورد مسلحانه میان آنان را منتهی می‌سازد.

در شرایط همزیستی مسالمت‌آمیز میزان فوق العاده بر اهمیت مبارزه ایدئولوژیک افزود می‌گردد زیرا نتایج این مبارزه پیش از هر وقت دیگر در خصلت و سرعت پیشرفت اجتماعی موثر واقع می‌شود.

تلفیق دستاوردهای انقلاب علمی و فنی با اصول سوسیالیستی سازماندهی اجتماع عامل تسریع کننده نیرومندی برای پیشرفت است و شاملوده مستحکمی برای انجام عملی هدف های جامعه کشور های سوسیالیستی بوجود می‌آورد و این ترتیب پیروزی نهائی سوسیالیسم را در بیکار و طولانی و تاریخی با سرمایه داری پیشاپیش مقدار می‌سازد. این نوع برخورد بینانه نسبت به آینده و وحدت ایدئولوژیک - سیاسی جامعه کشورهای سوسیالیستی را به استوارترین وجهی تأمین میکند.

تعمیق پیروسیه گاهش تشنج بین المللی، افزایش واقع بینی در کشورهای سرمایه داری و ساختن بنای صلح استوارخواه در اروپا و خواه در دیگر قاره ها تنها در برتر و تحکیم وحدت با زهم بیشتر کشورهای سوسیالیستی امکان پذیر است. این شرط مانی فعالیت کشور ما را در عرصه سیاست خارجی تشکیل می‌دهد.

مسئله حیاتی صهی که در برابر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی از جمله لهستان قرار دارد عبارتست از ایجاد سیستم امنیت جمعی و بهبود مستراوضاع در اروپا. بسیاری از کشورهای سرمایه داری نیز تمایل به موضع جامعه کشورهای سوسیالیستی را در مورد این مسئله درک کرده‌اند. لهستان در دسامبر سال ۱۹۶۴ به دنبال ابتکار قبلی اتحاد شوروی پیشنهاد دعوت کنفرانس امنیت و همکاری اروپا را تسلیم سازمان ملل متحد نمود. لازم است گامهای صهی را که کشورهای سوسیالیستی در این زمینه برداشته اند یاد آور شویم. این اقدامات عبارتند از: تصویب اعلامیه کمیته سیاسی مشورتی کشورهای عضویمان ورشو در ژوئیه ۱۹۶۶ در بوداپست، بیانیه کمیته سیاسی مشورتی در مارس ۱۹۶۹ در بوداپست و بیانیه کمیته سیاسی مشورتی در ژانویه ۱۹۷۲ در پاریس. کشورهای مابط و فعال در جلسات مشورتی تدارکاتی در هلسنکی شرکت جستند. کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی طی سالیان دراز را در این جهت میکوشیدند که با اشتراك تمام کشورهای اروپا به تدابیر عملی دست بزنند که با ایجاد سیستم استوار امنیت جمعی انجامد.

بیانیه بوداپست کمیته سیاسی مشورتی دارای اهمیت خاصی بود. کشورهای که در تصویب این بیانیه شرکت داشتند بمنظور حذف برخوردهای مسلحانه در اروپا، پیشنهاد گمترش دانسه همکاری میان کشورهای این قاره را صرفنظر از نظام اجتماعی آنان و بر پایه اصول همزیستی مسالمت



آمیز ارائه دادند . بنا بر اعتقاد راسخ آنان مسائل حل نشده اروپا را میباید بطرق صلح آمیز از راه مذاکره حل و فصل نمود . بدین مناسبت ، اعضای پیمان ورشو پیشنهاد خود را درباره دعوت کنفرانس اروپا برای بحث در اطراف مسائل امنیتی این قاره باردیگر تأیید کردند . همکاری صلح آمیز تمام کشورهای اروپا ، بنظر آنان ، یگانه آلترناتیو واقعی در برابر درگیری خطرناک جنگی است .

پیش از آغاز مذاکرات همجانبه تشکیل کنفرانس رتق و فتق برخی از مسائل ضروری بود . برسمیت شناختن تفهیم رانایذیری مرزهای اروپا و از جمله مرزهای آلمان و لهستان - بالتیک از طرف جمهوری فدرال آلمان ، صرف نظر کردن بن اذعوی نمایندگی " تمام آلمان " ، تثبیت موقعیت حقوقی و بین المللی جمهوری دموکراتیک آلمان ، اطمینان جمهوری فدرال آلمان از سلاح هسته ای و ناچیز شدن قرارداد مونیخ از جمله این مسائل بودند . کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی و از جمله لهستان حل و فصل این مسائل را شرط ضروری عادی شدن مناسبات در اروپا و ایجاد سیستم امنیت میدانستند .

قراردادهائی که اتحاد شوروی و لهستان در سال ۱۹۷۰ با جمهوری فدرال آلمان منعقد کرد قرارداد چهار جانبه ای که درباره برلین غربی با امضا رسید ، قرارداد هائی که جمهوری دموکراتیک آلمان با جمهوری فدرال آلمان و ستای برلین غربی بستند و همچنین قرارداد میان چکوسلواکی و جمهوری فدرال آلمان همه با هم شرایط تازه ای را بوجود آوردند که دعوت کنفرانس امنیت و همکاری اروپا را امکان پذیر میساخت .

هدف از تشکیل کنفرانسی که در آن علاوه بر ۳۳ کشور اروپائی ، ایالات متحده امریکا و کانادا نیز شرکت خواهند کرد عبارتست از ایجاد چنان شرایطی در قاره ماکه صلح استوار و همکاری کشورهای دارای نظامهای اجتماعی گوناگون را تأمین کند و سیستم امنیت جمعی بر پایه تعهدات سیاسی - حقوقی را بوجود آورد .

ما با تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی علاقمندیم که کنفرانس اروپا به تثبیت حقوقی کاهشر تشنج و قبول اصول مورد توافق همزیستی مسالمت آمیز و همکاری بسود هر دو طرف منتج گردد . مدلول آینده همکاری در اروپا بشرطی میتواند بوظائف خود عمل نماید که هرگونه تبعیض و از جمله کوشش برای بدست آوردن سود یکطرفه بحساب کشورهای دیگر از طرف هر کشوری که میخواهد باشد ، از مناسبات اقتصادی و فرهنگی میان کشورهای قاره ما بکلی حذف گردد .

با در نظر گرفتن اهمیت تاریخی این واقعه و نقشی که در سرنوشت اروپا بدان واگذار گردیده است سومین مرحله کنفرانس ، که به امضای اسناد اختصار داده شده باید در سطح عالی برگزار گردد . بنظر ما انجام هدفهای کنفرانس پیروزی عظیم امر صلح و خردمندی سیاسی است .

ما این کنفرانس را میدان تاریخی در راه ایجاد مناسبات تازه میان کشورهای اروپائی بشمار میآوریم ، نه یک هدف نهائی . بنیانگذاری ارگان دائمی کشورهای که در کار کنفرانس شرکت جسته اند نیز بمثابة یکی از نتایج تثبیت حقوقی کنفرانس خواهد بود . این امر به ایجاد زیرساختها استوار کاهشر تشنج در قاره اروپا کمک مینماید .

خلقیهای جهان در انتظار اروپایان هرچه سریعتر کار کنفرانس بسر میرند . بر آوردن امید آنان وظیفه تمام شرکت کنندگان در این مجمع است . درباره آنچه که به کشورهای عضو پیمان ورشو مربوط میگردد در دبیرانیه ورشو کمیته سیاسی مشورتی که در آوریل سال جاری به تصویب رسید با قاطعیت اعلام شده است که : " ما برای کمک به انجام موفقیت آمیز کار کنفرانس در کوتاه ترین مدت بشکلی که نتایج این کار جوابگوی آرمانهای خلقهای صلح دوست باشد از هیچ اقدامی فروگذار نخواهیم کرد " . کاهشر تشنج سیاسی باید با کاهشر تشنج در عرصه نظامی تکمیل گردد . بهمین جهت کشورهای



جامعه کشورهای سوسیالیستی در مذاکراتی که در وین درباره کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپای مرکزی جریان دارد بطور فعال شرکت میکنند و پیشنهاد های سازنده ای در جهت کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در مناطق مورد توافق ارائه میدهند. کشورهای عضویمان و رشبیر آنند که چنین کاهش، بدون آنکه تناسب نیروها را که هم اکنون در اروپای مرکزی وجود دارد تغییر دهد باید از خطر درگیری نظامی بگاهدومدنی برای آغاز کاهش تشنج نظامی باشد. طبق پیشنهاد هیئت های نمایندگی غربی، کشورهای عضویمان و رشبیر باید به میزان به مراتب بیشتری از کشورهای عضویمان آن آتلانتیک شمالی نیروهای خود را تقلیل دهند. هرگاه این پیشنهاد ها پذیرفته شوند تناسب کنونی نیروها در اروپا تغییر میکند. ما با چنین چیزی نمیتوانیم موافقت کنیم. موضع ما به سیسار واقع بینانه تر و اصولی تر است. ما در این مورد درک و تفاهم دولت ها و محافل گسترده اجتماعی کشورهای غربی را در نظر میگیریم. موفقیت مذاکرات مربوط به کاهش نیروهای مسلح و تسلیحات در اروپا مرکزی گام مهمی در پیروسه کاهش تشنج میبود و محیط مساعدی برای اتخاذ تدابیر مشابهی در آینده در دیگر مناطق بوجود میآورد.

کشورهای عضو جامعه کشورهای سوسیالیستی در مجمع عمومی سازمان ملل متحد سهم بزرگس در تهیه قرارداد هائی نظیر قرارداد استفاده صلح آمیز از فضا، غیر نظامی اعلام کردن اعماق دریاها و اقیانوسها، غدن ساختن تولید و انباشت سلاحهای باکتریولوژیک و غیره داشته اند. لهستان و دیگر کشورهای سوسیالیستی نه تنها در تحکیم صلح در اروپا، بلکه در دیگر قاره هائی هم که وضع خطرناک و قابل انفجاری هنوز حکم فرماست، شرکت میکنند. نمایندگان ما و مجارستان در کار کمیسیون بین المللی صلح نظارت و کنترل اجرای قرارداد پایان جنگ و برقراری صلح در رویتنام شرکت دارند، نمایندگان لهستان در کمیسیون بین المللی نظارت و کنترل لائوس و کمیسیون نظارت بر آتش بر کشورهای بیطرف در کره عضویت دارند. بخش از ارتش لهستان در ترکیب نیروهای مسلح فوق العاده سازمان ملل متحد در خاور نزدیک در امرجداسازی ارتشهای سوریه و اسرائیل نظارت و همکاری میکند.

لهستان با پیروی از اصول همزیستی مسالمت آمیز با کشورهای سرمایه داری، بویژه با فرانسه کشورهای اسکاندیناوی، ایتالیا، بلژیک، اتریش و ژاپن بطور گسترده ای همکاری میکند. صرف نظر از وجود برخی دشواریها، پروسعدای ساختن مناسبات ما با جمهوری فدرال آلمان نیز پیشرفت میکند. به میزان تماس های ما با ایالات متحده آمریکا، بویژه در رشته اقتصادی تاحد و زیسادی افزوده شده است.

لهستان به روابط خود با کشورهای در حال رشد تحرك بیشتری میبخشد. همکاری همه جانبه با هند وستان با سرعت زیادی روبه افزایش است. این نمونها نشان میدهد که هنوز برای همکاری مفید بحال طرفین با بسیاری از کشورهای آسیا، افریقا و امریکای لاتین امکانات زیادی موجود است. طبق برنامه که در دستتیمیه است ما از جمله در نظر داریم میادلات بازرگانی با کشورهای این مناطق را تا سال ۱۹۸۰ سه برابر سازیم.

ما و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی در عین پیروی از سیاست همکاری، صلح و کاهش تشنج با آرمیشویم که سیاست شوینستی، ضد سوسیالیستی و ضد شوروی رهبری جمهوری تو د های چین تاثیر منفی خاصی در اوضاع بین المللی دارد.

قطع ارتباط رهبری مائوئیستی با انترناسیونالیسم پرولتری و امتناع آن از اصول طبقاتی در سیاست خارجی بطرز آشکار در برخورد آن با تمام مسائل عمده و کلیدی معاصر بروز میکند. تمام فعالیت بین المللی جمهوری توده ای چین بویژه در سازمان ملل متحد یا حمله به اتحاد شوروی در آمیخته است.

در این جریان کوشش میشود تا ابتکارات سازنده ای را که جامعه کشورهای سوسیالیستی بسود صلح و کاهش تنشج بین المللی انجام میدهند با شکست مواجه سازند . نمایندگان جمهوری توده ای چین با هرگامی که به کاهش تنشج کمک نماید مخالفت میورزند ، با تداریک کنفرانس جهانی خلع سلاح مخالفت میکنند ، طی سالیان دراز کوشیدند مانع تشکیل کنفرانس امنیت اروپا شوند و حالاً سعی میکنند مانع پیشرفت کار آن گردند و بویژه باشدت هرچه تمامتر به اندیشه سازنده ایجاد سیستم امنیت جمعی آسیای تازند . مائوتسیت ها میگویند بهر وسیله که شده نقتربیشاهنگ کشورهای سوسیالیستی را در امر تحکیم و تثبیت کاهش تنشج در جهان بی اثری اعتبار سازند .

رهبران چین ضمن گسترش مناسبات خود با امپریالیسم پیش از هر چیز در جستجوی یافتن جنبه های مشترک با آنان در دشمنی با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی اند . آنان تماسهای خود را با مرتجعترین نیروهای ضد کمونیست یعنی مبلغین " جنگ سرد " و علاقه خود را به آلمان مخفی نمیکنند . نمونه بارز و مشخص این پدیده گسترش مناسبات جمهوری توده ای چین با خونستای فاشیستی شیلی است .

رهبران چین در حرف و در عمل خود را در صف مخالفان سوسیالیسم در جهان قرار میدهند . مائوتسیت در واقع جنبه دوم مبارزه آیدئولوژیک و سیاسی بر علیه جامعه کشورهای سوسیالیستی بوجود آورده است . بهمین جهت عقیده ما مبارزه با شوروی و پراپتیگ مائوتسیت عامل بسیار مهمی در سیاست احزاب و کشورها است . این مبارزه وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی را استوار میسازد و تشریات سیاست مشترک و هماهنگ کشورهای سوسیالیستی را چند برابر میکند . در این مبارزه نباید بیطرف ماند و سیاست چین را نباید تنها بمثابة جدل و مشاجره با اتحاد شوروی بحساب آورد . رهبران مائوتسیت چین با هدف قراردادن سیاست صلحد و ستانه اتحاد جماهیر شوروی و وحدت جامعه کشورهای سوسیالیستی و با مخالفت با پروسه کاهش تنشج در واقع منافع حیاتی لهستان و تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی را هدف قرار میدهند .

در ردیف مسائل اساسی که سیاست خارجی لهستان با همکاری متقابل نزدیک با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای برادر مشغول حل آنها است ، پیش از هر چیز باید از کوشش ما برای پیشرفت بازهم بیشتر همکاری کشورهای سوسیالیستی چه از لحاظ شکل و چه از لحاظ مضمون نام برد . برای انجام این منظور باید به طور مستمرو وظائف تازه ای را که در نتیجه تصفیرات اوضاع بین المللی و پیشرفت بازهم بیشتر کشورهای سوسیالیستی پدید میآید در مد نظر قرار داد .

با توجه با این موضوع ما در نظر داریم چندین دیدار سطح عالی حزبی و دولتی برگذار کنیم و نیز چند قرارداد که همکاری متقابل ما را در رشته های گوناگون افزایش دهد با امضا نماییم . باید یاد آور شویم که در این رهگذر لهستان اهمیت زیادی برای تحکیم نیروی دفاعی پیمان ورشو که ضامن استقلال و امنیت تمام کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی است قائل میباشد .

اهمیت تکامل سیستمی که پیمان ورشو که بیستمین سالگرد پیدایش آن در سال ۱۹۷۵ خواهد بود ، بوجود آورده بقدری است که نیازی به ارزیابی مجدد ندارد . برگزاری جشن این سالگرد همما امکان میدهد نقش سازمان دفاعی خود را که عامل عمده تامین امنیت جامعه کشورهای سوسیالیستی و تأثیر جدی در پیشرفت پروسه کاهش تنشج بین المللی است بیشتر استحکام بخشیم .

اقدامات متقابل ما با دیگر کشورهای سوسیالیستی بمنظور تحقق سریع برنامه همپیوندی سوسیالیستی در چهار چوب شورای تعاون اقتصاد گسترش مییابد . همکاری اقتصادی بزرگ رانه کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی طی ۲۵ سال گذشته سهم ارزنده ای در تحقق سیاست احزاب کمونیست و کارگری کشورهای ماکه هدفش نزدیک با هم بیشتر خلقهای ما و همکاری نزدیک در ساختمان سوسیالیسم

و کمونیسم بوده داشته است . این واقعیت یکی از نتیجه گیریهای ۲۸مین اجلاس شورای تعاون اقتصادی است که در ژوئن سال جاری در صوفیه تشکیل یافت . همکاری کشورهای اعضای شورای تعاون اقتصادی به عامل هرچه مهمتری در پیشرفت اقتصاد آنها ، افزایش رفاه جامعه و برابری سطح پیشرفت اجتماعی و اقتصادی آنها مبدل میگردد . همپیوندی اقتصاد سوسیالیستی جای هرچه مهمتری در استراتژی اجتماعی - اقتصادی حزب و دولت ما احراز مینماید . ماهه پیشرفت پرتحرک پروسه های همپیوندی در چهارچوب شورای تعاون اقتصادی اهمیت زیادی میدهدیم . بطوریکه در رتبه های کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان بمناسبت سی امین سالگرد جمهوری سوسیالیستی لهستان تصریح گردیده " آینده اقتصادی کشور ما وابسته به پیشرفت بازهم بیشتر تخصصی شدن و تعاون میان کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی در عین ترقی همپیوندی اقتصادی سوسیالیستی است " .

لهستان به مساعی خود برای کاهش تنشج بین المللی ادامه خواهد داد . رفیق گرک د بهیراول کمیته مرکزی حزب متحد کارگری لهستان در نخستین کنفرانس سراسری حزب اعلام داشت :

" امنیت و صلح هدف سیاست خارجی ما است . این آرمان تغییرناپذیر خلق ما است که طی تاریخ نوین خود متحمل اینهمه رنج و مشقت گردیده است . مبارزه در راه پیشرفت صلح آمیز آینده از ایدئولوژی کمونیستی ما سرچشمه میگردد و در شمار اصول بنیادی آنست " .

لهستان برای نتایج بدست آمده در پروسه کاهش تنشج بین المللی ارج فراوان قائل است و با دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی خواهد کوشید تا این نتایج را غیرقابل بازگشت سازد .

# سیاست ارضی لنین و تحقق آن در اتحاد جماهیر شوروی

فدور کولاکف

عضو شورای سیاسی و دبیر کمیته  
مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی

طی سالهای ساختمان سوسیالیسم در اتحاد شوروی در گونیهایی عمیق اجتماعی و اقتصادی روی داده است. در کشور ما جامعه سوسیالیستی پیشرفته ساخته شده و زیربنای مادی و فنی کمونیسم در جنبه گسترده ای پی ریزی میگردد.

کشاوری سوسیالیستی دوش بدوش دیگر رشته های اقتصاد کشور با گامهای استوار و وحدتی جدانا پذیر راه ترقی را میپیماید. این رشته وسیع و حیاتی تولید اجتماعی در پیشرفت اقتصاد و اجتماع جامعه شوروی و افزایش مستمر رفاه مردم و اعتلای سطح اقتصاد سوسیالیستی طبق برنامه نقش مهمی بعهده دارد.

سیاست ارضی حزب ما را لنین بطور همه جانبه و علمی بنیادینها دومدللیاخت. حزب در جریان ایجاد گونیهایی انقلابی با اقدامات سترگی برای تحقق این سیاست دست زد. حزب کمونیست اتحاد شوروی در هر مرحله تازه تاریخی طبق وظایف مشخص روز و با اتکا به توانین عینی پیشرفت اجتماعی سیاست ارضی را بمنزله بخش مهمی از مضمی کلی سیاسی بطور خالص معین میکند.

۱

لنین بر پایه تجزیه و تحلیل پیشرفت اجتماعی و اقتصادی روسیه و کشورهای دیگر و در جریان مبارزه شدید و آشتی ناپذیر با اپورتونیسیم در روسیه و اروپای غربی از تعالیم انقلابی مارکس و انگلس دفاع کرد و آنها را شکیلم نمود. او بر نامه یکپارچه ارضی را از لحاظ تئوریک آماده کرد و درستی آنها را با ثبات رسانده است. اثری جلب دهقانان زحمتکش با انقلاب سوسیالیستی و نقش شرکت دادن توده های زحمتکش دهقانی در ساختمان سوسیالیسم که در تاریخ تحت عنوان برنامه کتویرا تیولنین آمده بخشهای عمده ترکیب کننده این برنامه است.

لنین بهنگام تهیه این برنامه پیش از هر چیز مناسبات ارضی سرمایه داری را مورد تجزیه و تحلیل علمی قرار داده و به بنای اقتصادی تضادهای اجتماعی و مبارزه طبقاتی درده را بررسی کرد و نشان داد که حل رادیکال مسئله ارضی و دهقانان تنها با نابودی نظام مالکان و سرمایه داران یعنی فقط در سوسیالیسم امکان پذیر است. با این ترتیب دورنمای واقعی مبارزه طبقاتی بر روی دهقانان زحمتکش گشوده شد و یگانه راه حل صحیح مسئله ارضی بمنزله بخش ارگانیک تعالیم انقلابی و رولتری و مبارزه در راه سوسیالیسم و کمونیسم پیدا شد و درستی آن بطور همه جانبه

با ثبات رسید.

کمال اهمیت و عظمت نتیجه گیریهای لنین و احکام وی را میتوان بروشنی در زمینه برنامه های ارضی احزاب سوسیال دموکرات اروپای غربی که در آنها دهقانان بمنزله نیروی ذخیره و پروروازی که گویا قادر نیستند اندیشه های سوسیالیستی را درک نمایند از بی کرد (منشویک) های ایورتونیست و تروتسکیست های روسیه نیز دارای چنین موضعی بودند). همه های گذشته و تاریخ امروزی نیز اهمیت مستمر برنامه ارضی لنین را در سه جنبه عمده آن یعنی از نظر سیاسی و اقتصادی و اجتماعی تا بید میکنند.

بلوریکه میدانیم محور ثنوری ارضی لنین از لحاظ سیاسی ایجاد و تحکیم اتحاد طبقه کارگر با دهقانان زحمتکش است.

حزب تار رسیدن پرولتاریا بجا کمیت با توجه به یکی از مهمترین احکام مارکسیستی-لنینیستی در ایتمورد که دهقانان زحمتکش تنها تحت رهبری طبقه کارگر و حزب انقلابی آن در مبارزه مشترک بر علیه دنیای کهن میتوانند از استثمار روستم سرمایه رهایی یا بنده در راه ایجاد چنین اتحادی بلوریکه مبارزه میکرد. تاریخ نیز بطرز غیر قابل انکاری نشان داد که فقط رهبری طبقه کارگر بمبارزه انقلابی دهقانان مضمون در گون سازنده هدفمند میدهد. حزب بلشویکها میتواند نتایج توده های انبوه زحمتکشان را در مبارزه بر علیه سرمایه داری طرف خود جلب کند. در اکتبر سال ۱۹۱۷ طبقه کارگر متحد با دهقانان تهیهست تحت رهبری حزب کمونیست موفق بسرنوشتی جا کمیت ملاکان و سرمایه داران گردید و جا کمیت زحمتکشان را برقرار کرد.

مسئله تحکیم اتحاد طبقه کارگر با بخش اصلی توده های دهقانی در شرایط بیروزی دیکتا توری پرولتاریا هم اهمیت زیادی دارد. حزب با تمام قدرت خود این موضوع را بلافاصله پس از پیروزی انقلاب نشان داد. تا بیان توجه است که فرمان مربوط بمسئله ارضی در شما یکی از نخستین قوانین حکومت شوروی بود که زمین را از آن تمام خلق اعلام داشت و آنرا بنسبت کمائی داد که روی آن کار میکنند. تاریخ بعدی کشور ما نیز بلوریکه نشانگر نا پذیر بر این راهی میدهد که انجام موفقیت آمیز وظایف ساختمان سوسیالیسم و کمونیسم وابسته به برقراری مناسبات متقابل صحیح میان کارگران و دهقانان است. لنین اینطور خوار نشان ساخت که: " تمام نیروی عمده و تکیه گاه حکومت شوروی در این اتحاد مستقر است، این اتحاد من است که امروزه سوسیالیستی ما مرید پیروزی بر سرمایه ها ما را میمان برداشتن هر نوع استثمار را ما به بیروزی نهائی خواهیم رساند" (۱). نبوغ این پیش بینی لنین در موفقیتهای سیاسی بیگانه حزب در تمام مراحل مبارزه در راه سوسیالیسم نمایان گردید. صنعتی کردن موفقیت آمیز کشور که از طرف دهقانان زحمتکش پشتیبانی نمیدانند ای از آنست. اجتماعی کردن (کلکتیویزاسیون) کشاورزی و نو سازی فنی آن که تحت رهبری طبقه کارگر و با همکاری فعال و بلاواسطه آن تحقق یافت یک نمونه دیگر این سیاست است. پیروزی در جنگ کبیر میهنی و احیای سریع اقتصاد ملی پس از پایان جنگ که بدون اتحاد دنیرومند و فداکاریهای طبقه کارگر و روستائیان کلخوزی غیر قابل تصور میبود نیز یکی از نمونه های آنست. این اتحاد در مرحله سوسیالیسم پیشرفته نیز اساسا سیاسی تر نزل نا پذیر بیشترت موفقیت آمیز در راه ساختمان کمونیسم است.

جنبه سیاسی مسئله ارضی با جنبه اقتصادی آن ارتباطی ناگسسته دارد. در اینجا نیز اهمیت





داری مشروط میگردد. در چنین اوضاع و احوالی برخلاف نظر هواداران باصطلاح سوسیالیسم تعاونی و تعاون نمیتوانند مضمون سوسیالیستی داشته باشند. اما پس از پیروزی انقلاب سوسیالیستی تعاونی و مصلحت کاملاً متفاوتی کسب میکنند. لنین نوشت: " ... نظام تعاونی های مجهز به موسسات فرهنگی با وجود مالکیت اجتماعی بر وسایل تولید و پیروزی طبقاتی پرولتاریا بر بورژوازی و این یک نظام سوسیالیستی است " (۱).

جلب دهقانان زحمتکش با ختم سوسیالیسم از طریق تعاونیها به دولت پرولتاریا مکانی میدهد در نظر گرفتن وضع مخصوص اجتماعی دهقانان و روحیه آنان در گرونیهای عمیق اجتماعی. اقتصاد را در درده با موفقیت با نجام رسانند. سوق دادن دهقانان زحمتکش در کشور ما بطرف کلخوزها بمنزله ایجاد انقلاب در وضع اجتماعی و تمام شئون زندگی آنان است. حال با دیدید طبق چه اصولی انجام این انقلاب امکان پذیر شد.

حزب ما در جریان اجتماعی کردن بیشتر از هر چیز از اصول لنینی و او طلبانه بودن اتحاد در تعاونیها و تلفیق درست منافع خصوصی و اجتماعی و تامین نفع مادی دهقانان در نتیجه کاری که انجام میدهند پیروی کرد. اصل انتقال تدریجی از اشکال ساده با اشکال پیچیده تر تعاون نیز بسیار مهم است. حزب کمونیست اتحاد شوروی این نکته را نیز در نظر داشت که زمینه مادی در گرونی در کشاورزی صنایع بزرگ است، لذا حزب ما ایجاد صنایع سنگین را بمنزله وظیفه درجه یک مطرح ساخت. بنا به تعریف لنین سوق اقتصاد در دهقانان به مسیر تولید بزرگ سوسیالیستی در دردیفتنشوارترین و بلا اشکال ختم سوسیالیسم است. حزب کمونیست اتحاد شوروی خوب متوجه دشواریهای راه اجتماعی کردن اقتصاد در روستاها بود. در کشور ما ۲۵ میلیون واحد اقتصاد دهقانی وجود داشت. بر طرف ساختن حدود و ثغور میان این واحدهای اقتصادی و غلبه بر روحیه مالکیت خصوصی دهقانان و درهم شکستن مقاومت بسیار شدید نیروهای استثمارگر روستاها و باک کردن راه از وجود بورژوازیهای راست و " چپ " که سر علیه خط مشی حزب عمل میکردند لازم و ضروری بود. میبایست برای اقتصاد روستاها پایه نوین فنی بوجود آورد و هزاران متخصص و مدیر که قادر به رهبری ساختمان موسسات تنظیم سوسیالیستی در روستاها باشند تربیت نمود. بفرنجی اوضاع و احوال بین المللی که کشور ما که در آنهنگام یگانگی کشورهای کشاورزی پرولتاریا بود با آن سروکار داشت و تا زگیراه ناشناخته همه بریندت دشواریهای افزودند. فقدان تجربه باعث آن شد که در جریان اجتماعی کردن اقتصاد روستاها اشتباهات معینی نیز رخ نهد. حزب بموقع خود این اشتباهات را آشکار کرد، بصراحت درباره آنها اظهار نظر کرد و اشتباهات تیرا که در سلسله از مناطق روی داده بود تصحیح نمود.

حزب کمونیست اتحاد شوروی با پیروی از تعالیم لنین بر تمام مشکلات غلبه کرد و دهقانان را به راهی نور همنمون گردید.

تاسیس موسسات نوین سوسیالیستی در روستاها از نخستین روزهای موجودیت حکومت شوروی و بلا فاصله پس از ملی کردن زمین آغاز گردید. موسسات دولتی یا سوخوزها و اتحادیه ها و دهقانی بر پایه تعاون یا کلخوزها اشکال اساسی اقتصاد اجتماعی شدند. حزب از سوخوزها که پیشرفت اولیه آنها برشالوده اقتصاد کلان ملاکان و سرمایه داران قرار داشت بمنزله نمونه سازماندهی تولید اجتماعی و اداره امور کشاورزی با استفاده از علم و تکنیک بهره برداری کرد.

حزب و دولت پیش از آنکه به کلکتیویزاسیون سراسری بپردازد زندبکاران را کاملاً عظیمی است زنده که انجام آن یکسلسله تدا بیمرستریک و با کیفیت گوناگون از جمله آنها بود. کار عظیم سیاسی و سازمانی میان دهقانان، جلب آنان بشرکت در اشکال مختلف تعاون، کمک مادی و مالی بواحدهای اقتصادی اجتماعی که تازه تاسیس میشده ایجاد پارکهای ماشینهای کفا و ریزی و تراکتور و افزایش فرهنگ عمومی و بالابردن سطح سواد در روستاها - همه اینها را در شمار آن تدا بیمرستریک باید بحساب آورد.

طبقه کارگر نیروی اصلی کلکتیویزاسیون را تشکیل میداد. او نه فقط تراکتور، کمباین و اتومبیل و سایر وسایل نقلی بلهقانان میداد بلکه بدعوت حزب هزاران تن از بهترین نمایندگان خود را برای سرپرستی در مراختمان اقتصادی اجتماعی به روستاها گسیل داشت. در اتحاد شوروی در اواسط سالهای ۳۰ بجای اقتصاد دخرده مالکی بهقانی نظام کلخوزی ایجاد گردید در تمام کشور سیستم واحد کفا و ریزی سوسیالیستی با دو شکل مالکیت اجتماعی یعنی مالکیت عموم مردم و تعاونی کلخوزی برقرار شد. اجتماعی کردن کفا و ریزی روستا را برای همیشه از بردگسی کولاکها، قشر بقیدی طبقاتی و فقر و تهیستی رها نشی بخشدید. در برنام ما حزب کمونیست اتحاد شوروی گفته شده است: "طبق برنام ما کفوبرا تمولنین این مسئله بسیار کهن یعنی مسئله دهقانان بنور واقعی حل و فصل گردید" (۱).

مشکل بتوان اهمیت تاریخی پیروزی سوسیالیسم در روستای شوروی را برای بیخبرفت های بعدی نخستین کشور سوسیالیستی جهان ارزیابی کرد. این پیروزی، دولت شوروی و تکدیگاه عمده آن یعنی اتحاد کارگران و دهقانان را مستحکم تر کرد و برای شرکت فعالان زحمتکشان روستا در زندگی سیاسی و اجتماعی غرایب واقعی بوجود آورد، منافع تولیدکفا و ریزی بزرگ را برای خدمت بمردم اختصاص داد و راه را برای پیدایش و تشکیل انسان نود در روستا و شکفتگی استعداد های وی گشود. این جریان باعث شده دهقانانی که در کلخوزها متحد شده بودند قدم در راه وسیع ترقی اجتماعی نهادند و به طبقه جدیدی یعنی به طبقه سوسیالیستی مبدل گردیدند. کفا و ریزی برپا به کلخوزها و سوخوزها در همان سالهای پیش از جنگ به موفقیت های عظیمی دست یافت. منابع غذایی کشور روبه افزایش بوده تا مین اهالی با خواربار و دیگر محصولات کفا و ریزی بهبود مییافت و نیاز لازم تدارک میشد.

نیروی عظیم حیاتی نظام جدید اجتماعی در دوران نشو و رنج کبیر میهنی نمایان گردید. زحمتکشان روستا با با جمیع اهالی کشور با افتخار و سر بلندی از عهده این آزمایش سنگین برآمدند. با وجود دشواریهای عظیم کلخوزها و سوخوزها جنبه و بیعت جنبه را با محصولات لازم و مواد خام تا مین میگردند. جنگ به کفا و ریزی و تمام اقتصاد ملی اتحاد شوروی خسارات عظیمی وارد آورد. هزاران کلخوز و سوخوز و پارکهای ماشینهای کفا و ریزی و تراکتور غارت شده و منهدم گردید. محصول سزانه کفا و ریزی در سال ۱۹۴۰ تا ۶۱٪ سطح پیش از جنگ کاهش یافت. با اینهمه مردم و حزب ما با اتکا به نیرو و توان نظام کلخوزی طی مدت کوتاهی توانستند خسارات سنگین را که جنگ به کفا و ریزی وارد آورده بود جبران کنند. در سال ۱۹۵۰ تولیدات کفا و ریزی بد سطح پیش از جنگ رسید. طی سالهای ساختن سوسیالیسم و کلخوزها و سوخوزها به موسسات عظیم کاملاً مکانیزه مبدل شدند. در حال حاضر در کشور ماسی و یک هزار و صد کلخوز و بیش از هفده هزار سوخوز وجود دارد.

بطور متوسط هر کلهوز بیش از سه هزار هکتار و هر سوخوزش هزار هکتار زمین قابل کشت در اختیار دارد. تلاش دشمنان سوسیالیسم برای تخطئه نظام سوسیالیستی درده، بی ارزش جلوه دادن اهمیت آن واحیای این نظریه مردود و بی اعتباری که گویا واحدهای اقتصادی سوسیالیستی تعاونی قابلست زیست ندارند و در ضمیر دهقانان ریشه ندارند، بخصوص در برتو این موفقیت‌های آشکار زشت و ناموزون بنظر میآید.

تجربه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بلور انکارناپذیری برای این امر گواهی میدهد که تجدید سازمان مبتنی بر اندیشه لنین برای جلب دهقانان به تعاونیها یگانه راه اعتلای نیروهای مولده کشاورزی و آزادی اجتماعی دهقانان و بالابردن سطح رفاه مادی تمام مردم است. این پروسه قانونمندانه است که به نیا زمندیهای عینی ساختمان و تمام جامعه نوین مشروط است، راهی است اطمینان بخش که پاسخگوی منافع دهقانان و بیوستن تدریجی آنان باشد.

### ۲

ورود جامع شوروی بمرحله سوسیالیسم پیشرفته و ایجاد زیربنای مادی و فنی کمونیسم، مصالح پیشرفت اقتصاد کشور درآینده و مشی حزب در جهت افزایش چشمگیر سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم و وظائف تازه و بزرگتری را در راه پیشرفت تولیدات کشاورزی مطرح ساخت. لئونید برژنف دبیری کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی این نکته را تائید کرده که: «..... اعتلای کشاورزی همان چیزی است که بمنظور ساختمان موفقیت آمیز کمونیسم برای ماضورت حیاتی دارد» (۱).

بیلنوم مارس (سال ۱۹۶۵) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی مرحله نوین تکامل و پیشرفت نیروهای مولده روستاها را آرزو نموده. در این بیلنوم و بیلنوم های بعدی کمیته مرکزی (ماه مه ۱۹۶۶)، (اکتبر ۱۹۶۸)، (ژوئیه ۱۹۷۰) و در کنگره های ۲۳ و ۲۴ حزب مشی سیاسی اصولی بمنظور اعتلای همه جا نیمه و بیگیر کشاورزی تهیه شد و جهات اصلی سیاست ارضی مادی در مرحله کنونی معین گردید. وحدت هدف و راههای تحقق آن از مشخصات خط مشی است که حزب معین کرده و دارای خصلت علمی است. لئونید برژنف دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی در تهیه این طرح و سیاست کلی حزب سهم بزرگی دارد.

پیشرفت خلقی شوروی ارضی لنین در شرایط تاریخی نوین بازتاب خود را در سیاستی که حزب کمونیست اتحاد شوروی اینک در رشته کشاورزی اعمال میکند می یابد. سیاست ارضی حزب با وظائف بنیادی ساختمان کمونیسم مطابقت دارد. برخورد همه جا نیمه در حل معضلات و نظیر آنچه ویژه مشی کلی اقتصادی است و در این سیاست نیز بکار برده میشود. به برقراری ارتباط متقابل ارگانیک میان کشاورزی و صنعت و تلفیق هماهنگ منافع طبقه کارگر و دهقانان کلخوزی، شهر و روستا و منافع تمام جامعه ما اهمیت فراوان داده میشود.

حزب برای تکمیل سیستم مناسبات اقتصادی و ایجاد چنان شرایطی که افزایش نفع مادی کارکنان کشاورزی را در پیشرفت تولید و تحکیم هر چه بیشتر اقتصاد کلخوزها و سوخوزها تا مین کند ماسعی ویژه ای میبذول میدارد. با توجه بدین موضوع یکسلسله تدابیر مهم انجام یافته است. ترتیب جدیدی برای برنامه ریزی در کشاورزی داده شده که تلفیق ارگانیک برنامه ریزی متمرکز را با ابتکار خود کلخوزها و سوخوزها تا مین میکند. برنامه های ثابت تهیه و تدابیر محصولات برای چند سال آینده نیز

با اطلاع آنها رساننده میشود. دولت بهای خرید محصولات کشاورزی را در عین حفظ قیمت آنها در بازار تا حدود معینی افزایش داد (۱). برای محصولاتی که اضافه بر مقدار معین شده در برنامۀ بدولت فروخته شود قیمت بالایی در نظر گرفته شده است. برای گلخوزها دستمزدهای تضمین شده ثابت تعیین گردیده و به میزان حقوق درسوخوزها افزوده شده است. مناسبات حسابداری مستقل مالی گسترش یافته و عمیقتر میشود. این تدابیر و یکسله تدابیر دیگر برای رشد سریع و استوار تولیدات کشاورزی و افزایش ثمرات آن شرایط مساعدی فراهم آوردند.

حزب ما در جریان حل معضلات پیشرفت و تکامل کشاورزی ضرورت معینی افزایش همه جانبه تولیدات کشاورزی و قرار دادن آن بر پایه صنعتی معاصر و تسریع جدی ترقی علمی و فنی را در نظر میگیرد. اینک تحکیم همه جانبه شاملوده مادی و فنی کشاورزی انجام میپذیرد و واحدهای ساختاری بنیادی بسیاری درست ساخته شده است و تهیه کارهای متخصص برای روستاها گسترش داده میشود. تسریع و تشدید امور مربوط به کشاورزی و دامپروری طبق نقشه و بسو و تمام اعضا جامعه انجام میگیرد. هدف از آن بهبود شرایط کار و افزایش رفاه مادی و سطح دانش و فرهنگ، زحمتکشان روستا است. کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی با استفاده از اعطای قدرت اقتصادی کشور افزایش چشمگیر سرمایه گذاری در کشاورزی را ضروری دانستند. میزان سرمایه گذاری در کشاورزی در برنامۀ پنجاه هفتم (۱۹۶۵-۱۹۶۶) ۴۸٫۶ میلیارد روبل یا ۲۰٪ مجموع سرمایه گذاری در اقتصاد ملی بود و لی در برنامۀ پنجاه هشتم این مقدار به ۸۳٫۲ میلیارد روبل یا ۲۳٪ و در برنامۀ نهم ۱۲۸٫۶ میلیارد روبل یا ۲۶٪ افزایش داده شده. طی سه سال اول برنامۀ پنجاه جاری (سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴) نزدیک به ۷۲ میلیارد روبل در شاخص کشاورزی سرمایه گذاری شده است.

پیشرفت و تکامل کشاورزی اتحاد شوروی با توسعه و تکمیل ترقیات فنی و افزایش مکانیزه کردن (مکانیزاسیون) و الکتریکی کردن اقتصاد (الکترونیفیکاسیون) همراه است. روستا به مقیاس فرا-بندۀ ای یا ترا کشورها ی بر قدرت تر و سریع تره با کمباین های پرتوان و اتومبیلها ی باری با ظرفیت بیشتره و وسائل حمل و نقل ویژه و وسایل مکانیزاسیون معاصر و اتومبیلها ی فرم های دامپروری تامین میگردد. قدرت منابع انرژی کشاورزی در فاصله سالهای ۱۹۶۳-۱۹۶۶ نزدیک به ۱٫۷ و تا مین انرژی برای کار ۱٫۸ بار افزایش یافت. تمام گلخوزها و سوخوزها اینک برای نیازهای تولیدی و ما یحتاج زندگی از نیروی برق استفاده میکنند. بخش مهمی از خانه ها و مسکونی روستاها دارای لوله کشی گاهتند.

حزب شور فعال برای افزایش تولید و وسایل فنی کشاورزی که با نیازهای تولیدات اختصای عمده و در شرایط انقلاب علمی و فنی مطابقت داشته باشد تدابیری اتخاذ میکنند. طبق قرارهای گذرگه بیست و چهارم حزب کمونیست اتحاد شوروی تکامل آن رشته از زمانیه که وسائل تولید برای کشاورزی میسر زنده و مصالح مختلف فنی و وسائل تکنیکی برای آماده ساختن حمل و نقل و نگهداری محصولات کشاورزی تهیه میکنند تسریع گردیده است. تجدید ساختار کارخانه های تراکتور سازی و نوسازی کارخانه های که ماشین های کشاورزی میسر زنده مقیاس وسیعی آغا ز شده است.

طی سالهای اخیر در اتحاد شوروی تدابیر عظیمی برای استفاده از زمینهای کشاورزی و افزایش تولید

۱ - نمیتوان به تازگی دیدن این واقعیت با وضع موجود کنونی در بسیاری از کشورهای پیشرفته سرمایه داری که انحصار بهای خرید محصولات کشاورزی را کاهن داده و قیمت خوار بار را در بازار افزایش میدهند مشاهده نکرد.

کودهای شیمیائی و دیگر وسائل شیمیائی برای رفع نیازمندیهای کشت و ریزی و دامپروری اتخاذ گردیده است. ساختمان یکسلسله از موسسات عظیم و مجتمع های صنعت شیمی با تمام وسایط است. تا مین کشت و ریزی با کودهای شیمیائی از ۱۱٫۴ میلیون تن در سال ۱۹۶۰ به ۶۴ میلیون تن در سال ۱۹۷۴ ویا تقریباً ۶ بار افزایش یافته است. صنایع میکروبیولوژی عملاً از نو ایجاد گردیده است.

کشت و ریزان ما مجبورند در شرایط مختلف و اغلب بفرنج محیط زیست و آب و هوا و زمین کار کنند. برخی از مناطق کشور متناوباً در معرض تاثیرات زیانبار خشکالی قرار میگیرند و مناطقی دیگری از زیاد آب و رطوبت عوارضیقه قرار دارند. با در نظر گرفتن این وضع ما به مسائل آبپارزی زمین ها و تداوم بیرویه خشک کردن اراضی و آماده بهره برداری نمودن آنها توجه زیادی مبذول میداریم. طی ۹ سال اخیر نزدیک به ۱۲ میلیون هکتار زمین قابل آبیاری و یا اراضی خشک شده برای بهره برداری آماده شده است. مساحت کلی این قبیل اراضی در سال ۱۹۷۳ تقریباً به ۲۵ میلیون هکتار بالغ گردیده. در برنامهمبجسار له نهم بمنظور انجام یکسلسله اقدامات برای خشکاندن اراضی وسیعی نزدیک به ۲۷ میلیاردر روبل سرمایه گذاری در نظر گرفته شده است و این مبلغ بیش از دو بار از مبلغی که در برنامهمشتم بهمین منظور در نظر گرفته شده بود بیشتر است. مزارع عظیم قابل آبیاری برای کشت غلات در مناطق خشک ایجاد خواهد شد. ایجاد سیستمهای مدرن کشت برونج گسترش خواهد یافت. سیستم آبیاری کشت پنبه، سبزیکاری و مراتع کشت چندساله گیاهان مختلف بسط و توسعه داده میشود. حزب این وظیفه را مطرح کرده است که هم اکنون چنان زیربنای مادی و فنی برای کشت و ریزی تهیه شود که امکان بندمعضلات تولیدات کشت و ریزی در گرونی وضع روستاها در آینده بطور کامل حل شود و از میزان وابستگی مورکشت و ریزی نیروهای خودسر طبیعت کاسته گردد.

در جریان افزایش سرمایه گزاری در رشته کشت و ریزی به استفاده عقلانی و برسرماز تمام وسائل مادی و فنی و از تمام منابع طبق نیازمندیهای علوم و دستاوردهای سراتیک، پیشرفته توجه خاصی مبذول میگردد. اینک مبارزه در راه تطبیق فرهنگ پیشرفته در کشت و ریزی و دامپروری بود. کیفیت محصولات و کاهش ارزش واقعی محصولات کشت و ریزی بمنزله یکی از مهمترین معضلات اقتصاد ملی در برابر ما است.

مقیاس گسترده بررسیهای علمی و وحدت فعالانه تر علوم با تولید و ایجاد مراکز اصلاح و پرورش جدید و دیگر مراکز علمی از مشخصات تکامل و پیشرفت کشت و ریزی اتحاد شوروی است. در اتحاد شوروی صنایع بنگاه علمی و پژوهشی کشت و ریزی، مراکز آزمون و آزمایشگاههای مختلف مشغول بکار است. آکادمی علوم کشت و ریزی اتحاد شوروی بنام و. ای. لنین با دانشکدههای وابسته بان در این سیستمی مقام اول را داراست. از طرف دانشمندان و کارشناسان کشت و ریزی طرح ها و شیوه های نوین فراوان ارائه گردیده است که از آنها سرچشمه گسترده تر در عمل استفاده میشود. بطور مثال، موفقیت های سلکیونرهای اتحاد شوروی که انواع تازه بر محصول گندم و آفتابگردان، بوبه پنبه و کشتیهای دیگر را بوجود آورده اند هم در کشور ما هم در کشورهای متعددی تکرار شده است.

یکی از جهات سیاست ارضی حزب در مرحله کنونی تکمیل اشکال سازماندهی تولید و بهبود دارها مور کشت و ریزی است. تخصصی کردن واحدها و موسسات کشت و ریزی و تمرکز هر چه بیشتر تولیدات کشت و ریزی بر پایه تعاون گسترده واحدهای جداگانه در این جریان اهمیت فوق العاده کسب میکند. در بسیاری از نقاط کشور اینک موسسات عظیم جدید تخصصی اتحادهای میان کجوزها و بین کجوزها و سوخوزها و مجتمع های کشت و ریزی صنعتی ایجاد میشود.



درجا همه سوسیالیستی تعاون را نمیتوان يك نرم اجتماعی منجمد وبدون تغییر بشمار آورد . زیرا در جریان ساختمان کمونیسم تعاون توسعه و تکامل میابد و مکانات بالقوه خود را هرچه بیشتر آشکار میسازد و مضمون آن غنی تر میگردد . اینجا موسسات تخصصی کشاورزی از طریق اتحاد وسایل کشاورزی و یا وسایل کلبوزها وسوخوزها مرحله ای با کیفیت نوین در تعاون تولیدی است . این تازگی در چیست ؟ در این است که امروز تعاونی بر پایه مالکیت خرده انفرادی دهقانان چنانکه در دوران کلکتیویزاسیون انجام شده بلکه بر پایه موسسات عظیم سوسیالیستی یعنی کلبوزها وسوخوزها تحقق مییابد . در جریان اجرای این برنامه حزب این هدف را تعقیب میکند که واحدها و موسسات اقتصادی که بر پایه چنین وحدتی بوجود میآیندند فقط نوع پرمتر توسعه و تکامل نیروهای تولیدی کشور بلکه وسیله مهم نزدیکی هرچه بیشتر اشکال مالکیت دولتی و کلبوزی و کلبوزیاتیوی است .

پلنوم نسامبر (سال ۱۹۷۳) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با در نظر گرفتن امکانات فزاینده و برتر بهای اقتصادی تخصصی کردن و تمرکز و تأیید انتقال تدریجی به تولید بزرگ تخصصی با تطبیق شیوه های صنعتی و استفاده هرچه بیشتر از موفقیت های علم و تکنیک را مطرح ساخت . این وظیفه اینک عالیه توسعه و پیشرفت آتی کشاورزی سوسیالیستی کشور را تشکیل میدهد . در جریان انجام سیستم تداوم بیاجتماعی - اقتصادی و سازمانی و سیاسی که حزب تعیین کرد در کشاورزی اتحاد شوروی گرایش ها با کیفیت نوین که نمودار مرحله عالی پیشرفت آنست ، بروغنی آشکار گردید . علت وجودی این گرایش ها در چیست ؟

اولاً در این است که کشاورزی با اطمینان در راه پیشرفت سریع گام نهاده است . افزایش محصول کلی کشور اینک بطور عمده بحساب عوامل تسریع کننده پیشرفت بنست میآید . در نتیجه در تولید کشاورزی نه فقط تغییرات کمی بلکه تغییرات کیفی عمیقی صورت میگردد . بمیزان محصولات مزایع و غراورده های نامبروری بطور مستمر افزوده میگردد .

ثانیاً ، کشاورزی هرچه بیشتر خلعت بر تحریک تری بخود میگردد ، رشد آن ثبات بیشتر و یاد و دیگر اجزای رومنها شدیدی که از آنرا عوامل نامساعدجوی در گذشته مشاهده میگفت ، اثری نیست . حتی در سال ۱۹۷۲ که در نتیجه خشکسالی شدیدینا از فوق العاده دغواری بود محصول کلی کشور در رشته کشاورزی بیش از حد متوسط برنامه پنجساله هشتم یعنی برنامه قبلی بود .

ثالثاً ، سرعت رشد و ثمر بخشی تولید کشاورزی و شاخص عمده آن بازدهی کار افزایش مییابد . این بنوبه خود شرط اصلی پیشروی موفقیت آمیز بجلو است . کافی است یادآور شویم که طی سالهای پیمرازی پلنوم مارس ( ۱۹۶۵ ) کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی با زده کار در کلبوزها و سوخوزها ۲۵٪ و سرعت رشد متوسط سالانه آن نزدیک ۵۰٪ را افزایش یافته است . به بهره دهی تولید نیز افزوده میگردد و اقتصاد کلبوزها و سوخوزها استحکام میپذیرد .

میزان تولید و خرید محصولات کشاورزی در کشور بطور منظم با امید رود . حجم متوسط سالانه محصول ناخالص کشاورزی از ۶۶٫۳ میلیارد روبل در برنامه پنجساله هفتم تا ۸۰٫۵ میلیارد روبل در برنامه پنجساله هشتم افزایش یافت و در فاصله سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۱ بمیزان ۸۹٫۵ میلیارد روبل رسید .

مسائل مربوط به افزایش هرچه بیشتر تولید غلات میان معضلات بفرنج کشاورزی مقام تعیین کننده ای دارند . طی سالهای اخیر در کمت وزرع غلات نقایح چشمگیری حاصل گردیده است . تولید متوسط سالانه غلات در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۱ ۱۹۰٫۶۶ میلیون تن بود که ۶۰٫۳ میلیون تن از سالهای



۱۹۶۵-۱۹۶۶ بیشتر بود و ۲۳ میلیون تن نسبت به برنامه پنجساله هشتم افزایش یافته است .  
 به ویژه سال ۱۹۷۳ سال غالب توجهی بوده زیرا ۲۲۲۵۰ میلیون تن غله در کشور جمع آوری گردید .  
 در اثر استفاده هرچه بیشتر از تکنیک در جریان انجام کار و بهبود وضع تولید تا آن گره فقط  
 نواحی جدا گانه ، بلکه ایالات ، مناطق و جمهوریهای مختلف سالانه ۲۵ تا ۳۰ کنتار ( سنتنر )  
 غله از هر هکتار زمین به دست می آورند . این رقم در مزارع کوبان و مولد اوویه ۳۶ تا ۳۳ سنتنری  
 میرسد . سطح مزارع زیر کشت غلات کشور در اترق قابل بهره برداری نمودن اراضی با بریمقدار زیاد  
 افزایش می یابد . قابل بهره برداری ساختن اراضی با بریمیزان وسیع در واقع تحقق اندیشه  
 های لنین در مورد استفاده از منابع عظیم ارضی کشور بمنظور بسط و تکامل هرچه بیشتر نیروهای  
 تولیدی و دلیل انکارناپذیر دیگر بر رجحان نظام سوسیالیستی است . این بنده در تاریخ کشور  
 ما بمنابا به موفقیت و پیروزی بزرگی که بپایان گروخت عمل تمام مردم شوروی است ثبت گردید .  
 است . از اراضی با بری که بتازگی مورد بهره برداری قرار گرفته هم اکنون ۲۷٪ غله اتحاد  
 شوروی به دست می آید .

بنده کاران کشور نیز بموفقیت های بزرگی دست یافتند . در سال ۱۹۷۳ ۲۸۵ سنتنر بنده خام  
 از هر هکتار به دست آوردند و ۷۲۷ میلیون تن " طلای سفید " جمع کردند . با دیدن نظر داشت که از این  
 اراضی دور افتاده روسیه تزاری فقط ۷۴۴ هزار تن بنده به دست می آمد .  
 حزب افزایش هرچه بیشتر محصولات و سطح تولید غله و دیگر فرآورده های کشاورزی را از جمله  
 مهمترین وظایف اقتصاد ملی بشمار می آورد . اقدامات وسیعی بمنظور توسعه و تکامل دامداری و  
 پرورش دامها و افزایش میزان علوفه ، بهبود و اصلاح نژاد دامها و پرندگان و افزایش آنها در عین ازدیاد  
 تعدادشان بعمل می آید تا بتوان بطور مداوم وضع تامین نیازمندیهای اهالی را با گرانبها ترین  
 محصولات بهبود بخشید . طی سالهای اخیر بمقدار چشمگیری بر میزان افزایش تولید و خرید محصولات  
 دامداری و مرغداری اضافه شده است . تمام این دستاوردها برای بهبود تغذیه مردم شوروی  
 امکانات تازه فراهم می آورند .

ساختمان مجتمع های بزرگ تولید گوشت و لبنیات و فرم های مرغداری گسترش می یابد ، بسط و  
 توسعه فرم های موجود کلهوزها و سوخوزها و نوسازی فنی آنها در دست اجرا است و از شیوه های صنعتی  
 تولید و تکنولوژی مترقی استفاده میشود . به افزایش تهیه انواع جدید و پرمصرف علوفه ، توسعه  
 تولید علوفه مخلوط و بهبود چراگاههای طبیعی اهمیت فراوان داده میشود .

حزب در آینده نیز تمام اقدامات ضروری را برای توسعه و تکامل مداوم کشاورزی و حل تمام  
 معضلات دور و نزدیک امور روستا بعمل خواهد آورد . قرار است که چندی پیش از طرف کمیته مرکزی حزب  
 کمونیست اتحاد شوروی و شورای وزیران اتحاد شوروی با یکدیگر لئونید برژنف ، دبیرکل کمیته مرکزی  
 حزب کمونیست اتحاد شوروی " درباره تدابیر لازم برای پیشرفت آتی کشاورزی و مذاکره اراضی  
 غیرسیاه جمهوری فدرال روسیه شوروی " بتصویب رسیدند . با رزاین مذاکرات در اینجا سخن  
 بر سر برنامه وسیع اقداماتی است که برای بهبود اراضی ، ساختمان واحدهای تولیدی ، فرهنگ  
 و پرورش سکونت و شهرکها و راههای مجهز و مدرن بعدا خواهد آمد . تحقق این برنامه که در نقشه  
 پنجساله آینده ۳۵ میلیارد روبل بدان اختصاص داده خواهند شد این سرزمین وسیع را دگرگون و  
 شکوفان خواهد کرد و موجبات پیشرفت هرچه بیشتر تولیدات کشاورزی و اعتلای تمام اقتصاد سوسیالیستی  
 را فراهم خواهد ساخت . این برنامه از لحاظ وسعت اراضی که در بر میگیرد و از نظر اهمیت  
 که داراست در واقع بنده ای عمده را با بهره برداری از زمین های بکروبا پر است .

بدین ترتیب علمیت و قابلیت انجام سیاست ارضی حزب کمونیست اتحاد شوروی را تذبذبات مثبت و عظیمی که در کثرت و روزی انجام پذیرفته تا بید میکنند. یکی از نتایج عمده فعالیت حزب کمونیست اتحاد شوروی طی مرحله اخیر و یکی از مهمترین کامیابیهای تمام مردم شوروی نیز در همین است .

سیاست ارضی حزب ما در ارتباط نزدیک با تعمیق و تکامل هر چه بیشتر همکاری و بسط و تکامل همبستگی سوسیالیستی اقتصاد کشورهای عضو شورای تعاون اقتصادی تعیین میگردد. تبادل تجربه تولیدی پیشرفته و کامیابیهای علمی و فنی با اشکال مختلف میان کشورهای سوسیالیستی بطور وسیع بسط و تکامل مییابد و مسائل مبرم صنعتی کردن جریان تولید کثرت و روزی بر پایه صنایع معاصر بطور جمعی حل و فصل میگردد . بویژه با ید موفقیت های همکاری در رشته اصلاح نژادها و پرورش انواع تازه گیاهان کثرت و روزی را خاطر نشان ساخت . اقدامات فزاینده برای تهیه طرح ها و تکنولوژی متری و استفاده از مدرن ترین تکنیک ها بعمل میآید .

تحقق بزرگ برنامہ جامع همبستگی سوسیالیستی اقتصاد ، تکمیل هر چه بیشتر اشکال و شیوه های همکاری در چهار رچوب شورای تعاون اقتصادی برای تعمیق و گسترش تقسیم بین المللی سوسیالیستی کار بسوساخته ان سوسیالیسم و کمونیسم امکانات جدیدی فراهم میآورند .

# فرهنگ، روشنفکران و طبقه کارگر

لوئی بایو

عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست  
فرانسه

**بحران اجتماع - بحران فرهنگ .** بحران عمیقی تمام رشته های زندگی را در کشورهای سرمایه داری و از جمله در فرانسه فراگرفته است . این بحران گواه بر آنست که سرمایه داری نه تنها قادر نیست مسائل مبرم و مشکلات اجتماع معاصر را حل کند ، بلکه آنها را تشدید مینماید . از جمله ، بطوریکه بحران انرژی نشان داد ، سیاست تاراجگران کمپانیهای بزرگ ، چند ملیتی با استقلال ملی کشورها و مجموع پیشرفت اقتصادی زبان وارد میآورد و تاثیرات سوئی در وضع زندگی فرد فرد مردم باقی میگذارد .

بحران معاصر ، بحران تمام جامعه است . این بحران مولود سیستم اجتماعی است که در اواخر بقای آن بسر رسیده ولی هنوز از زمین نرفته و راه را بر انقلاب علمی و فنی بسته است . بحران در عرصه فرهنگ نیز جمیع عواقب زیان بخش سیاست تاراجگران را انحصاراً در آتشکار میسازد . ما اینک چند نمونه از حقایق زندگی امروز مردم فرانسه را بر می شمیریم . هنوز قانون تعدید مدت تحصیل اجباری برای اطفال تا ۱۶ سال بطور کامل بمرحله اجراء نرسانده که هیئت حاکمه با پشتیبانی اکثریت پارلمان قراری را تصویب رسانده است که سرمایه داران امکان میدهند از کار اطفال ( و سایر روایع با ورزایگان استفاده کنند . برای نخستین بار آن بخش از بودجه ملی که به انجام کارهای علمی اختصاص داده شده تقلیل می یابد . یکی از عواقب این اقدام آنست که موسسات بزرگ علمی ناچارند موعد انجام برخی از پژوهش هارا بتمویق اندازند و یا از انجام آنها بکلی صرف نظر نمایند . با آنکه فرانسه در رشته بهداشت یکی از عقب ماندترین کشورهای اروپاست ، فراگرفتن دانش پزشکی بطسور جدی محدود میگردد .

آمار و ارقامی که نشان دهند میزان گسترش فرهنگ میان توده ها است نیز وخامت اوضاع را نشان میدهد . از هر دو فرانسوی یک نفر کتاب و روزنامه نمیخواند . از هر چهار کارگر ، سه نفر و از هر پنج دهقان ، چهار نفر هیچوقت کتاب بدست نمیگیرند . ۱۵ سال است که از تعداد کسانی که به سینما میروند کاسته میگردد و با وجود کوششی که کمیته های اجتماعی موسسات مختلف ، شهرداری ها و علاقمندان به تأثیرمزدول میدارند افرادی که به تئاتر و نمایش میروند ، بویژه طی سال اخیر ، مرتباً تقلیل مییابد .

شاخصی وجود ندارد که گواه وجود بحران در پیشرفت فرهنگ نباشد . حتی بناهایی که مایه فخر و مباهات ما هستند ( بجاست یادآور شویم که روز بروز تعدادشان کمتر میشود ) ، مثلاً ساختمانی که دولت در مرکز شهر پاریس به موزه بزرگ هنر معاصر اختصاص داده همه بمرکز سو استفاده میدهند . . . .

سیاستمداران مدافع منافع سرمایه بزرگ و همچنین حامیان آنها ادعا مینمایند که سواد آموزی و فرهنگ

سیستم آموزش، می‌تواند علم را به انواع معاصی کبیره متهم می‌سازند. بورژوازی که دیگر قادر به ارائه سیستم‌های ایدئولوژیک بمقیاس وسیع نیست، حالت تدافعی بخود گرفته است. بورژوازی با افشاندن تخم شک و تردید و متهم ساختن افراد جداگانه و تبلیغ اندیشه‌های قد ریبون (فاتالیسم) و عجز و ناتوانی جمعی و یا با مداحی و پشتیبانی از شورهای نیپلیسمتی بمشابه آخرین تدبیر و آخرین علاج میکوشد افکار توده‌های مردم را منحرف ساخته و مانع از درک فزاینده و علل بحران گردد. کسانی که مسئولیت "فرهنگ رسمی" را بعهده دارند، بمقیاس هرچه وسیع‌تر از شیوه‌های رژیم‌های دستوری و تضییق و فشار استفاده نموده‌اند. زبان بودجه‌های لازم برای پیشرفت را محدود تر میکنند، در نتیجه آزادی بیان، آزادی خلایق و جویندگی و بسک سخن خود حق استفاده از فرهنگ بخاطر می‌یافتند.

#### وضع روشنفکران و موضع حزب

در چنین اوضاعی وضع روشنفکران هرچه دشوارتر میگردد. اکثریت بزرگی از آنان اینک مانند دیگر زحمتکشان مجبور بفرش کار خود شده و بصورت کارگران مزد بگیر درآمده‌اند. فکری پیدا کردن کار در شواریهایی تفسیر تخصص و آماده شدن برای کاری دیگر برای آنان نیز از گرفتاریهای روزمره است. آنان نیز از بار سنگین مالیاتها، معضل مسکن و وسایل حمل و نقل شهری و بالاخره از بدتر شدن شرایط زندگی در رنج و غمناکند. برای دارندگان مشاغل آزاد اغلب اوقات تنها یک آزادی و آنهم آزادی وابستگی به بانکها و گروه دلالان باقی میماند.

روشنفکران نیز مانند تمام زحمتکشان با عواقب تضاد اساسی نظام سرمایه داری دست بگیر می‌اند. این درگیری بشکل ویژه‌ای انجام میشود ولی اجتناب ناپذیر است. زیرا امروز حتی خود پیشرفت حرفه‌های مختلف، رشته‌های دانش و علوم گوناگونی که روشنفکران با آنها سروکار دارند نیاز به تغییرات عمیق در تمام جامعه دارد. تقسیم روزافزون و مستمر کار رشته‌های علوم، تکنیک، پزشکی و هنر را نیز شامل میشود. این امر موجب پیدایش احتیاجات جدید میگردد و پیش از هر چیز نیاز به فرا گرفتن دانش رشته‌های تازه علوم و ایجاد آنچه گفتمی از کارکنان علمی را بوجود می‌آورد که بتوانند بهتر و بیشتر از تمام وسایلی که در اختیار متخصصان قرار دارد استفاده کنند.

در اجتماعی که شالوده آن بر تلاش برای بدست آوردن سود استوار است افراد متخصص و کارشناسان سطحی و محدود پرورشی یابند. در حالیکه درست بعکس، تقسیم کار تکنیکی معاصر نیاز به هدایت و تعمیم یافته جریانهای پژوهش علمی و تدارک و تعاقب آنها در عمل دارد.

موضع حزب کمونیست فرانسه در این شرایط از چه قرار است؟ برای کمونیست‌های فرانسه تاثیر سیاست فرهنگی موضوع درجه دومی نیست. مابا تئوری فرهنگ بمنزله "مرهم روح" یا نوعی وسیله فرار از واقعیت و بیخودی و فراموشی و نظایر اینها که آندرها را تبلیغ میکند، موافق نیستیم. بنا بر حزب کمونیست فرانسه، سیاست در رشته فرهنگ با سیاست اجتماعی و اقتصادی یک واحد کل را تشکیل میدهند، سیاست در رشته فرهنگ جز ناگسستگی سیاست کلی است. لیت

از دیدگاه حزب کمونیست فرانسه فرهنگ تنها عبارت از هنر و ادبیات نیست، علم، فن، فضا، هنرهای تخصصی، کار جسمی هم جز فرهنگ است، فرهنگ از مختصات تمام مناسبات انسانها در زندگی روزمره آنها است. در جامعه طبقاتی کفاین مناسبات در آخرین تحلیل وابسته به استثمار اند، بناچار فرهنگ هم تحت تاثیر استثمار، رنگ و نشان استثمار را بخود میگردد. حزب کمونیست فرانسه بر این عقیده است که پیشرفت فرهنگ باید در مسیر افکند و شود که پاسخگوی امکانات و سطح دانش معاصر باشد و بنا بر این باید توده‌های مردم و منافع ملی مطابقت کند.

فرهنگ نه وسیله ای تجملی، نه کالا، نه وسیله تفریح و سرگرمی زیبا پرستان است و نه جاره ای برای حفظ تعادل قوای روحی. این یک ضرورت حیاتی است که براهمیتان برای انسان، ملت و جامعه هر چه بیشتر افزوده میگردد. ایجاد نظام دموکراتیک و کوشش برای پیشرفت آن و سپس ساختن سوسیالیسم موجبات پیشرفت شکوفان فرهنگ را فراهم میآورد.

حزب کمونیست فرانسه در تعیین سیاست خود در رشته فرهنگ از سنت های بسیار کهن پیروی مینماید. باید یادآور شویم که این حزب در کشوری پدید آمده است که مبارزه در راه آموزش و پرورش، فرهنگ، دموکراسی و ترقی اجتماعی طی دو قرن با هم ارتباطی نزدیک داشته اند. حزب کمونیست فرانسه وارث کمون پاريس است که بساطت فرهنگی، دانش و هنر بسیار اهمیت میداد. در سال ۱۹۳۶ دوران فعالیت جبهه خلق سیاست کمونیست ها در رشته فرهنگ نه زائد بلکه بخش مهمی از سیاست کلی آنها را تشکیل میداد.

### اتحاد طبقه کارگر و روشنفکران

تاریخ حزب ما ارتباط ناگسستگی با نام نمایندگان روشنفکران فرانسه مانند وایان کوتوریسه، هانری باربوس، آنا تول فرانس، لژ، پیکاسو، لانتون، ژولیو کوری، والون و پولیتزارد، در هر یک از مراحل مهم تاریخ آن " زمان بنیانگذاری حزب، جبهه خلق، دوران اشغال و آزادی فرانسه ) نمایندگان برجسته دانش و فرهنگ در صف مبارزان طبقه کارگر جای میگرفتند.

عضویت این نمایندگان روشنفکران در حزب کمونیست از جمله روشنگر مسائل زیرین است؛  
اولا اعتراف آنان بمنقش پیشاهنگ حزب در تغییر و تحول انقلابی اجتماع که در جریان آن خود فرهنگ نیز دستخوش تغییرات ژرف گردیده و بخدمت اکثریت عظیم مردم در میآید. ثانیا درک این مطلب که چنین دگرگونی و تحولی صرفنآرازد یک عوامل بستگی به وجود اتحاد میان طبقه کارگر و بخش بزرگی از روشنفکران دارد. این موضوع به دقیق ترین وجهی در سال ۱۹۳۶ در هشتمین کنگره حزب کمونیست فرانسه فرمول بند شد. این نظریه علمی که نقش طبقه کارگر را به صاحب اختیار آینده ملت آشکارا میسازد بابتکار موريس تورو ز تحقق پذیرفت.

سیاست اتحاد طبقه کارگر و روشنفکران امروزه نیاز مبرم و عمیقتری مبدل میگردد. والدك روشه کمی بعد از حوادث ماه مه سال ۱۹۶۸ نشان داد که چنین اتحادی از مسائل درجه اولی است که آینده جنبش دموکراتیک و انقلابی در کشور ما تا حد زیادی به محل آن بستگی دارد.

درواقع نیز بر تعداد روشنفکران اینک بسیار افزوده شده است. نقش آنان در تولید بطور مستقیم و بلاواسطه افزایش یافته است. تعداد هر چه بیشتری از نمایندگان روشنفکران با پیشه ها و حرفه های گوناگون به پروسه کار تولیدی جلب میشوند و این خود موجب بالا رفتن ارزش و اهمیت آنها در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سیاسی میگردد. طبقه کارگر و روشنفکران طی دوران تاریخی طولانی در روند انقلاب بدون تردید نقش مختلفی ایفا خواهند کرد، ولی هر دو این نقش ها در ماهیت امر متوجه هدف واحدی است.

از میان روشنفکران گروه مهندسان و تکنیسین ها، همانند طبقه کارگر رهسته مرکزی تولید سرمایه داری قرار دارند. این گروه بلاواسطه ماهیت استثمارگرانه این تولید را با پوست و گوشت خود احساس میکنند و واکنش شدیدی نسبت به اتلاف ثروت های ملی و شیوه های بوروکراتیک و دستوری اداره امور از خود نشان میدهند و قادر است سهم خود را در مبارزه در راه اعتلای جنبش دموکراتیک ادانمایند. سایر قشرهای روشنفکران نیز میتوانند فعالیت مستقلی را آغاز کرده و موفقیت هایی بدست آورند، البته این در صورتی است که آنها مجموعه فاکت های زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی را بحساب

آورند . بودجه دولت و خدمات عمومی ، سیاست دولت در زمینه بهداشت و فرهنگ و افشای سوء استفاده از اموال غیر منقول ، اینها همه بلاواسطه به عرصه فعالیت آنان مربوط میگردد . اینک تعداد هرچه بیشتری از نمایندگان روشنفکران قربانی سیاست گروههای بزرگ انحصار داران براجتماعی گردند . باین ترتیب نزدیکی منافع و اتحاد تمام روشنفکران با دیگر زحمتکشان ، نفعهای خاطر مبارزه با سرمایه داری بلکه بمنظور تحقق گذار به جامعه نوین ، به یک واقعیت تبدیل میشود . مناسبات و موضع طبقه کارگرنسبت به روشنفکران در واقع مناسبات میان نیروهای بی اندازه مهم اجتماعی است .

پیشنهاد کمونیستها چیست ؟

بوروکراسی بزرگ با درک این موضوع یگانه را محل را در حفظ سلطه ایدئولوژیک خود بر روشنفکران میداند ، زیرا روشنفکران در عین آنکه قشری از اقسام اجتماع را تشکیل میدهند ، نوعی وسیله تاثیر ایدئولوژیک در توده های مردم نیز میباشند . از این نقطه نظر کار فعال سیاسی و ایدئولوژیک میان روشنفکران اهمیت ویژه ای کسب میکند .

حزب کمونیست فرانسه در زمینه مسائل سیاسی به روشنفکران و به تمام زحمتکشان برنامه مشترک دولتی را که حزب کمونیست ، حزب سوسیالیست و رادیکال چپ امضاء کرده اند عرضه میدارد . این برنامه مشترک دولتی ، برنامه ایست که به سود فرهنگ نیز میباشند . دلیل آن پیش از هر چیز این است که سیاست اجتماعی مندرج در آن شامل چنان تدابیری است که انجام آنها به زحمتکشان امکان میدهد تا بهتر زندگی کنند و به نابرابری های اجتماعی پایان میدهد و راه را برای تحولات متوسطه و عالی اکثریت بزرگی از کودکان کارگران و کشاورزان میگشاید .

این برنامه در عین حال بسود فرهنگ نیز هست زیرا سیاست اقتصادی که در آن پیش بینی شده به پیشرفت دانش و فن کمک میکند و آنرا از سلطه قوانین بهره و منفعت آزاد مینماید . مبالغه نخواهد بود اگر گفته شود تدابیری که برای ملی کردن در این برنامه در نظر گرفته شده در عین حال یکی از تدابیر عمده برای پیشرفت فرهنگ مندرج در برنامه است .

این برنامه از این نقطه نظر نیز که بنا بر ماهیت خود در موکراتیک میباشد بسود فرهنگ خواهد بود . شرکت واقعی تمام مردم در اداره امور تمام رشته های زندگی اجتماعی و مسئولیت شدید هر فرد بنوبه خود انگیزه فرهنگی نیز میباشند که به نیاز روز افزون به کسب اطلاعات ، معلومات و تبادل نظر بستگی دارد . بالا رفتن سطح مسئولیت هر فرد در برابر اجتماع بیکای از ضامن های آزادی بیان و خلاقیت و امکان برخورد عقاید تبدیل میگردد .

در شرایط کاملاً نوین در موکراسی اقتصادی و سیاسی مجموع تمام فعالیت های فرهنگی هدف و مضمون تازه ای کسب میکند . تدابیر ویژه ای نیز که در برنامه پیش بینی شده و شان نزول آنها تا همین شرایط مساعد برای شکفتگی فرهنگ ، تضمین آزادی خلاقیت و ایجاد شرایط مادی و اجتماعی برای پیشرفت تمام روشنفکران میباشد به این امر کمک خواهند کرد .

حزب کمونیست روشنفکران را برای انجام عملی برنامه مشترک دعوت به وحدت با تمام زحمتکشان میکند . فقط جنبش نیرومند اکثریت مردم برای تحقق آن امکان فراهم میآورد . روشنفکران در این جنبش نقش خاصی بعهده دارند . روشنفکران بخش جدایی ناپذیر چنان وحدت توده ای هستند که کمونیست ها از آن طرفداری میکنند و طبقه کارگرنسبت به مرکز آنرا تشکیل میدهد .

خواستهای توده های مردم برای یک زندگی بهتر و شکل در موکراتیک با مطالبات روشنفکران در باره شرایط جدید کار و هم میآید . مبارزه در راه ارضای خواستهای مردم از مسکن و وسائل حمل و نقل



و پدید آمدن و شهرسازی و آموزش و پرورش تا بهبود شرایط کار و کیفیت زندگی امکانات زیادی بر سرای فعالیت روشنفکران فراهم میآورد. فعالیت توده‌های مردم و روشنفکران وابسته به یکدیگر است و هدف از آنها مبارزه بر ضد سیاست انحصارات سرمایه داری و ایجاد تغییرات بنیادی در آنست.

خط مشی حزب در عرصه ایدئولوژیک در سال ۱۹۶۶ در پلنوم کمیته مرکزی در آرژانتا تعیین گردید. این خط مشی که از پخته آزمایش زمان بدآمده امروز نیز پایه فعالیت کمونیست‌ها و سازمانهای حزبی را تشکیل میدهد. مثلاً پس از حوادث سال ۱۹۶۸ یعنی زمانی که گرایش " وارد کردن بیشتر از حد سیاست در فرهنگ "، یعنی گرایش که ایستادگی در برابر آن لازم بود، پدید آمد، مایکبارد یگر تصریح کردیم که خلاقیت هنری را منحصربه سنجش سیاسی کردن بمعنی فقر هنر و سیاست است. در عین حال ما مخالف با تئوری رایج بیطرفی و غیر حزبی بودن واهی فرهنگ هستیم. امروزه بر میزان کوششهایی که به پشتیبانی هیئت حاکمه برای یافتن تعریف نوی برای هنر رسمی بعمل میآید تا خصلت حقیقی و اصلی آنرا زیر نقاب مد رئیس پنهان نمایند، افزودن میگردد.

حزب کمونیست بطور پیگیر خواستار آزادی خلاقیت و طرفدار لزوم جستجوی اشکال تازه قیاس مکاتب و گرایشهای گوناگون است. ولی التقاطیون از این قضیه خرسند نیستند، زیرا کمونیست‌ها در مسئله اهمیت خلاقیت در زندگی اجتماعی بهیچوجه نمیتوانند بی تفاوت و بیطرف باشند. بطور مثال برای فیلمی که مبارزه طبقه کارگر را مخدوثر میکند، یا حقایق را به تنگام تشریح حوادث مهمی نظیر جنبش مقاومت تحریف مینماید، حتی اگر از نظر هنر سینما نیز کیفیت آن مورد تایید باشد نمیتوان ارزش مثبت قائل گردید.

موضع حزب در پلنوم کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه در آرژانتا در این مورد چنین معین شده بود: " پیشرفت دانش نیاز به بحث و پژوهش دارد. حزب کمونیست تصمیم ندارد مانع چنین بحث‌هایی گردد و یا حقایق از پیش معلوم و مشخص شده‌ای را بر کسی تحمیل نماید و یا بطریق اولی از مباحثاتی که میان کارشناسان جریان دارد جلوگیری بعمل آورد.

خلاقیت علمی بدون پژوهش و جستجو، بدون وجود جریانها و مکاتب گوناگون و برخورد میان آنها بی معنی است. حزب فعالیت و دستاورد های روشنفکران خلاق را در پیشرفت ترقیات جامعه بشری، دستاوردی را که برای کسبان آزادی اندیشه و تصور، ذوق و نوآوری بکار گرفته شده، ارزش می‌نهد و از آنها پشتیبانی میکند. حزب میکوشد تا روشنفکران خلاق مواضع ایدئولوژیک و سیاسی طبقه کارگر را درک نموده و از آن حمایت کنند.

کمونیست‌ها باین دلیل که کوشش خود را متوجه بدست آوردن آزادی واقعی و اصل و شکفتگی فرهنگ نموده‌اند در موضع تعرضی قرار دارند.

#### درک ما از انقلاب فرهنگی

در دسامبر سال گذشته حزب ما بیست و پنجمین سالگرد مجله " نوول کریتیک " را برگزار نمود. رولان لوروا، عضو بوروی سیاسی و دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست فرانسه ضمن سخنرانی خود در میتینگی که بدین مناسبت تشکیل یافته بود درباره بسیاری از مسائلی که اکنون برای کمونیست‌ها مطرح است سخن گفت و موضع حزب کمونیست را در امر ساختن سوسیالیسم یعنی مسئله‌ای که نه تنها در فرانسه بلکه در تمام کشورهای سرمایه داری در دستور روز قرار گرفته تشریح کرد.

ضمن اشاره به مسئله انقلاب فرهنگی که درباره آن اینک بسیار مینویسند و گفتگو میکنند این موضوع را بدقت روشن کرد که انقلاب سوسیالیستی مجموع انقلابهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک نیست. او گفت: " انقلاب جریان واحدی است که اجزای متشکله آن با سرعت‌های مختلف

پیشرفت میکنند ، ولی نیروی محرکه آن در تحلیل آخر انقلاب در عرصه مناسبات تولیدی است که بر پایه پیشرفت نیروهای مولده که با ورعینی به گسترده ترین شکل اجتماعی شدن تولید می انجامد صورت میگیرد . هیچوقت انقلاب فرهنگی مجزی وجود نخواهد داشت ، همانطور که انقلابی هم که با انقلاب فرهنگی آغاز شود وجود خارجی ندارد . ایدئولوژی و فرهنگ از اعماق زندگی اجتماعی که منشا آنهاست سرچشمه میگیرند . انقلاب در عرصه مناسبات تولیدی جان انقلاب در ایدئولوژی و فرهنگ را نمیگیرد ولی چنین انقلابی ضروری است ، زیرا بدون آن هر انقلاب ایدئولوژیک و یا فرهنگی به آرزوینداری پوچ و یا بازی مبدل میشود " .

انقلاب فرهنگی استعداد ها و نیروی خلاقه زحمتکشان را آزاد میکند ، درهای دانش و فرهنگ را بروی طبقه کارگرو توده های مردم میگشاید و امکان اشتراک روشنفکران را در اموری که بسود تمام اجتماع است گسترش میدهد . به رهائی مناسبات اجتماعی از تضاد میان کارجمی و فکری کمک میکند ، در برتواستفاده از علوم در تمام رشته های زندگی پژوهش و نوآوری را توسعه داده و به اخلاقیات ادبی و هنری نیروی تازه می بخشد . سومبالمصم شرایط لازم را برای پیشرفت کامل روشنفکران و تمام زحمتکشان در زمینه های اجتماعی ، فکری ، اخلاقی و سیاسی فراهم میآورد .

مبارزه در راه برآوردن خواسته های روشنفکران ، کوشش در راه کمک بآنان برای درک حلیل عمیق همبستگی با طبقه کارگر و احراز مقام شایسته در جنبش بزرگ تاریخی که در حال پیشرفت است یکی از عناصر مهم فعالیت حزب کمونیست فرانسه را تشکیل میدهد .

هزاران تن از نمایندگان روشنفکران در صفوف حزب ما هستند . آنان نیز از همان حقوقی برخوردارند که سایر اعضای حزب دارند و وظائف آنها نیز نظیر وظائف دیگران است . آنان تنها افرادی هستند که میتوانند کار را لازمی را که بطور جدائی ناپذیر به حرفه و تخصص آنان وابسته است ، هر روز میان همکاران خود انجام دهند . حزب همبوه های لازم و اشکال سازمانی را که بروشنفکران امکان میدهد تا به فعالیت شددیدی بسود تمام جنبش دست زنند مشخص کرده است .

در امر اتحاد طبقه کارگرو روشنفکران ، بدون تردید ، موفقیت هائی حاصل گردیده است ولی علاقه تعداد بیشتری از فرانسویان به دگرگونیهای ژرف سیاسی نیاز به تحکیم و توسعه این اتحاد دارد . کمونیستهای فرانسه بکار خود در انجام این وظیفه ادامه میدهند .

## دیالکتیک کاهش تشنج بین المللی

### بیان پراژسکی

سومین دیدار اتحاد شوروی و آمریکا در سطح عالی نیز، مانند دیدار نخستین، توجه فراوان محافظ اجتماعی جهان را بخود جلب کرد و وسیله از تفسیر و اظهار نظرهای گوناگون برانگیخت. امروزه پراژسکی شدن چندین هفته از انتشار اسنادی که در مسکو با مصافحه رسید، یک سری موافقتنامه های جدید و مهمی که میان اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا رد و بدل گردید بدقت بررسی میشود به بحث و مذاکره گذاشته میشود و مورد سنجش قرار میگیرد. اکثریت رجال دولتی و سیاسی و همچنین نمایندگان مطبوعات جهان نتایج مثبت این دیدار و نیروی محرکه ای را که به سیاست ادامه کاهش تشنج بین المللی بخشید، یادآور میشوند. البته این جریان کم اهمیتی نیست.

روند کاهش تشنج و عادی ساختن مناسبات بین المللی، بنابه سرشت و ماهیت خود نیازمند به پیشروی است. این جریان میتواند متوقف گردد و یاد ریجکارد رجا بزند، زیرا هرگونه تعلل و هراس و قف ای در پیشرفت فزاینده آن خطر بازگشت به عقب را در بردارد و خطرات عود "جنگ سرد" را فراهم میآورد. محققان مخالفان کاهش تشنج، بهمین سبب در آستانه آغاز این دیدار میکوشیدند تا به انواع وسائل نسبت به نتایج ممکنه آن بدبینی ایجاد کنند. این واقعیتکه مذاکرات نیستی شوروی و آمریکا در سطح عالی برای برداشتن گامهای جدیدی بجلودر پیشرفت مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا امکان فراهم ساختند و به یافتن راهحل برای معضلات فراوانی که صلح همگانی و امنیت خلقها وابسته بدانهاست کمک کردند دارای اهمیت بیشتری است.

در قرارهای شوروی سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی، هیئت رئیسه شورای عالی شوروی و وزیران اتحاد شوروی که فعالیت هیئت نمایندگی اتحاد شوروی را در مذاکرات با ایالات متحده آمریکا تایید کرده اند، با حقانیت کامل گفته شده است که این مذاکرات "گام بزرگ و تازه ای در بهبود مناسبات شوروی و آمریکا است و به کاهش بیشتر تشنج بین المللی و برقراری اصول همزیستی مسالمت آمیز کشورهای دارای سیستم اجتماعی گوناگون در مناسبات بین المللی کمک میکند و تمام اینها بسود خلقهای اتحاد شوروی و سوسیالیستی ایالات متحده آمریکا و بسود استواری صلح در تمام جهان است". در این اسناد با خشنودی قید شده است که در پرتو انجام عملی پیگیر برنامه صلحی کسپه بیست و چهارمین کنگره حزب کمونیست اتحاد شوروی بتصویب رسانید طی دو سال اخیر مناسبات شوروی و آمریکا چرخش مثبت بنیادی پدید آمد.

بطوریکه از اظهار نظرهای متعدد در هیران کشورهای سوسیالیستی برمیآید آنها نیز از فراوان نتایج مذاکرات شوروی و آمریکا در سطح عالی تایید میکنند و آنرا پیروزی مشترک سیاست صلح دوستانه سوسیالیسم میدانند.

احزاب برادر کشورهای سرمایه داری نیز از کوششهای اتحاد شوروی که هدفشان برقراری اصول همزیستی مسالمت آمیز در مناسبات بین المللی و برطرف ساختن خطرات جنگ جهانی هسته ایست پشتیبانی میکنند. بطور مثال، گس هال، دبیرکل حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا این نظر

راتا بید میکند که مبارزه در راه کاهش تشنج بین الملی اقدام فوق العاده مهمی برای رها سازی جهان از فاجعه هسته ایست . او میگوید ، کاهش تشنج صرفنظر از مسائل دیگر ، به تحکیم موضع تمام نیروهای مترقی منتهی میگردد . زیرا کاهش تشنج آلترناتیف " جنگ سرد " است که با آغاز آن ارتجاع و نزاع پرستی جان میگیرد ، تعقیب و آزار و موکراتها شدت مییابد ، قوانین ضد کارگری مورد اجرا گذارد میشود و آنتی کمونیسم رواج داده میشود .

ارگان مرکزی کمونیست های فرانسه ، روزنامه " اومانیته " چنین اظهار نظر کرده بود که سومین دیدار شوروی و امریکادرسطح عالی " در تاریخ همزیستی مسالمت آمیز مقام مهمی احراز خواهد کرد " در واقع عادی شدن پیگیر مناسبات میان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکاستهاسود خلق های شوروی و امریکانست . در اوضاع و احوال دوران کنونی هیچ بنای صلح بین الملی بدون آنکه زیربنای قابل اعتمادی ، نظیر همکاری و اعتماد متقابل در کشور بزرگی که بکاملترین وجهی نمایشگر دوسیمتد اجتماعی عمده دوران ما هستند ، داشته باشد ، نمیتواند محکم و پایدار باشد .

خدمت تاریخی حزب کمونیست اتحاد شوروی و دولت شوروی به تمام جامعه بشری در این است که علیرغم موانع مشکلات و دشواریها ، آنها موفق شدند با قاطعیت برپویه " جنگ سرد " غلبه کنند و مناسبات شوروی و امریکارا بهسیر حدید یعنی سیر همزیستی مسالمت آمیز و همکاری در سوق دهند . اتحاد شوروی با استفاده از تناسب جدید و مساعد نیروهای جهانی بران امر صلح و سوسیالیسم ، توانست ایالات متحده امریکارا و اداره واقع بینی و صرف نظر کردن از برخی دکترین های سیاست خارجی گذشته که منولود آنتی کمونیسم و آنتی سوسیالیسم کورکورانه بودند ، بنماید . ایالات متحده امریکابامضای اسناد مربوط به اصول روابط متقابل با اتحاد شوروی در ماه مه سال ۱۹۷۲ بالاخره مجبور شد پذیرفتن این واقعیت شد که " در عصر ما ، اساسی برای اینکه با اتحاد شوروی مناسبات غیر از همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد ، وجود ندارد " . منطق همزیستی که برتری همکاری را آشکارا نشان داده بود ، از همان زمان رهبران امریکارا بر آن داشت تا گام دیگری جلوسر بردارند و با این اصل موافقت نمایند که غیر قابل بازگشت نمودن پروسه کاهش تشنج امر ضروری است . یکسال پیش اتحاد شوروی چنین اندیشه را مطرح ساخت و ما امروز آنرا در اعلامیه مشترک شوروی و امریکامورخ سوم ژوئیه ۱۹۷۴ می یابیم . در این اعلامیه اعتقاد عمیق هر دو طرف " باین ضرورت مبرم که جریان بهبود مناسبات شوروی و امریکارا میباید غیر قابل بازگشت نمود " منعکس گردیده است .

در این اواخر ما بارها شاهد کوششهای برخی از رجال سیاسی بورژوازی و ارگانهای مطبوعاتی اروپای غربی بوده ایم که خواسته اند بر علیه اتحاد شوروی چیزی شبیه به " صحت حسد ورزی " راه بیندازند . توضیح آنکه اتحاد شوروی را متهم میکردند که گویا به پیشرفت مناسباتش با ایالات متحده امریکا توجه زیادی میدول میدارد و میکوشد بحساب کشورهای سوم با امریکا به تفاهم متقابل برسد . حتی امروز هم کسانی پیدا میشوند که عادی شدن مناسبات اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکارا " خطری " برای خود بشمار می آورند .

سوء نیست و خصلت مولد یانه چنین نظریاتی که ملامت روشن است . زیرا بهبود مناسبات شوروی و امریکاستهبا بخش مهمی از پروسه گسترده کاهش تشنج بین الملی است که بابتکار اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و به پشتیبانی جنبش کمونیستی بین الملی و محافل مترقی جهان آغاز گردید و راه پیوستن بدان برای تمام کشورها باز است . چه کسی نمیداند که همزمان با بیداریش چرخش بنیادی مثبت در مناسبات اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکا ، چرخش مثبتی که دست کمی از آن ندارد ، در مناسبات اتحاد شوروی با جمهوری فدراتر آلمان پیدا آمد ؟ آیا روابط نزدیک دوستی کهن میان اتحاد شوروی و فرانسه سال بسا استوارتر نمیگردد ؟ پس همکاری شریکتر با

ایتالیا، اتریش، ژاپن و کشورهای بزرگ و کوچک متعدد دیگر را چه میگوئید؟ بالاخره این نیز واقعیتی است که محیط مناسبات بین المللی باور کلی بهبود یافته است... خیر، برای کمترین "حسد ورزی"، کوچکترین دلیلی وجود ندارد. لفاظی بی معنی درباره خطر "سازش شوروی و آمریکا" (یا مترجمه از زبان چینی، — "سازش دوا بر نیرو") اکنون نوعی از آنقی سویتسیسم مدرن روز شده است که اغلب از آن برای پنهان کردن عدم تمایل به پیوستن به روند کاهش تنشج بین المللی استفاده میشود.

در جریان سومین دیدار شوروی و آمریکا در سطح عالی و بلافاصله پس از پایان آن تمام اسنادی که از طرف شرکتکنندگان در آن با مضا<sup>۱</sup> رسیده بود مانند قراردادها، موافقتنامهها، پروتکلها و اعلامیهها و بیانیههای مشترک بطور گسترده انتشار یافت. این امر ضرورت تشریح مفصل قرارهای بتصویب رسیده را از بین میبرد. اما تصریح و تکرار مجدد این موضوع که در همکاری، که از همان آغاز این مرحله از مناسبات شوروی و آمریکا بچشم میخورد در تمام جهات بدون استثنا<sup>۲</sup> پیشرفت حاصل شده و حائز اهمیت است. بسیاری از وظائفی که طرفین در گذشته بمعهد گرفته بودند در این دیدار مشخص تر شد و میزان پراختی<sup>۳</sup> فرمول بندی گردید و برنامه ای هم برای آینده در نظر گرفته شده است. در باره ابتکارهای جدید و مهم و تهیه موافقتنامههای تازه بی<sup>۴</sup> — نتیجی توافق حاصل گردیده است. این ادامه کاری را که در جریان هر سه دیدار شوروی و آمریکا در سطح عالی حفظ شده، تمام کسانی که میخواهند درباره مقیاس کاری که انجام گرفته بد رستی قضاوت نمایند، بدون تردید باید بخاطر بسیارند.

رفیق برژنف در سخنرانی خود در جلسه پرشکوه پارلمان جمهوری توده ای لهستان در ۲ ژوئیه سال جاری اساسی ترین و مهمترین نتایج دیدار اخیر را با این اظهارات مشخص کرد: "بعقیده ما اصل مطالب در این است که هر دو طرف با روشنی کامل عزم را سخ خود را برای ادامه امر بزرگی که در سالهای ۱۹۷۳-۱۹۷۴ آغاز گردید تایید کردند و خاطر نشان ساختند که برای کاستن وسوسه بطور کامل از بین بردن خطر درگیری نظامی میان اتحاد جماهیر شوروی و ایالات متحده امریکا که بمنزله آغاز جنگ موشکی — هسته ای جهانی میمورد از هیچ کوششی فروگذار نخواهند کرد".

در عین حال در جهان سرمایه دار و از جمله در خود ایالات متحده امریکا، مخالفان کاهش تنشج اکنون بی<sup>۵</sup> میل نیستند که خود را در نقش منفذین دیدار مسکو، باین سبب که گویا باندازه کافی شریختر نموده، جلوه گرزازند. عده ای از این خوششان نمیآید که مذاکرات با شوروی همچنان همراه نبود و در جریان آن هیچ سند<sup>۶</sup> دراماتیکی<sup>۷</sup> با مضا<sup>۸</sup> نرسید. برخی دیگر از اینکه، طبق قضاوت آنان نتیجه دیدار بسیار ناچیز بود و با قی<sup>۹</sup> و قال اظهار<sup>۱۰</sup> "یا س و نو صید ی" میکنند.

این موضوع که عنوان<sup>۱۱</sup> "دراماتیکی" بر آن ارزیابی اسناد سیاسی شایسته است یانه قابل بحث است. با این وصف اگر از این اصطلاح استفاده نکنیم، بجزرات میتوان گفت که یک سلسله از اسنادی که با مضا<sup>۱۲</sup> رسید و از جمله سند مربوط به امتناع د اوط<sup>۱۳</sup> بیانیه هر دو طرف از ایجاد د زمین منطقه دفاع ضد موشک و یا محدود ساختن<sup>۱۴</sup> "ابماد قدرت" آزمایشهای زیرزمینی را در واقع و تمام و کمال از این مقوله عینان بشمار آورد. اما صحبت بر سر این موضوع نیست. همینکه سومین جلسه مشاوره سران شوروی و آمریکا، و آنهم در ظرف دو سال، دیگر بدون جار و جنجال تبلیغاتی برگذار گردید خود در واقع یک پدیده کاملاً شورانگیز است. زیرا این امر گواه بر آنست که د نیاجه زود به خصلت تازه وسازند<sup>۱۵</sup> مناسبات میان دو کشور بزرگ که تا همین چند پیش در مرحله باریک درگیری خطرناک بین المللی بود و بسطح این مناسبات عادت کرده است.

د درباره نتایج بدست آمده، همینقدر میتوان گفت که طبیعت انسانی همیشه طالب افزونی و بیشتر<sup>۱۶</sup>

است . در مورد انسانهایی که برای نخستین بار در ریاضی بینند روایت میکنند که بنظر آنها در ریاضی  
 میتوانست باز هم کمی بزرگتر باشد . . . . ولی بدون مزاح باید گفت : طبیعی است که اگر مجموعه  
 قرارهایی که در جلسه مشاوره در سطح عالی بتصویب رسید دامنه گسترده تری داشت بسیار عالی  
 میبود . بجاست گفته شود که برای این کار امکان هم وجود داشت . از جمله اتحاد شوروی پیشنهاد  
 کرد موافقتنامه ای منعقد شود که طبق آن تمام آزمایشهای زیرزمینی سلاح هسته ای کاملاً قطع  
 گردد و در باره خروج تمام کشتی ها و زیر دریاییهای شوروی و آمریکا که حامل سلاح هسته ای اند از  
 دریای مدیترانه موافقت بعمل آید . متاسفانه فعلاً توافق بر سر این مسأله ممکن نگردید . باید  
 مشکلات ، پیچیدگی ها و حدت معضلاتی را که روی هم انباشته شده بحساب آورد . ولی هرگاه در  
 نظر ریگیم که دوران بهمبودن مناسبات شوروی و آمریکا در حقیقت چقدر کوتاه است وجه بزرگی را ،  
 " جنگ سرد " به ارث باقی گذارده میباید بیشتر از این در شگفت بود که طی زمانی نه چندان دراز  
 چه نتایج فراوانی حاصل شده است .

نکته دیگری را نیز باید در نظر گرفت و آن اینکه اتحاد شوروی و ایالات متحده آمریکا بد سیستم  
 اجتماعی متضاد تعلق دارند ، دوشیوه مختلف تولید و سیستم متفاوت مالکیت را عرضه میدارند و  
 بیانگرمنافع طبقاتی مختلف هستند . در مناسبات اتحاد شوروی و آمریکا روشنی دیده میشود که  
 سیاست همزیستی مسالمت آمیز عبارت از تلفیق دیالکتیکی همکاری و مبارزه است . اتحاد شوروی و  
 دیگر کشورهای سوسیالیستی ، در عین دفاع از صلح و اندیشه همزیستی مسالمت آمیز و همکاری بین  
 المللی در حل مسائلی که منافع تمام جامعه بشری را در بر میگیرد ، از سیاست اصولی طبقاتی پیروی  
 مینمایند . هیچکس و در هیچ موردی نباید انتظار داشته باشد که منافع سوسیالیسم ، طبقه کارگر  
 جهان و جنبش آزادی بخش ملی خلقها را در محراب همزیستی مسالمت آمیز قربان نمایند . اما روش  
 طبقاتی اصولی در سیاست خارجی بهیچوجه بمعنی نداشتن ترس و عدم توانایی در یافتن راه حل  
 هایی که برای هر دو طرف قابل پذیرش باشد ، نیست . خود همین تجربه عادی ساختن مناسبات  
 شوروی و آمریکا نشان میدهد که چه نتایج بزرگی بدون صرف نظر کردن از مواضع طبقاتی و اصول عقاید  
 خود ، بنفع صلح و امنیت خلقها میتوان بدست آورد .

نباید این را نیز نادیده گرفت که هرگامی در جهت کاهش تنشج نیاز به بر طرف ساختن موانع  
 بسیار دارد و در جریان مبارزه برداشته میشود . محاف بانفوذ امپریالیستی هم دوری خود را از سال  
 های تیره و تار " جنگ سرد " پنهان نمیکند . بعقیده آنان ، جنبش در راه عادی کردن مناسبات  
 بین المللی بدون این حرفها نیز با سرعت زیادی به پیش میرود و ایالات متحده آمریکا گویا سبزه  
 " گذشتهای " فوق العاده ای بسود اتحاد شوروی تن در میدهد . از گوشه و کناره های اعتراض  
 سیاستمداران مرتجع بگوش میرسد که به " متوقف کردن " روند کاهش تنشج بین المللی و مشروط  
 ساختن آن با قید و شرط هایی که با آگاهی قبلی برای کشورهای سوسیالیستی غیر قابل پذیرش باشد  
 دعوت میکنند .

دلالتان مختلف سیاسی صد ابصدای هم داده ، پیشنهاد میکنند که کاهش تنشج را بایسد  
 " گران تر بفروش رسانید " ، باید اتحاد شوروی و دیگر کشورهای جامعه کشورهای سوسیالیستی را مجبور  
 کرد تا در مقابل کاهش تنشج ، باگشودن دریچه های سد برای نفوذ ایدئولوژی بورژوازی ، در زمینه  
 ایدئولوژی گذشتهای بکنند . برای ایجاد این تصور که چنین حسابهای گویا شانسر موفقیت دارند  
 این روایت نادرست را رواج داده اند که اتحاد جماهیر شوروی و جهان سوسیالیسم بطور کلی گویا  
 نیاز فوق العاده به " تکنولوژی و کالا های غربی " دارند و رازای آنها برای هرگذشتی آماده اند .  
 آیا لازم است بگوئیم که سازندگان این جعلیات افترا آمیز صاف و ساده خود را بگران را فریب میدهند!



همه میدانند که اتحاد شوروی حتی در شوارترین روزهای تاریخ خود تحت تاثیر شانتاژ امپریالیست ها قرار نمیگرفت . پس امروز بعضی در ورانی که جهان سوسیالیسم در عین شکستگی اقتصاد و نیرومندی علمی وقتی است ، این شانتاژکنندگان روی چه حساب میکنند ؟

باید یاد آور شد که نه فقط رجال جهان سرمایه داری که خود پسندی طبقاتی آنانرا کوکرو کرده ساخته برای درک انگیزه های سیاست خارجی سوسیالیسم و علاقه شدید آن به آرمانهای صلح و همکاری میان خلقها از خود بی استعدادی نشان میدهند . این روزها عناصر رنگارنگ چپ گرامانند تروتسکیست ها ، آنارشیت ها ، مائوئیست ها و دیگر نمایندگان جریانهای افراطی چپ نیز همین بی استعدادی را ظاهر میسازند . برای آنان هم دیالکتیک روند کاهش تشنج بین الطلی یعنی تلفیق همکاری و مبارزه کتابی است که در پیر هفت در بسته مهر و موم شده . آنان که از درک ویژگیها و خواستههای این لحظه تاریخی عاجز از سهم و افترا نسبت به اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی دست برنمیدارند و آنها را به " از دست دادن روحیه انقلابی " ، امتناع از پشتیبانی نیروهای انقلابی ، " ساخت و یاخت " با امپریالیسم و دیگر معاصی کبیره متهم میکنند . سیاست همزیستی مسالمت آمیز بنظر آنان چیزی دیگر غیر از تسلیم بدون قید و شرط در برابر دشمن طبقاتی نیست .

" قهرمانان جملات چپ " معاصر هیچ طریقی نمیتوانند از این مسئله سردرآوردند که در اوضاع و احوال تاریخی که پیش آمده مهمترین وظیفه انقلابیون جلوگیری از آغاز تعداد هستهها در جهانی و نتایج موجودیت فیزیکی خلقها از سو " قهد امپریالیسم است - زیرا در غیر این صورت تمام گفتگوها در باره در نما آزادی ملی و اجتماعی آنان به حرفی پوچ و بی معنی مبدل میگردد . کوشش برای درنگها مقابل یکدیگر قرار دادن سیاست انسانی و ضد جنگ یکان های پیشرو طبقه کارگر جهانی با هدفهای غاشی طبقاتی او تنها گواه نادانی و یا جعل و تحریف آگاهانه آن " تئوریسمین های " چپ نمائی است که باین کار اشتغال دارند . کتکهای سوسیالیسم به دیگر نیروهای انقلابی هم به اندازه کافی و بمقیاس وسیع معلوم است و تکنیک جعلیات مفتریان دیگر ارزش ندارد . فیدل کاسترو به تمام کسانی که اتحاد شوروی را بخاطر اینکه گویا از مبارزه ضد امپریالیستی سر باز میزند تنقید میکنند ، جواب خوبی داد و گفت فقط کافی است آنها از خودشان بیرسند نیروهای رهائی بخش در آفریقا و آسیا و امریکا لاتین از کجا اسلحه بدست میآورند .

عدم درک سرشت دیالکتیکی پروسه کاهش تشنج بین الطلی گاهی نیز گرایشهای اپورتونیستی راست یعنی سهل انگاری و فراغ خاطر نسبت به نیروهای امپریالیستی بوجود میآورد . سخت جانی اندیشه " همگرایی " در سیستم از جمله دلائل اثبات این قضیه است ، اگرچه حالا دیگر اینطور بنظر میرسد که برای همه باید روشن شده باشد که تهیه یک کوکتیل از سرمایه داری و سوسیالیسم همانقدر غیر ممکن است که تهیه یخ گرم .

گاهی ما با انواع دیگر تمسیرهای نادرست کاهش تشنج بین الطلی و عادی شدن مناسبات میان اتحاد شوروی و ایالات متحده امریکانیزیز خورد میکنیم . برخی از رجال کوتاه بین کشورهای در حال رشد آماده اند چنین نتیجه گیری کنند که گویا دوران قطبیت نیروهای طبقاتی در عرصه بین الطلی بسر رسیده ، گویا اختلاف اصولی میان سیاست خارجی کشورهای سوسیالیستی و سرمایه داری از بین رفته و حالا دیگر با احساس امنیت کامل میتوان در آغوش این یا آن کشور امپریالیستی جا گرفت .

تردید نیست که خود زندگی و سیاست عقلی بالاخره چنین پندارهائی را بر طرف خواهند کرد . ولی تا آنوقت این قبیل نظریات میتوانند زیانهای بسیاری وارد آورند ، بویژه اگر کوشش شود تا یکمک آنها توده ها را بفریبند .

حوادث دوران اخیر برای خلقها بمنزله هشدارباش بود تا دریابند که در اوضاع و احوال گاهش تشنج بین المللی سیاست امپریالیستی بطور مداوم آبیستن خط ارتجاع و تجاوز است . وقایع قبرس و آنچه در اطراف آن میگردد حلقه دیگری از این زنجیر هشدارباش بود . این وقایع روش در دست اتحاد شوروی را که خواهان تعمیم گاهش تشنج در مقیاس جهانی است بار دیگر تائید نمودند . شورش نظامی فاشیستی که وسیله خونخوری آن در قبرس براه افتاد و عملیات جنگی ناشی از آن بار دیگر نشان دادند که صلح در یک سلسله از مناطق کره زمین تا چه حد شکننده و بیپایه است . نقض خطرناک پیمان تجاوزکارانه آتلانتیک شمالی که مدتهاست کمونیست ها آنرا خاطر نشان ساخته اند ، یعنی نه فقط نقض مرکز مقاومت در برابر گاهش تشنج بین المللی ، بلکه نقض سازمان دهنده تحریکات خطرناک نظامی - سیاسی آن نیز باشدت بیشتری نمایان گردید . استقلال قبرس همواره بمنزله خار در چشم ژنرال های ناتو بود ، زیرا آنها باین جزیره به چشم پایگاه نظامی بالقوه خود مینگریستند . تصادفی نیست که سایه ناتو از همان آغاز بدنبال شورشیان فاشیست یونان که مخالف با دولت قانونی قبرس بودند در حرکت بود . ولی سردمداران ناتو ، بارساندن کار به مرحله ای که در موضو این پیمان را که دعوی ایفای نقض " صلح " را دارد ، در لبه پرتگاه جنگ پایکد یگسر قرار دادند ، اشتباه سیاسی بزرگ و شاید جبران ناپذیری مرتکب شدند . اعتبار بلوک آتلانتیک شمالی که در واقع هیچوقت زیاد نبود ، اینک به پائین ترین حد تنزل کرده است . مسئله احیای هر چه سریع تر استقلال قبرس و نظام دموکراتیک آن ، از بین بردن عواقب دشوارمادی ، سیاسی و روانی شورش فاشیستی و عملیات جنگی که در جزیره بیا کردند نیز به معضلات مبرم بین المللی افزوده شد . پایید چنین اندیشید که این جریان نیروی محرکه تازه ای ببارزه خلقها در راه صلح و از میان بردن تمام عواقب و بقایای " جنگ سرد " خواهد داد .

با وجود حملات گوناگونی که از راست و " چپ " به سیاست همزیستی مسالمت آمیز میشود ، کمونیست ها معتقدند که تنها این سیاست به بهترین وجهی پاسخگوی مقتضیات این لحظه و منافع بنیادی زحمتکشان است . اینکه از سیاست " تعرض صلح " کشورهای سوسیالیستی که زیر پرچم گاهش تشنج بمقیاس وسیع عملی میگردد ، چنین پشتیبانی توده ای گسترده ای میشود ، نیز دلیلی جزاین ندارد . این پشتیبانی توده ای یکی از تضمین های است که بموجب آن جنبش در راه گاهش تشنج بدون وقفه پیش خواهد رفت و جهان از نوبه بیراهه های " جنگ سرد " نخواهد افتاد . هشجاری ، آسادی ، داعمی برای مقابله بانبروهای تجاوزکار ، جسارت و قاطعیت در مبارزه در راه صلح و نگهداری و استحکام وضع نوین بین المللی - چنین است خواستزمان ما .

مجله «مسائل بین المللی» که هر دو ماه یکبار انتشار می یابد، به تشریح مسائل تئوریک و سیاسی جنبش جهانی کارگری اختصاص دارد.

مندرجات این مجله از میان مقالات مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» که نشریه تئوریک و اطلاعاتی احزاب کمونیست و کارگری و منعکس کننده نظریات و اندیشه های آنانست، انتخاب و ترجمه میشود.

در این شماره منتخبی از مقالات شماره های ۹ و ۱۰ (سپتامبر - اکتبر) سال ۱۹۷۴ مجله «مسائل صلح و سوسیالیسم» به چاپ رسیده است.

خوانندگان عزیز!

باین نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034  
10028 Stockholm 49  
Sweden

شماره حساب بانکی جدید مجله  
«مسائل بین المللی»:

Berlin  
Deutsche  
Außenhandelsbank A. G.  
Konto-Nr. 9608-3131-0010

Druckerei des Verlages " Rudé Právo "

P R A H A